

درآمدی بر سیاستگذاری زبان و ادبیات فارسی
در جمهوری اسلامی ایران؛
سیاستگذاری زبانی در ستره ملی و فراملی



مرکز مطالعات و تحقیقات
سیاستگذاری زبان

رصد فرهنگی ۷۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش رصد فرهنگی (۷۰)

درآمدی بر سیاست‌گذاری زبان
و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران؛
مورد مطالعه سیاست‌گذاری زبانی در گستره ملی و فراملی

اردیبهشت ۱۴۰۲

مرکز رصد فرهنگی کشور

ناشر: مرکز رصد فرهنگی کشور

عنوان: درآمدی بر سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران

مدیر طرح: محمد اصغری

پژوهشگران: جواد صیوری کزج، رادمان رسولی مهربانی، صابر اکبری

با همکاری: اندیشکده زفان

صفحه‌آرایی: رضا سلیمانی

طراح جلد: رضا ذکی‌پور

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۳

شمارگان: برای مخاطبان خاص

این نسخه به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور تهیه شده است.

همه حقوق این اثر برای مرکز رصد فرهنگی کشور محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، میدان بهارستان، خیابان کمال‌الملک، پلاک ۱۸، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی،

مرکز رصد فرهنگی کشور

صندوق پستی: ۴۳۵۷-۱۱۱۵۵ | تلفن: ۳۳۹۶۰۵۰۵ | دورنگار: ۳۳۹۰۱۲۴۲

فهرست مطالب

فصل اول) کلیات و ادبیات نظری.....	۱
گفتار اول: مقدمه.....	۱
گفتار دوم: تعاریف.....	۴
گفتار سوم: زبان فارسی در تقابل با امپریالیسم فرهنگی غرب.....	۵
گفتار چهارم: زبان و ادبیات فارسی و ترمیم انسجام فرهنگی و اجتماعی.....	۶
فصل دوم) پیشینه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در ایران.....	۱۰
گفتار اول: سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار.....	۱۰
گفتار دوم: سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در دوره پهلوی.....	۱۱
گفتار سوم: نهادهای سیاست‌گذار زبان و ادبیات فارسی پیش از انقلاب اسلامی.....	۱۲
فصل سوم) بازیگران و اسناد سیاستی این حوزه.....	۱۶
گفتار اول: زبان و ادبیات فارسی در اسناد سیاستی.....	۱۶
گفتار دوم: دستگاه‌های ذی‌ربط حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی.....	۲۲
فصل چهارم) نگاهی به سیاست‌گذاری زبانی در جهان.....	۳۰
گفتار اول: تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در روسیه و فرانسه.....	۳۰
۱. تجربه روسیه.....	۳۰
۲. تجربه فرانسه.....	۳۳
گفتار دوم: سند زبانی امارات متحده عربی.....	۳۵
گفتار سوم: دیپلماسی زبانی کشور ترکیه؛ مطالعه موردی مؤسسه یونس امره.....	۴۶
فصل پنجم) آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری زبانی در جمهوری اسلامی ایران.....	۵۴
گفتار اول: چالش‌های سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی.....	۵۴
۱. سطح نگرش.....	۵۴
۲. سطح سیاست‌گذاری، ساختاری و قانونی.....	۵۷
۳. سطح آموزشی.....	۵۸
۴. سطح فرهنگی و رسانه‌ای.....	۶۰

.....	۶۲	۵. سطح فناوریانه
.....	۶۳	گفتار دوم: چالش‌های سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره فراملی
.....	۶۳	۱. سطح کلان ساختاری
.....	۶۶	۲. سطح آموزشی
.....	۶۸	۳. سطح بین‌الملل
.....	۷۳	۴. سطح علمی و دانشگاهی
.....	۷۴	۵. سطح میراث فرهنگی و گردشگری
.....	۷۵	۶. سطح اقتصادی و مالی
.....	۷۸	فصل ششم) ارائه راهکارها برای تقویت زبان و ادبیات فارسی
.....	۷۸	گفتار اول: پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی
.....	۷۸	۱. سطح نگرش
.....	۸۰	۲. سطح سیاست‌گذاری، قانونی و ساختاری
.....	۸۱	۳. سطح آموزشی
.....	۸۴	۴. سطح فرهنگی و رسانه‌ای
.....	۹۱	۵. سطح فناوریانه
.....	۹۳	گفتار دوم: پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره فراملی
.....	۹۳	۱. سطح ساختاری و سیاست‌گذاری
.....	۹۵	۲. سطح آموزشی
.....	۹۸	۳. سطح بین‌الملل
.....	۹۹	۴. سطح علمی و دانشگاهی
.....	۱۰۳	۵. سطح میراث فرهنگی و گردشگری
.....	۱۱۰	۶. سطح اقتصادی و مالی
.....	۱۱۵	منابع

فهرست جداول

- جدول شماره ۱: جایگاه زبان و ادبیات فارسی در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۶
- جدول شماره ۲: جایگاه زبان و ادبیات فارسی در اسناد برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران..... ۱۹
- جدول شماره ۳: اهم قوانین و مصوبات اختصاصی حوزه زبان فارسی..... ۲۱
- جدول شماره ۴: مهم ترین دستگاه های ذی ربط در زمینه سیاست گذاری زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۲
- جدول شماره ۵: اهم اقدامات و عملکرد ده ساله بنیاد سعدی..... ۲۵
- جدول شماره ۶: بررسی وضع حیات و امکان سنجی ساختن آینده ای تازه..... ۳۵
- جدول شماره ۷: زمینه های فعالیت مؤسسه یونس امره..... ۴۷
- جدول شماره ۸: ابعاد اقتصادی (بودجه، درآمد و هزینه) بنیاد یونس امره..... ۵۱
- جدول شماره ۹: اقدامات و برنامه های آمریکایی ها در راستای سیاست توسعه انگلیسی در کشور افغانستان ۷۰
- جدول شماره ۱۰: مقایسه نحوه تأمین ارز بنیاد سعدی بر مبنای یک میلیون یورو در شش سال اخیر..... ۷۶
- جدول شماره ۱۱: چالش ها و پیشنهادهای حوزه سیاست گذاری زبان و ادبیات فارسی..... ۱۱۲

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱: مهم ترین بازیگران حاکمیتی و غیر حاکمیتی در حوزه سیاست گذاری زبان و ادبیات فارسی..... ۲۴
- نمودار شماره ۲: درصد توزیع مراکز فرهنگی به تفکیک مناطق در سال ۲۰۲۱..... ۴۷
- نمودار شماره ۳: هزینه های مؤسسه یونس امره به تفکیک حوزه ها براساس آمار سال ۲۰۲۱..... ۴۹
- نمودار شماره ۴: فعالیت های آموزشی ترکی در مراکز فرهنگی..... ۵۰

فصل اول: کلیات و ادبیات نظری

گفتار اول: مقدمه

در اقصی نقاط دنیا زبان و ادبیات همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی جوامع محسوب می‌شود و ارتباط تنگاتنگی با حیات و ممات فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دارد. علاوه‌براین زبان و ادبیات ظرف تفکر مردمان جامعه است و بسیاری از زمینه‌های فرهنگی در زبان و ادبیات ظهور و بروز جدی دارد. زبان فارسی نیز به‌عنوان زبان رسمی ایران و همچنین زبان تاریخی جغرافیای فرهنگی ایران‌زمین جایگاه مهمی در فرهنگ و هویت ملی ایرانیان دارد.

پیش از آنکه زبان انگلیسی و زبان فرانسوی زبان میانجی یا ارتباطی بین‌المللی شوند، زبان فارسی تقریباً چنین نقشی را در سرزمین‌های وسیعی از چین گرفته تا اروپا ایفا می‌کرد. مارکوپولوی ایتالیایی برای تجارت در آسیا و در چین و مغولستان از زبان فارسی بهره می‌گرفت. امپراتوری وسیع و مقتدر مغول در چین و روسیه از زبان فارسی برای مکاتبات دیپلماتیک استفاده می‌کرد. نامه فارسی امپراتور مغول به پاپ در بابیگانی واتیکان همچنان باقی مانده است. در دربار سلسله یوآن در چین زبان فارسی سومین زبان رسمی حکومتی بود. سنگ‌قبرها و کتیبه‌هایی فارسی در شرق آفریقا (کشورهای تانزانیا و کنیای امروزی)، سریلانکا، بندرهای شرق چین، ترکستان (سین‌کیانگ) در غرب چین، شبه‌جزیره بالکان (به‌ویژه در کشورهای بوسنی و هرزگوین و آلبانی) و شبه‌جزیره کریمه باقی مانده است. در سده‌های اخیر نیز زبان و ادبیات فارسی به دست مترجمان و شاعرانی مانند ادوارد فیتز‌جرالد و گوته و همچنین مهاجران ایرانی در کشورهای غربی گسترش یافته است.

زبان فارسی زبان قومی خاص هم شمرده نمی‌شده است. اینکه امروزه فارسی را زبان قومی خاص می‌دانند، البته پر از اشتباه و بی‌دقتی‌های تاریخی است و مفهومی که اکنون از قومیت اراده می‌شود، در گذشته وجود نداشته است. زبان فارسی به دور از ناحیه فارس و در منطقه خراسان بزرگ و در شهرهایی چون بخارا و توس و بلخ و غزنین بالید. از سوی دیگر، سده‌هاست که لهجه منطقه فارس با فارسی معیار متفاوت است و این موضوع به‌روشنی از اشعار شیرازی شمس پُسر ناصر و سعدی و دیگران برمی‌آید. سده‌هایی طولانی زبان فارسی زبان قومی خاص شمرده نمی‌شد و اقوام مختلف در هندوستان و امپراتوری عثمانی و آسیای مرکزی زبان فارسی را زبان خود به شمار می‌آوردند و از آن بهره می‌بردند و در جایگاه زبانی رسمی و میانجی آن را پذیرفته بودند. زبان‌های قومی در این پهنه وسیع تحت‌تأثیر زبان فارسی بالیدند و اشعار و متون ادبی آن زبان‌ها با الگوگرفتن از ادبیات فارسی (مانند ادبیات اردو، بنگالی، ترکی جغتایی و ...) گسترش یافتند و زبان و ادبیات فارسی نیز عناصری را از آن زبان‌ها پذیرفت. تنها در سده بیستم با رشد اندیشه‌های ملی‌گرایانه تفکراتی از این جنس که زبان فارسی زبان قومی خاص است و منجر به تضعیف زبان اقوام دیگر می‌شود، پدید آمد و از آن برای جدایی‌طلبی یا هویت‌سازی بهره‌برداری شد.

آنچه در این متن با آن روبه‌رو هستیم، مطالعه و بررسی سیاست‌گذاری حوزه زبان و ادبیات فارسی است. در واقع مداخله دولت در امر زبان موردتوجه در این پژوهش بوده است و اینکه دولت چه انتخاب‌هایی در حوزه زبان داشته است یا باید داشته باشد. مقام معظم رهبری پیرامون جایگاه زبان فارسی و دغدغه‌مندی‌هایشان در این حوزه می‌فرمایند:

«من خیلی نگران زبان فارسی‌ام. خیلی نگرانم... زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه‌قاره هند. اینکه عرض

می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه (لقب استانبول)، مرکز حکومت عثمانی، زبان رسمی در یک برهه طولانی‌ای از زمان زبان فارسی بوده. در شبه‌قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه‌قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلوی زبان فارسی را با انواع حیل و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌هاست، گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آنجا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی‌هایشان اینجا آمدند، آن‌ها را دیدیم، عاشق زبان فارسی‌اند؛ اما ما در کانون زبان فارسی داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل‌های خارجی هیچ اقدامی نمی‌کنیم» (مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۲/۹/۱۹).

زبان و ادبیات فارسی با وجود ظرفیت‌ها و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کند، همواره در سطح سیاست‌گذاری درگیر مسائل و چالش‌های اساسی بوده است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود. برای مشخص شدن چالش در امر سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی مواردی از شکست‌های این عرصه بیان می‌شود، به عنوان نمونه برنامه‌های بلندمدت در حوزه ادبیات فارسی از قبیل «تأسیس سازمان فرهنگی هنری فارسی‌زبانان (ایتا)» که در بهمن ۱۳۹۵ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده بود، «سند ملی گسترش زبان فارسی» که بنا بود فرهنگستان زبان فارسی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد، «طرح اتحادیه کشورهای فارسی‌زبان»، «طرح بین‌المللی انتخاب پایتخت فارسی‌زبانان دنیا به صورت سالانه» که سخنگوی سابق وزارت امور خارجه آن را مطرح کرده بود و طرح‌هایی دیگر، اگرچه قدم‌هایی برای پیشبردشان برداشته شد؛ اما در نهایت اجرایی نشدند. در هر صورت، شناسایی چالش‌های عرصه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی و همچنین ارائه پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت، مهم‌ترین هدف این پژوهش بوده است.

گفتار دوم: تعاریف

زبان فارسی: زبان فارسی زیرشاخهٔ زبان‌های ایرانی از شاخهٔ زبان‌های هندوایرانی یعنی یکی از شاخه‌های اصلی زبان‌های هندواروپایی به شمار می‌آید. زبان فارسی امروزی امتداد زبان فارسی میانه در عصر ساسانیان و زبان فارسی باستان در دورهٔ هخامنشیان است. زبان فارسی امروزی از سدهٔ سوم هجری قمری زبان رسمی و اداری حکومت‌های متعددی در ایران و هندوستان و آسیای مرکزی بوده است و امروزه زبان رسمی جمهوری اسلامی ایران، افغانستان (با عنوان فارسی دری) و تاجیکستان (با عنوان تاجیکی) شناخته می‌شود.

زبان معیار: گونهٔ زبانی پذیرفته‌شده در رسانه‌های رسمی، کتاب‌ها و گفت‌وگوهای رسمی است که به‌عنوان زبان رسمی در آموزش و الگوی زبانی معتبر در نوشته‌ها و گفته‌های برنامه‌ریزی‌شده به کار می‌رود.

سیاست‌گذاری زبان: تعیین خط‌مشی‌ها و برنامه‌های رسمی مشخصی است که نهادهای مرتبط با مسائل آن زبان برای مدیریت و سازمان‌دهی رفتارهای زبانی و تعیین حدود و شیوهٔ کاربرد زبان و رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی زبان تنظیم، تدوین و تصویب می‌کنند و برای اجرای آن طرح‌ریزی می‌کنند.

برنامه‌ریزی زبان: هرنوع فعالیت روشمند، سازمان‌یافته و تثبیت‌کننده یا تغییردهندهٔ زبان که آگاهانه کاربرد زبان را دگرگون و آن را به‌سمتی مطلوب هدایت می‌کند.

ادبیات فارسی: مجموعه آثار هدفمند، مخیل، زیبا و خلاقانه به زبان فارسی در قالب‌های مختلفی از جمله شعر کلاسیک، شعر معاصر، نثر کهن (کلاسیک) و رمان‌ها و داستان‌ها.

دیپلماسی زبانی: تعداد گویشوران یک زبان در دنیا، به‌صورت بالقوه یک منبع قدرت نرم برای کشور مبدأ آن زبان است. برای تبدیل این ظرفیت بالقوه به حالت بالفعل، باید با راهبرد دیپلماسی زبانی تلاش کرد تا گویشوران را به زبان مادریشان وفادار نگه داشت و گویشوران جدیدی را تربیت کرد که به آن زبان به‌عنوان زبان دوم خود اعلام وفاداری کنند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶).

گفتار سوم: زبان فارسی در تقابل با امپریالیسم فرهنگی غرب

زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایرانیان است که جایگاه بسیار مهمی در مقابله با امپریالیسم فرهنگی غرب دارد. در واقع فرهنگ غربی و به‌اصطلاح آمریکایی همواره در حال گسترش مرزهای فرهنگی خود بوده که این موضوع امنیت فرهنگی مناطق مختلف جهان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. گسترش فرهنگ غربی با تمام لوازم و پسمندهایش، در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر بیشتر جنبه تحمیلی و جبری داشته و در یک فضای یک‌طرفه فرهنگ‌های متنوع و متکثر مناطق مختلف دنیا را در خطر تضعیف و نابودی قرار داده است.

ابزار اصلی فرهنگ غربی برای توسعه در مناطق مختلف جهان زبان انگلیسی و حتی سایر زبان‌های اروپایی است. می‌توان این نکته را نیز بیان داشت که زبان ابتدایی‌ترین و درعین حال عمیق‌ترین لایه فرهنگی است که اگر دچار تغییر و تحول بشود، می‌تواند به‌مرور کل فرهنگ را نیز دچار استحاله کند. هرگونه تضعیف گنجینه گهربار زبان فارسی می‌تواند منجر به نابودی تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین شود؛ بنابراین

یکی از کارکردهای اصلی زبان و ادبیات فارسی در عصر کنونی حفظ هویت ایرانی و اسلامی و همچنین مقابله با سیطره فرهنگ غربی در کشور است.

ازسوی دیگر بیان این نکته نیز خالی از لطف نیست که زبان و ادبیات فارسی به هیچ عنوان در تقابل با سایر زبان‌های اقوام ایرانی نیست؛ زیرا می‌توان گفت که سال‌های متمادی زبان‌های مختلف از جمله فارسی، عربی و ترکی در جغرافیای فرهنگی ایران زمین به شکل مسالمت‌آمیزی در کنار یکدیگر حیات فرهنگی داشته‌اند که وجود اشتراکات زبانی و ادبی میان این زبان‌ها نیز نشانگر این موضوع است. به همین دلیل هر گونه نگاه تقابلی میان زبان‌های موجود در کشور می‌تواند زمینه تفرقه و تضعیف فرهنگی را موجب شود.

در این رویکرد که بیان شد، زبان و ادبیات فارسی، سنگر فرهنگی برای حفظ هویت ملی است و ازسوی دیگر سایر زبان‌های موجود در قلمرو ایران زمین نیز به همراه زبان فارسی در تقابل با بسط فرهنگ غربی قرار دارند. از این منظر نه تنها زبان‌های اقوام مختلف ایرانی تهدیدی برای زبان فارسی نیست، بلکه ظرفیت بزرگی برای حفظ فرهنگ ایرانی و مقابله با فرهنگ بیگانگان است.

گفتار چهارم: زبان و ادبیات فارسی و ترمیم انسجام فرهنگی و اجتماعی

زبان و ادبیات فارسی گنجینه و سرمایه‌ای گران‌بهاست که در تقویت هویت ملی، ترمیم انسجام اجتماعی و یکپارچگی طیف‌های مختلف مردم و حل مسائل و مشکلات میان ملت و حکومت، فراتر از شکاف‌های مذهبی و سیاسی و قومی، می‌توان از آن یاری گرفت. زبان و ادبیات فارسی به صورت تاریخی همین نقش را در ایران و هندوستان و چین و امپراتوری عثمانی داشته و عامل ارتباط اقوام و پیروان مذاهب

گونگون بوده است و آثار گران‌بهای ادبیات فارسی چون گلستان و بوستان شیخ اجل، دیوان لسان‌الغیب، شاهنامه حکیم فردوسی، مثنوی معنوی مولوی و متون دیگر سرچشمه حکمت و معرفت و نمونه ادبیات عالی به شمار می‌رفته است. از همین‌رو بوده است که این آثار در مکتب‌خانه‌ها به کودکان آموخته می‌شد تا آنان راه و رسم زندگی و حکمت و معرفت و فضایل انسانی را از این آثار بیاموزند. به این ترتیب میراث فکری و معرفتی تمدن ایرانی به نسل‌های بعدی در گستره وسیعی از بنگال تا بالکان منتقل می‌شد و گستره تمدنی ایران فرهنگی را شکل می‌داد.

اگر چنین نگاهی به سرمایه زبان و ادبیات فارسی وجود نداشته باشد، حتماً این سرمایه برای مخالفت با حاکمیت به کار گرفته خواهد شد، چنان‌که هم‌اکنون تلاش‌هایی می‌شود تا ادبیات فارسی (شاهنامه به‌صورت خاص) و تاریخ ایران برای مخالفت با جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. قرارگرفتن شاهنامه در سفره هفت‌سین کاخ سفید را هم در همین بافت می‌توان ارزیابی کرد. ازسوی دیگر قوم‌گرایان جدایی‌طلب و رسانه‌های بیگانه از آنجاکه اهمیت زبان و ادبیات فارسی برای وحدت و انسجام ملی را دریافته‌اند، تلاش می‌کنند که به این سرمایه ملی و اسلامی آسیب بزنند. آنان به‌جز تولیدات رسانه‌ای و نظریه‌پردازی با برنامه‌ریزی‌های گسترده برنامه‌هایی مانند پوشش #من_و_فارسی را طراحی و اجرا کردند.

در این زمینه باید طرح و برنامه‌ای ملی مبتنی بر سرمایه عظیم زبان و ادبیات فارسی، به دور از لغزش‌های وطن‌پرستانه و تعصب‌ورزی‌های سلبی، برنامه‌ریزی کرد و گفتمانی ایجابی و تصویری اسلامی و ایرانی از گذشته و آینده ایران اسلامی ترسیم کرد. دانشگاه‌ها، رسانه‌های عمومی رسمی و غیررسمی و سایر دستگاه‌های فرهنگی با اجتناب از سویه‌های سیاسی، به‌صورت منطقی و علمی، باید این طرح ملی را بررسی و نقد کنند و در سطوح مختلف نخبگانی و عمومی منتشر کنند.

به‌نظرمی‌رسد تصویری از ایران اسلامی در نسبت با گذشته و آینده آن، چه برای ایرانیان در داخل کشور و چه برای مردم منطقه و چه برای جهانیان، طراحی و ترویج نشده است؛ در نتیجه تصویری که دیگران از ما می‌سازند، ترجمه می‌شود و در داخل کشور رواج می‌یابد. از آن جمله تصویری است که در اندیشکده‌های غربی و در مواجهه با رقابت‌های منطقه‌ای اخیر از ایران ساخته شد و مقابله ایران و غرب را در امتداد جنگ‌های طولانی‌مدت هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان با یونان و روم بازنمود (این بازنمایی از طریق بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های سینمایی به سطح عمومی نیز راه یافت)، یا آن تصویری که رقباى منطقه‌ای از ایران ساخته‌اند و جمهوری اسلامی ایران را ادامه‌دهنده سیاست‌های صفویان بازنمایی می‌کنند و ادبیات تقابلی شیعه و سنی در آن عصر را زنده می‌کنند. برای ساختن تصویری که هویت اسلامی و ایرانی را بازنمایی کند، ادبیات کهن فارسی یکی از عناصر اصلی خواهد بود.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای زبان و ادبیات فارسی خواسته مقام معظم رهبری نیز بوده است و ایشان بارها و به‌طور مداوم بر آن تأکید داشته‌اند. نقشی که ایشان برای زبان و ادبیات فارسی قائل شده‌اند، نقشی حقیقی است. ایشان زبان را استخوان ستون فقرات یک ملت دانسته‌اند (۱۳۸۴/۸/۱۲) و در جایی دیگر زبان فارسی را کلمه طیبه‌ای شمرده‌اند که اصل ثابتی دارد (۱۳۷۴/۱۰/۱۶). در همین راستا ایشان یکی از وظایف نهادهای مرتبط را چنین دانسته‌اند: «آن دستگاه‌هایی که مباشر امور ادبیات هستند، باید اثبات کنند که ادبیات فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زائده‌ای در زندگی نیست، بلکه یک چیز ضروری است» (۱۳۷۰/۱۲/۵). البته هنوز اهمیت زبان و ادبیات فارسی چنان‌که ایشان مطرح کرده‌اند، برای بسیاری مشخص نیست و این نکته را خودشان هم مطرح کرده‌اند: «زبان خیلی مهم است... اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست»

(۱۳۹۲/۵/۱۵). به‌همین دلیل هم ایشان بارها دربارهٔ وضعیت فعلی زبان و ادبیات فارسی اظهار نگرانی کرده‌اند: «در کار زبان فارسی تقصیر شده است. نه فقط در این چندساله اول پیروزی انقلاب که هرکسی به کاری مشغول بود، به این مهم چندان پرداخته نشد، بلکه در گذشته نیز تقصیرهای بزرگ‌تر و بیشتری صورت گرفت و بالاینکه در این کشور ادبا و شعرا و فارسی‌دانان و فارسی‌گویان بزرگی بودند؛ اما در این سنین متمادی، زبان فارسی آن رشدی را که بایستی می‌کرد و آن سعه‌ای را که در دنیا باید پیدا می‌کرد، پیدا نکرد» (۱۳۷۰/۱۱/۲۷). ایشان صریحاً در این باره هشدار دادند: «من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است» (۱۳۹۲/۹/۱۹). ایشان هویت ملی ایران را برآمده از آثار ادبی کهن فارسی دانسته‌اند و شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پرورش شخصیت امام خمینی (ره) را هم حاصل این هویت فرهنگی به شمار آورده‌اند (۱۳۹۳/۴/۲۱).

بنابراین باید زبان و ادبیات فارسی را گنجینه‌ای عظیم و بی‌همتا از ارزش‌های انسانی، اسلامی و فرهنگی دانست که فراتر از شکاف‌های سیاسی، مذهبی و عقیدتی عامل هم‌بستگی و هم‌دلی همهٔ ایرانیان، از هرقومی، در هر جای دنیاست و چنان‌که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، بهترین وسیله برای انتشار پیام جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت و ارزش‌های انسانی و اسلامی در سطح جهان است؛ اما متأسفانه گاهی به دلیل تنگ‌نظری‌هایی چنین نگاهی به زبان و ادبیات فارسی وجود ندارد و ارزش آن برای پیشبرد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران فهم نمی‌شود.

فصل دوم: پیشینه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در ایران

ریشه‌های سیاست‌گذاری در حوزه زبان و ادبیات فارسی را می‌توان در اعصار دور، به‌ویژه در دوره سامانیان، یافت و در هر دوره‌ای تحولات آن را پیگیری کرد. بااین‌حال به‌طبع سیاست‌هایی که در اواخر دوره قاجار اندیشیده شد و سپس در دوره پهلوی تقویت شد، در وضعیت امروزی زبان و ادبیات فارسی بیشتر مؤثر بوده است.

گفتار اول: سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار

بعد از جنگ‌های ایران و روس دولت‌مردانی مانند قائم‌مقام فراهانی و امیرنظام گروسی از کسانی بودند که توجه ویژه‌ای به کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های زبان فارسی کردند. سرهنووسی هم رویکردی بود که بعضی از متجددین و شاهزاده‌های قاجار در پیش گرفتند. همچنین چند سالی پیش از انقلاب مشروطه در دارالتألیف و دارالترجمه مظفری زیر نظر وزیر انطباعات «مجلس آکادمی» تشکیل شد و در آن سعی می‌شد تا برای پدیده‌های تازه واژگان فارسی وضع کنند. منورالفکرانی چون آخوندزاده و ملک‌خان تلاش‌های گسترده‌ای برای تغییر خط فارسی در پیش گرفتند و با دولت‌مردان قاجار مکاتبات و گفت‌وگوهای گسترده‌ای داشتند؛ ولی دولت‌مردان قاجار هوشمندانه به این‌گونه پیشنهادها اعتنایی نکردند. بیشتر مسائل اصلی این حوزه ازجمله برابرگزینی برای واژگان بیگانه، مشکلات خط فارسی، مسئله سوادآموزی در دبستان‌ها و بهره‌گیری از زبان و ادبیات فارسی برای تقویت هویت ملی در دوره قاجار هم مطرح بوده‌اند و اقداماتی برای آن‌ها انجام شده بود. به‌ویژه مسئله آخر تأثیرات عمیقی داشت. در این بخش بر آنچه درباره نسبت زبان و ادبیات فارسی با هویت ملی اندیشیده می‌شد، تمرکز خواهیم کرد.

گفتار دوم: سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در دوره پهلوی

با جهان‌گیرشدن رویکردهای ملی‌گرایانه در جهان در ایران نیز ملی‌گرایی رشد پیدا کرد. رد پای ملی‌گرایی را در اواخر دوره قاجار و در آثار تألیفی روشنفکران و شاهزاده‌های قاجار می‌توان دید. در دوره پهلوی این رویکرد ادامه یافت. برای دولت رضاخان بازسازی هویت ملی ایرانی با سویه‌هایی از ناسیونالیسم رمانتیک ضرورتی سیاسی داشت و در تأسیس نهادهایی چون دارالمعلمین و دانشگاه تهران سعی می‌شد که تمهیداتی برای پاسخ‌گویی به این ضرورت سیاسی اندیشیده شود. در این دوره سعی می‌شد گذشته فرهنگی، مفاخر ملی، نمادهای فرهنگی و شکوه تاریخی از راه تحقیق در زبان و ادبیات فارسی و با تکیه بر انکار تبار هویتی متنوع ایرانی در سطح عمومی برجسته شود و از این راه نوعی از هویت ملی برساخته و تخیلی تقویت شود. از این رو در این دوره پژوهشگران و استادان زبان و ادبیات فارسی که با رویکردهای رژیم منحوس پهلوی هم‌آوایی داشتند، مناصب سیاسی مهمی را نیز عهده‌دار بودند. این رویکرد تا دوره پهلوی دوم ادامه یافت.

مهم‌ترین رویدادی که در دوره پهلوی برای تقویت نوع خاصی از هویت ملی ادعایی رژیم پهلوی براساس ادبیات فارسی برگزار شد، «هزاره فردوسی» در سال ۱۳۱۳ بود. برگزاری این رویداد اتفاقی منحصربه‌فرد در تاریخ ایران بود. زمینه برگزاری این رویداد تلاش حکومت پهلوی برای تثبیت دولت‌ملت و استفاده از ایدئولوژی ملی‌گرایی افراطی برای تقویت آن بود. پشتوانه نظری این رویکرد را ملی‌گرایان منخطی چون تقی‌زاده و کاظم‌زاده ایرانشهر فراهم آورده بودند. برای تقویت قدرت مرکزی و پیشبرد پروژه ملت‌سازی لازم بود که بر تاریخ، سرزمین و زبان مشترک ملی تأکید شود. آنچه در این دوره انجام شد، البته کاملاً بی‌اساس و برساخته دولت‌مردان نبود؛ چراکه در تاریخ و تمدن ایران اسلامی، دولت‌مردان و ادیبان و شاعران به عناصر ملی‌گرایانه توجه داشته‌اند و در آثاری مثل شاهنامه و سیاست‌نامه

آن‌ها را تبیین کرده بودند. ایرانیان از این نظر، یعنی وجود حس ملیت در گذشته‌های دور و وجود تاریخ و زبان ملی، موقعیتی ویژه و ممتاز در جهان دارند. هگل بر آن بود که «با امپراتوری ایران نخستین گام را به پهنهٔ تاریخ می‌گذاریم» (هگل و فردریش، ۱۳۸۵: ۳۰۱). حتی پژوهشگری چون هابسبام که معتقد است هویت ملی بسیاری از ملل امروزی پایه و اساس تاریخی ندارد، بر آن است که ایران و مصر و چین و کره و ویتنام را می‌توان مللی تاریخی به شمار آورد (هابسبام، ۱۹۹۰: ۱۳۷). به‌هرروی در دورهٔ پهلوی، آن عناصری که از گذشته وجود داشتند، در راستای اهداف دین‌زدایی و تنوع‌ستیزی پرورده شدند و در خدمت نظام سیاسی و پروژه هویت‌سازی قرار گرفتند.

حکومت پهلوی در نظام آموزشی رسمی نیز سعی می‌کرد این عناصر را وارد کند. شورای عالی معارف در ۱۳۱۰ تصویب کرد که به‌جز گلستان و بوستان، شاهنامه نیز در دورهٔ متوسطه تدریس شود. همچنین در نظام آموزشی رسمی زبان فارسی زبان اول و معیار شد و مدرسی که از زبان دیگری برای آموزش استفاده می‌کردند، مانند مدارس ارمنی، بسته شدند.

گفتار سوم: نهادهای سیاست‌گذار زبان و ادبیات فارسی پیش از انقلاب اسلامی

پیش از انقلاب اسلامی، به‌جز برنامه‌ریزی شأن زبان فارسی و برنامه‌ریزی برای تقویت هویت عملی البته اقدامات عملی دیگری هم در این حوزه انجام شد. از ۱۳۰۳ش که رضاخان پالانی وزیر جنگ بود، انجمن‌هایی برای گزینش برابره‌های فارسی برای واژگان بیگانه تشکیل شد. نخستین هدف آن‌ها انتخاب برابره‌های فارسی برای جنگ‌افزارهای وارداتی بود. در سال‌های بعدی انجمن‌های دیگری هم تأسیس

شدند که سبب تششت و تفرقه شدند و موجب نگرانی محمدعلی فروغی در امر زبان و برابرگزینی شدند. او موضوع را با رضا خان در میان گذاشت که منجر به تأسیس فرهنگستان ایران (۱۳۱۴-۱۳۳۲ش)، معروف به «فرهنگستان اول»، به ریاست فروغی شد. این نهاد را می‌توان مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذار در آن دوره به شمار آورد. فرهنگستان اول رویکردی معتدل و منطقی دربارهٔ زبان داشت و با واژگان عربی و زبان عربی سرستیز نداشت. وظایف فرهنگستان ایران که به موجب مادهٔ اول اساسنامهٔ آن «برای حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی» تأسیس شده بود، به موجب ماده دوم آن عبارت بود از: «اختیار واژه‌ها و اصطلاحات لازم برای همهٔ رشته‌ها؛ «پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامناسب خارجی»؛ «تهیهٔ دستور زبان و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یا رد لغات خارجی»؛ «جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران»؛ «جمع‌آوری الفاظ و اصطلاحات از کتب قدیم»؛ «تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی».

پس از انحلال فرهنگستان اول، هشدارهای مکرر علاقه‌مندان حساس به وضعیت زبان فارسی زمینهٔ تشکیل فرهنگستان دوم را پدید آورد. فرهنگستان دوم در مرداد ۱۳۴۷ش، به ریاست صادق کیا، تشکیل شد. فرهنگستان دوم به سبب نزدیکی به کانون‌های قدرت، در دههٔ ۱۳۵۰ش تا حوالی سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ش، به سازمانی تبدیل شده بود که برای رسیدن به هدف‌ها و انجام‌دادن وظایف مقرر خود با مانع روبه‌رو نبود؛ اما سیاست‌ها و شیوه‌های عملی حاکم بر آن سبب شد که بازده و حاصل کلی کار با امکاناتش تناسب نداشته باشد. عربی‌ستیزی و بیگانه قلمدادکردن کلمات و اصطلاحات متداول‌شدهٔ عربی در فارسی و ایجاد فاصله میان استادان و

علاقه‌مندان به زبان فارسی با فرهنگستان سبب شد که واژه‌های مصوب فرهنگستان دوم با استقبال علاقه‌مندان حساس به زبان فارسی روبه‌رو نشود.^۱

«بنیاد فرهنگ ایران» نیز در ۱۳۴۴ با ادعای ترویج فرهنگ ایرانی و حفظ و ارتقای میراث فرهنگی تأسیس شد و پرویز ناتل خانلری به ریاست آن برگزیده شد. خانلری دانش‌آموخته نخستین دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران بود و سابقه معاونت وزارت کشور در دوره علم و وزارت فرهنگ و سناتوری را هم در کارنامه داشت. این بنیاد تا ۱۳۵۷ بیش از سیصد کتاب منتشر کرد و پژوهشگران متعددی را در حوزه‌های مختلف ادبی و فرهنگی پرورش داد. همچنین خانلری نقش مؤثری در حوزه آموزش و پرورش به صورت کلی و آموزش ادبیات به صورت خاص در ایران داشت، از جمله اینکه سپاه دانش در دوره او شکل گرفت و شیوه آموزش دستور زبان فارسی هم تحت تأثیر پژوهش‌های اوست.

مواضع رجال سیاسی و شخصیت‌های متنفذ در دوره پهلوی در حوزه زبان و ادبیات فارسی گاه مشابه با آن چیزی است که امروزه در جمهوری اسلامی به صورت رسمی بیان می‌شود؛ ولی در سطح جامعه مخالفت‌هایی با آن صورت می‌گیرد. حسن تقی‌زاده در ۲۹ خرداد ۱۳۳۸ نطقی در مجلس سنا ایراد کرده بود و در آن تدریس زبان انگلیسی در کودکان را مانند نیشتری دانسته بود که به دل آدم بزنند: «در مدارس ابتدایی هم انگلیسی درس می‌دهند و بنده حتی در روزنامه‌ها می‌بینم که کودکان انگلیسی هم وجود دارد. این یک ننگ بزرگی است و کار قبیحی است و از این قبیح‌تر در روی زمین چیزی نیست. من مبالغه عرض نمی‌کنم. یکی مملکتی در دنیا روی زمین پیدا نمی‌کنید که در مدارس ابتدایی‌اش زبان خارجی درس

^۱. رک: عبدالحسین آذرنگ و آمنه بیدگلی «فرهنگستان»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی، زیر نظر اسماعیل سعادت،

ج ۵، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳.

بدهند» (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۸۶)، در همان دوره با این صحبت تقی‌زاده نیز مخالفت‌های گسترده‌ای در مطبوعات صورت گرفت.

فصل سوم: بازیگران و اسناد سیاستی این حوزه

گفتار اول: زبان و ادبیات فارسی در اسناد سیاستی

در جداول زیر اسناد سیاستی، اسناد توسعه‌ای و اهم قوانین و مصوبات اختصاصی حوزه زبان فارسی بیان می‌شود و همچنین توضیحات اجمالی پیرامون این اسناد و قوانین ذکر می‌گردد.

جدول شماره ۱: جایگاه زبان و ادبیات فارسی در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران

سند بالادستی	تبصره/بند/ماده/...	متن
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	اصل ۱۵	زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.
نقشه مهندسی فرهنگی کشور	بند ۳ از اهداف کلان فرهنگی	تعمیق خودباوری ملی و پاسداشت میراث‌های ارزشمند ایرانی‌اسلامی و توسعه و ترویج زبان و ادبیات فارسی
	بند ۱ از اولویت‌های فرهنگی	هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی؛ انتظار منجی، قرآن و عترت، نماز و مسجد، ولایت فقیه، فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت، زبان، ادبیات و خط فارسی
	بند ۹ از راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۲	ارتقای جایگاه و گسترش زبان و ادبیات فارسی با توجه به زبان‌های محلی و قومی
	بند ۱۶ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۲	ایجاد زمینه، انگیزه و حمایت همه‌جانبه از تولید متون و آثار در حوزه‌های مختلف به زبان فارسی
	بند ۶ از راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۱۱	گسترش خط، زبان و ادب فارسی
	بند ۱۲ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۱۱	برگزاری دوره‌های آموزشی بین‌المللی به زبان‌های مختلف، مسابقات، المپیادها، جوایز و جشنواره‌های علمی بین‌المللی در زمینه اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی، مکتب اهل‌بیت (ع)، ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی
	بند ۲۲ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۱۱	تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور در چارچوب نقشه مهندسی فرهنگی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	بند ۲۱ از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (فصل دوم: بیانیه ارزش‌ها)	تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مشترک
سند نقشه جامع علمی کشور	بند ۶ از اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور	ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی
	اولویت‌های علم و فناوری کشور	در علوم انسانی و معارف اسلامی: زبان فارسی در مقام زبان علم
	بند ۱ از راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۹	توسعه زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهان
	بند ۲ از راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۹	توسعه و تقویت شبکه‌های مناسب ملی و فراملی دانشمندان و پژوهشگران و همکاری بین‌المللی با اولویت کشورهای اسلامی و کشورهای فارسی‌زبان
	بند ۱ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹	افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به‌منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور با اولویت کشورهای اسلامی و همسایه
	بند ۲ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹	تقویت جریان معادل‌سازی برای واژه‌های علمی بیگانه در تمام رشته‌ها و تأکید بر نگارش مقالات علمی-تخصصی به زبان روان فارسی
	بند ۳ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹	توسعه و ابداع روش‌های سهل و سریع فارسی‌آموزی
	بند ۴ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹	حمایت از تأسیس رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف جهان
	بند ۲۰ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹	ترجمه منابع علمی ایرانی اسلامی و ارسال کتب فارسی مرجع حاوی تولیدات و نظرات علمی دانشمندان کشور به مراکز و کتابخانه‌های معتبر جهان
	بند ۲۴ از اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۱۰	تقویت استفاده از زبان فارسی در حوزه‌های تخصصی علوم با تأکید بر معادل‌سازی مفهومی برای اصطلاحات تخصصی و ترویج آن‌ها در مجامع علمی و تلاش برای تبدیل زبان فارسی به زبان علم
سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور	بند ۸ از راهبردهای عملیاتی ذیل راهبرد ملی ۷	پذیرش دانشجو از بین متقاضیان مشتاق تحصیل داخلی و خارجی جهت تحصیل در رشته‌های نوین و بین‌رشته‌ای به‌صورت بین‌المللی به‌منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور با اولویت‌دهی به جوامع عضو قطب
	بند «ز» از راهبردهای مبانی ذیل راهبرد ملی ۸	توسعه زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهانی
	بند ۲۳ از راهبردهای عملیاتی ذیل راهبرد ملی ۸	تشویق مؤسسات خصوصی برای آموزش زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان ملی و علمی کشور و عربی به‌عنوان زبان دینی و بهبود و ارتقای روش‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی، عربی و

زبان انگلیسی در مؤسسات دولتی و خصوصی و ساماندهی مؤسسات خصوصی آموزش زبان خارجی		
افزایش بهره‌گیری از گنجینه شعر کهن فارسی، به‌خصوص شعرهای عارفانه، دینی، حماسی، اخلاقی و حکمی در تولیدات موسیقایی	بند ۹ از ماده ۵	سند ملی موسیقی جمهوری اسلامی ایران
تقویت و توسعه به‌کارگیری زبان فارسی در متون علمی دانشگاهی و تبدیل زبان فارسی به زبان مرجع علم	بند ۵ از اقدامات ذیل راهبرد ۷ (فصل ششم؛ نظام آموزشی)	سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها
حمایت از تدوین کتب و متون مرجع به زبان فارسی قابل رقابت جهانی جهت اقتدار و مرجعیت علمی	بند ۶ از اقدامات ذیل راهبرد ۷ (فصل ششم؛ نظام آموزشی)	
ایجاد سازوکار تولید و تدوین متون مرجع علمی در رشته‌های مختلف به زبان فارسی	بند ۷ از اقدامات ذیل راهبرد ۷ (فصل ششم؛ نظام آموزشی)	
ایجاد ظرفیت‌های متناسب با شعر و ادبیات فارسی در رشته‌های هنر	بند ۸ از اقدامات ذیل راهبرد ۱۱ (فصل ششم؛ نظام آموزشی)	
توسعه و به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای ترویج زبان فارسی به‌منظور ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی	بند ۷ از ماده ۳ ذیل اقدامات ملی	سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن	بند ۷ از اصول سیاست فرهنگی کشور	اصول سیاست فرهنگی کشور
پژوهش در فرهنگ عامه و گویش‌های مختلف و جایگزین کردن لغات و اسامی مناسب فارسی	بند ۲۸ از اولویت‌ها و سیاست‌های کلی	
توسعه و تقویت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشکده‌های داخل و خارج از کشور و نیز تقویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پاک‌سازی امکان از واژه‌ها و اسامی بیگانه	بند ۲۹ از اولویت‌ها و سیاست‌های کلی	
تأمین زیرساخت‌های فناوریانه توسعه خط و زبان فارسی در فضای مجازی (از قبیل پیکربندی داده، پردازش زبان طبیعی، واژه‌سازی، خط، مترجم‌ها، مبدل‌ها، تشخیص صدا، دستیار صوتی)	مورد ۲۷ از اقدامات کلان	سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی

جدول شماره ۲: جایگاه زبان و ادبیات فارسی در اسناد برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران

برنامه توسعه	تبصره/بند/ماده/...	متن
قانون برنامه اول توسعه	بخش ب، خط‌مشی‌ها، بند ۳-۱۳	تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌منظور اعتلای ادب و فرهنگ فارسی
قانون برنامه دوم توسعه	تبصره ۵۷، بندهای الف، ب و واو	احیا و توسعه کرسی‌های اسلام‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی و تقویت کتابخانه‌های معتبر دنیا در زمینه کتب مربوطه گسترش برنامه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی، برای خانواده‌های ایران در خارج از کشور تلاش در جهت ایجاد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی اسلامی، گسترش و بهبود پوشش شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما، گسترش برنامه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های ایرانی و سایر مخاطبان در خارج از کشور
سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه	امور فرهنگی، علمی و فناوری: بند ۵	تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی
قانون برنامه چهارم توسعه	ماده ۴۴، بند الف	حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید و عرضه انواع محتوا و اطلاعات به زبان فارسی در محیط رایانه‌ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی
	ماده ۱۰۹، بندهای ج و د	حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی و نمایش الفبای فارسی در محیط‌های رایانه‌ای تربیت و تشویق معلمان ورزیده و کارآموده درس زبان فارسی، در مقاطع مختلف آموزشی به‌ویژه مقطع ابتدایی
سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه	امور سیاسی، دفاعی و امنیتی: بند ۴۳	تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور و کمک به ترویج خط و زبان فارسی در میان آنان
قانون برنامه پنجم توسعه	ماده ۳، بند هـ	اقدام برای حذف اسامی لاتین از سردر اماکن عمومی، شرکت‌ها و بسته‌بندی کالاهای غیرصادراتی

براساس اسناد سیاستی و توسعه‌ای می‌توان سیاست‌های اصلی حوزه زبان و ادبیات فارسی را در این مضامین خلاصه کرد: «تدوین استانداردهای زبان فارسی»، «ترویج زبان فارسی در داخل و خارج از کشور»، «ارتقای جایگاه علمی زبان فارسی»

و «مقابله با الفاظ و واژگان بیگانه». معیارسازی ساختاری و شکلی زبان به جنبه سیاست‌گذاری «پیکره» زبان مربوط می‌شود، تلاش برای گسترش زبان رسمی یک کشور در داخل و خارج از مرزهای آن، جوانب آموزش و شأن را درگیر می‌کند، ارتقای جایگاه علمی یک زبان در عرصه‌های مختلف، مسئله زبان علم را مطرح می‌کند و مقابله با ورود غیراصولی و تهاجم‌گونه الفاظ و واژگان زبان‌های بیگانه، مسئله پاسداشت آن زبان را برجسته می‌نماید (قاسمی پیربلوطی، ۱۴۰۲: ۱۲).

علاوه بر موارد مذکور، اگر از منظر بین‌المللی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در گستره فراملی به اسناد سیاستی و توسعه‌ای نگاه بکنیم، به این مضامین باید توجه داشت: مخاطبان مدنظر در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی، ایرانیان خارج از کشور، دانشجویان خارجی و مردمان کشورهای فارسی‌زبان، اسلامی و منطقه هستند. در اسناد سیاستی مذکور هدف از توسعه زبان و ادبیات فارسی در فراسوی مرزهای کشور تقویت هویت اسلامی ایرانی و همچنین بسترسازی برای مرجعیت علمی کشور به وسیله زبان علم است. برخی از راهبردها و برنامه‌ها که به منظور گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور در اسناد سیاستی مورد توجه است، عبارت‌اند از: ۱. تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور؛ ۲. برگزاری دوره‌های آموزشی بین‌المللی، مسابقات، المپیادها، جوایز و جشنواره‌های بین‌المللی؛ ۳. افزایش پذیرش دانشجویان بین‌المللی؛ ۴. معادل‌سازی برای واژه‌های بیگانه؛ ۵. توسعه و ابداع روش‌های سهل و سریع فارسی‌آموزی؛ ۶. حمایت از تولید و نگارش متون علمی به زبان فارسی؛ ۷. حمایت از تأسیس رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف جهان؛ ۸. ارسال کتب فارسی مرجع حاوی تولیدات و نظرات علمی دانشمندان کشور به مراکز و کتابخانه‌های معبر جهان (صوری کرج و مستمع، ۱۴۰۲).

جدول شماره ۳: اهم قوانین و مصوبات اختصاصی حوزه زبان فارسی

عنوان	تاریخ تصویب	مرجع تصویب	توضیحات
اساسنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی	۱۳۶۶/۱۱/۲۷	شورای عالی انقلاب فرهنگی	هدف از تشکیل این شورا «تقویت و توسعه زبان فارسی در خارج از کشور و آموزش زبان و ادب فارسی به غیرفارسی‌زبانان» بود. فعالیت‌های این شورا در قالب مرکز گسترش زبان فارسی انجام می‌شد که با تأسیس بنیاد سعدی در سال ۱۳۸۹، شورا و مرکز مذکور منحل و در بنیاد سعدی ادغام شدند.
اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۶۸/۱۱/۲۴	شورای عالی انقلاب فرهنگی	به‌طور کلی هدف از تشکیل این فرهنگستان، «حفظ سلامت، تقویت و گسترش زبان فارسی» بیان شده است.
قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه	۱۳۷۵/۰۹/۱۴	مجلس شورای اسلامی	این قانون به‌منظور تحقق هدف کلی «حفظ قوت و اصالت زبان فارسی» تصویب شده است. هیئت‌وزیران آیین‌نامه اجرایی این قانون را در تاریخ ۱۳۷۸/۰۲/۱۹ تصویب کرده‌اند.
اساسنامه بنیاد سعدی	۱۳۸۹/۰۸/۰۴	شورای عالی انقلاب فرهنگی	هدف از تأسیس این بنیاد، «تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و ایجاد تمرکز، هم‌افزایی و انسجام در فعالیت‌های مرتبط با این حوزه و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود کشور» است.
اساسنامه سازمان فرهنگی‌هنری فارسی‌زبانان (ایتا)	۱۳۹۵/۱۱/۲۴	مجلس شورای اسلامی	هدف کلی ایجاد این سازمان «صیانت از میراث مشترک فرهنگی و معرفی تاریخ و تمدن مشترک و نیز گسترش و تقویت ادبیات غنی منطقه و نیز تقویت پیوندهای فرهنگی بین کشورهای حوزه تمدنی مشترک» تعیین شده است.

منبع: قاسمی پیربلوطی، ۱۴۰۲

دو ابزار اصلی سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران «نهادسازی» (همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی) و «قانون‌گذاری» است. به شکلی که علاوه بر توجه جدی سیاست‌گذاران به زبان فارسی در سطح کلان و در قالب اسناد سیاستی به شکل اختصاصی نیز با اهتمام سیاستی در دو سطح «ایجاد ساختار» و «تنظیم‌گری محتوایی و فرایندی» در راستای ساماندهی مسائل حوزه زبان فارسی تلاش شده است (قاسمی پیربلوطی، ۱۴۰۲: ۱۳).

گفتار دوم: دستگاه‌های ذی‌ربط حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی

دستگاه‌ها و نهادهای بسیاری در کشور، در حیطه زبان و ادبیات فارسی فعالیت دارند و در سیاست‌گذاری آن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم دخیل و اثرگذار هستند. در این بین برخی از دستگاه‌ها که از اهمیت بیشتری در این زمینه برخوردارند، در جدول زیر ذکر می‌شوند.

جدول شماره ۴: مهم‌ترین دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران

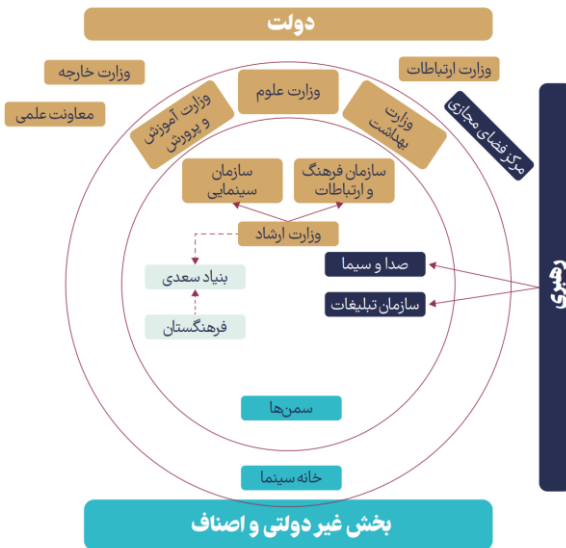
ردیف	دستگاه ذی‌ربط	وظیفه اصلی در خصوص گسترش زبان فارسی در خارج از کشور در قوانین و اساننامه دستگاه و اسناد مرتبط	منبع
۱	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ایجاد زمینه‌های گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و اشاعه زبان فارسی در کشورهای مختلف جهان با همکاری وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و آموزش عالی	بند ۲۸ ذیل ماده ۲ از قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲	سازمان صداوسیما	لزوم خودداری از به کارگیری واژه‌های نامأنوس بیگانه، رعایت ضوابط دستوری زبان فارسی معیار و به کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی پس از ابلاغ در همه موارد	تبصره ۷ قانون
۳	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	«حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی»	بند ۱ ذیل ماده ۱ اساننامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۴	بنیاد سعدی	«مدیریت، سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیتهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مرتبط با گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور»	بند ۱ ذیل ماده ۲ اساننامه بنیاد سعدی
۵	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	«اقدام در معرفی میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارج از کشور»	بند ۸ از ج ذیل ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۰۵/۲۸

۶	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	«اشاعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی و تقویت کرسی‌های زبان فارسی و مراکز ایران‌شناسی»	بند ۷ از وظایف سازمان در امور اجرایی ذیل ماده ۳ اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵
۷	وزارت آموزش و پرورش	«تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مشترک»	بند ۳۱ از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (فصل دوم؛ بیانیه ارزش‌ها، صفحه ۱۸) ذیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۸	شورای عالی انقلاب فرهنگی	«تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران و تعیین اهداف و خط‌مشی‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی کشور». براساس این حکم، شورای عالی انقلاب فرهنگی ظرفیت قانونی برای ورود در امر سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زبان و ادبیات فارسی را نیز دارد.	بند ۱ از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۲۰
۹	مجلس شورای اسلامی	«مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». مبتنی بر این حکم از قانون اساسی مجلس شورای اسلامی وظیفه قانون‌گذاری در کشور را داشته و براین اساس می‌تواند در زمینه قانون‌گذاری حوزه زبان و ادبیات فارسی نیز ورود کرده و به‌طور کلی در سیاست‌گذاری این امر اثرگذار باشد.	اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلفی در زمینه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی نقش و جایگاه دارند و تشتت نهادهای ذی‌ربط حوزه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور امری مبرهن است. با وجود تشتت نهادی اما موازنه‌کاری بین نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط دیده نمی‌شود؛ زیرا هر نهاد و دستگاه در حوزه وظایف خود به‌صورت جزیره‌ای به امر گسترش زبان فارسی در خارج از کشور می‌پردازد. به‌نظر می‌رسد مسئله اصلی عدم هماهنگی و تعامل مطلوب بین دستگاه‌های ذی‌ربط و همچنین ضعف سیاست‌گذاری است.

نهادهای متعددی در حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها در جدول بالا ذکر شد. به‌نظر می‌رسد در صورت برنامه‌ریزی منسجم

و هماهنگی این نهادها می‌توان به سمت چشم‌اندازی مطلوب حرکت کرد. علاوه بر جدول بالا می‌توان مهم‌ترین بازیگران حاکمیتی و غیرحاکمیتی در این حوزه را در قالب مدل و الگوی زیر طراحی نمود. در حلقه داخلی بازیگران تأثیرگذارتر و در حلقه‌های بعدی بازیگرانی با تأثیرگذاری کمتر قرار گرفته‌اند.^۲



نمودار شماره ۱: مهم‌ترین بازیگران حاکمیتی و غیرحاکمیتی در حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی

در بین دستگاه‌های مذکور و برای نمونه به بخشی از اقدامات بنیاد سعدی به‌عنوان دستگاه فعال در زمینه سیاست‌گذاری زبانی در گستره فراملی جمهوری اسلامی ایران (دیپلماسی زبان فارسی) اشاره می‌شود.

۲. رک: محمدصادق کریمی، فارسی، رکن قدرت نرم، تهران: نمافر، ۱۳۹۹، ص ۴۳.

جدول شماره ۵: اهم اقدامات و عملکرد ده ساله بنیاد سعدی^۲

زمینه	اقدامات	توضیحات
اقدامات راهبردی و زیرساختی	تدوین سند راهبردی	جمع‌آوری اطلاعات مربوط به فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور با مشارکت حداکثری کارشناسان این حوزه.
	تشکیل شوراهای راهبردی	بنیاد سعدی با تقسیم جهان به ده منطقه فرهنگی‌زبانی، اقدام به تشکیل شوراهای راهبردی منطقه‌ای برای هریک از این مناطق کرد و از افرادی همچون سفیران، اربابان فرهنگی، استادان اعزامی زبان و ادبیات فارسی، استادان روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه‌ها و کارشناسان سیاسی و فرهنگی، برای عضویت در این شوراهای دعوت به عمل آورد تا ضمن آگاهی از فرصت‌ها و تهدیدهای هر منطقه، در جهت تدوین سند راهبردی از تجربه و مشورت این متخصصان در برنامه‌های راهبردی و فعالیت‌های خود بهره گیرد.
	تدوین شناخت‌نامه زبان فارسی در جهان	موضوع آن آگاهی از وضعیت گذشته و امروز زبان فارسی در خارج از کشور (۲۶ کشور جهان) است. این اثر مبتنی بر گردآوری گزارش‌های پراکنده نمایندگی‌های فرهنگی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ و استخراج اطلاعات مفید و قابل‌استفاده آن‌ها بوده است که در سال ۱۴۰۱ با همکاری نمایندگان بنیاد در حال به‌روزرسانی است.
	استانداردسازی آموزش زبان فارسی در جهان	استاندارد آموزشی بنیاد سعدی به جهت هماهنگی و یکپارچه‌سازی سطوح آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و با هدف ساماندهی تشتت و پراکندگی موجود در سطح‌بندی محتوای آموزشی و آزمون‌سازی، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی کلاس دوره‌های آموزشی کوتاه و بلندمدت، طراحی برنامه درسی، تهیه و تدوین مواد آموزشی و نیز تعیین سطح تدوین شد. این سند در بهار ۱۳۹۵ به تصویب نهایی رسید.
	تشکیل شورای عالی برنامه‌ریزی و تدوین منابع آموزشی	به‌منظور تهیه کتاب‌ها و مواد مناسب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۹۵ «شورای عالی برنامه‌ریزی درسی و تألیف منابع آموزشی» در بنیاد تشکیل شد و ۲۳ دوره کتاب متنوع پیش‌بینی و برخی تألیف شده است. از اقدامات شورا در فرایند طرح و تولید محتوای اثر می‌توان بدین موارد اشاره کرد: ۱. نیازسنجی، اولویت‌گذاری و تدوین برنامه‌های بلندمدت و سالانه؛ ۲. هدایت و نظارت کمیته‌های تألیف و ابلاغ سیاست‌ها به آن؛ ۳. نظارت بر تدوین نقشه محتوایی ترسیم‌شده کمیته‌ها.
	پنج گام در آموزش زبان فارسی	مراحل اجرایی کردن آموزش زبان فارسی در قالب یک دوره زمان‌بندی‌شده معین به‌صورت گام‌به‌گام ارائه شده است و این امکان را برای کارگزاران و مجریان آموزش فراهم می‌آورد تا با داشتن یک «نقشه راه شفاف»، بتوانند مجموعه مبانی درست و دقیق آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، استانداردها و الگوهای آموزش آن، مقررات اجرایی آموزش و در نهایت ارزشیابی‌ها و ارزیابی‌های هدفمند را انجام دهند.
	آزمون‌سازی	تدوین آمفا (آزمون مهارتی زبان فارسی) و دانفا (دانش و مهارت تدریس زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان)

۲. گزارش عملکرد ده‌ساله بنیاد سعدی، ۱۴۰۱.

ادبیات فارسی	امور نماینده‌ها: هدایت، نظارت و برنامه‌بودجه	هدایت نمایندگان: توجیه رایزنان فرهنگی، سفرای جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان نظارت بر عملکرد نمایندگان: تهیه گزارش‌های سه ماه یک بار و سالیانه از فعالیت نمایندگی‌های بنیاد در جهان، برای سازمان‌های بالادستی.
	امور استادان	تعامل و همکاری: ۱. شناسایی ۲۰۰ نفر از استادان و مدرسان ایرانی و غیرایرانی مقیم در سایر کشورها و برقراری ارتباط؛ ۲. فراهم کردن زمینه حضور مدرسان ایرانی و خارجی برای شرکت در دوره تربیت مدرس کوتاه‌مدت در بنیاد؛ ۳. برگزاری دوره‌های آموزش روش تدریس زبان فارسی برای متقاضیان خارج از کشور؛ ۴. برنامه‌ریزی و همکاری با مؤسسات خصوصی جهت برگزاری آموزش از راه دور برای مدرسان زبان فارسی. به کارگیری استادان: ۱. همکاری در اعزام استادان زبان و ادبیات فارسی از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به کشورهای مختلف؛ ۲. اعزام تعدادی از مدرسان جوان به دانشگاه‌های خارجی به منظور توسعه فعالیت‌های زبان فارسی علاوه بر استادان اعزامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های آغازین فعالیت بنیاد سعدی؛ ۳. به کارگیری استادان و معلمان بومی زبان فارسی و ایرانیان مقیم برای کلاس‌های آزاد زبان فارسی در کشورهای مختلف؛ ۴. اهدای مواد آموزشی و کمک آموزشی به استادان؛ ۵. برگزاری اولین آزمون داتفا در تاریخ ششم اردیبهشت‌ماه ۹۸ از سوی بنیاد سعدی؛ ۶. استفاده از فارغ‌التحصیلان خارجی زبان فارسی به عنوان مدرس در مرکز آموزش زبان فارسی.
	حمایت از ایرانیان مقیم	۱. برگزاری و حمایت از دوره‌های آموزشی برای کودکان ایرانیان مقیم به عنوان مثال در آفریقای جنوبی و استرالیا؛ ۲. حمایت از برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی در مدارس آخر هفته در اروپا؛ ۳. انجام طرح مشترک بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی در کشور کانادا با محوریت آموزش زبان فارسی به کودکان ایرانیان مقیم در آن کشور؛ ۴. حمایت از برگزاری کلاس‌های آخر هفته زبان فارسی برای ایرانیان مقیم قزاقستان و حمایت از کلاس‌های آموزش زبان فارسی برای ایرانی‌ارمنیان مقیم ایروان.
	امور دانشجویان و فارسی‌آموزان	۱. شناسایی افراد نخبه از جمله: برگزیدگان المپیادها، دانشجویان مستعد معرفی شده از سوی استادان، تأکید به نمایندگی‌ها جهت معرفی فارسی‌آموزان ممتاز؛ ۲. توجه ویژه به نخبگان شامل: استفاده از آن‌ها در نمایندگی‌ها به عنوان مدرس، مترجم و انجام کارهای پاره وقت و...، تدریس زبان فارسی در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش زبان فارسی، پذیرش ایشان در دوره‌های دانش‌افزایی، اولویت در اعطای راتبه تحصیلی، ایجاد زمینه برای به کارگیری فارغ‌التحصیلان خارجی زبان فارسی در ایران به عنوان مدرس؛ ۳. اعطای راتبه تحصیلی.
	دوره‌های آموزشی	مخاطبان دوره‌های آموزشی به طور کلی دو گروه هستند: زبان‌آموزان و مدرسان. نوع برگزاری این دوره‌ها نیز دو نوع مجازی و حضوری است.
	المپیادها	بنیاد سعدی در کشورهای مختلف المپیاد زبان فارسی برگزار می‌کند. دو نمونه از المپیادهای اخیر که در سال ۱۴۰۱ برگزار گردید، عبارت‌اند از: المپیاد سخنرانی و متن‌خوانی در کشور چین و المپیاد سراسری ایران‌شناسی در کشور گرجستان.

	آموزش مجازی	از اسفند سال ۱۳۹۸ حرکت بنیاد به‌سوی آموزش مجازی گسترده با ۵۰۰ کلاس هم‌زمان آغاز شده بود که براساس شرایط آموزشی در فروردین سال ۱۳۹۹ کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در جریان بودند.
رویدادهای فناوریانه		۱. تولید نرم‌افزار چندرسانه‌ای تعاملی خودآموز برای سه مجموعه کتاب؛ ۲. توسعه ادامه کار نرم‌افزار آموزش زبان فارسی با قابلیت ارتباط با سیستم تشخیص گفتار؛ ۳. طراحی و توسعه بستر برگزاری مجموعه آزمون‌های مرتبط با زبان فارسی؛ ۴. تهیه و تدوین نرم‌افزار جامع مدیریت آموزش مجازی؛ ۵. غنی‌سازی محتوای کتاب‌های بنیاد سعدی با واقعیت افزوده؛ ۶. طراحی فونتی استاندارد برای آموزش زبان فارسی و استفاده در کتاب‌ها و محتوای مجازی بنیاد سعدی.
تألیف		۱. با توجه به ضرورت استانداردسازی آموزش زبان فارسی و به‌روزرسانی کتاب‌های آموزشی دانشگاهی، با همکاری انتشارات «سمت»، بیش از هشتاد عنوان کتاب تألیف‌شده موردبررسی قرار گرفت؛ ۲. در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ گروه تولید محتوا با هدف تولید محتوای آموزشی زبان فارسی تشکیل شد. طبق آخرین آمار ۲۳ کتاب به چاپ رسیده است. به‌عنوان نمونه آثار تألیفی که در سال ۱۴۰۱ به چاپ رسیدند، عبارت‌اند از: مینا ۱، مینا ۳، مینا ۴، چارچوب ۳، دستور ساده زبان فارسی، روش‌های ساده آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و گام اول (عربی).
نرم‌افزار تحت‌وب پیکره بین‌المللی بنیاد سعدی		پیکره زبان آموز مجموعه داده‌های زبانی تولیدشده ازسوی کسانی است که درحال یادگیری یک زبان هستند. به کمک پیکره‌های زبان آموز می‌توان روند یادگیری یک زبان را شناسایی و برای آموزش بهتر آن زبان برنامه‌ریزی کرد. نرم‌افزار پیکره زبان آموز بنیاد سعدی، نرم‌افزاری است تحت‌وب برای ورود و مدیریت متون تولیدی فارسی‌آموزان. در این نرم‌افزار می‌توان متون فارسی‌آموزان را از سطح آوایی تا نحوی برچسب‌گذاری کرد و براساس پارامترهای مختلف در آن به جست‌وجو پرداخت.
توسعه ارتباطات پژوهش‌زبانی	عضویت و حضور فعال در شوراها و کارگروه‌های تخصصی	۱. کمیسیون علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲. شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۳. شورای کتاب سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ ۴. کارگروه فرهنگ و رسانه شورای عالی ایرانیان خارج از کشور؛ ۵. شورای طرح و برنامه (اتاق فکر) شبکه جهانی جام‌جم؛ ۶. کمیسیون فرهنگی یونسکو؛ ۷. ستاد فرهنگی افغانستان؛ ۸. کارگروه فرهنگی شورای راهبردی روابط خارجی دفتر مقام معظم رهبری.
	گردهمایی مؤسسات فعال در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان	بنیاد سعدی به «گردهمایی مؤسسات فعال در آموزش زبان فارسی در جهان» اقدام نمود و توانست پس از تعاملات فراوان با نهادهای مدعو و اخذ اطلاعات آموزشی و پژوهشی ایشان بانک اطلاعاتی ایجاد و کتاب متولیان را در سال ۱۳۹۳ به چاپ برساند. تاکنون ۸ دوره از همایش برگزار شده است و حدود ۴۰ مرکز یا مؤسسه در این رویداد شرکت می‌کنند.
اقدامات جهانی	تجهیز مراکز	۱. راه‌اندازی، تجهیز و حمایت از اتاق‌های ایران که در دانشگاه‌ها و مدارس خارجی هستند؛ ۲. نصب تندیس خیام در دانشگاه بغداد، خاقانی در دانشگاه ایروان و فردوسی در دانشگاه بنوان لاهور؛ ۳. کمک به برپایی آزمایشگاه زبان فارسی در دانشگاه‌هایی مثل لاهور (پاکستان)، داکا (بنگلادش) و صوفیه (بلغارستان).

	تهیه و ارسال منابع آموزشی	در سال‌های آغازین بنیاد سعدی بنا به درخواست رایزنی‌های فرهنگی کتاب‌های مختلفی که جنبه آموزشی برای فارسی‌آموزان داشتند، ارسال می‌شد. با کمبود اعتبار و هزینه‌بر بودن ارسال کتاب‌ها سال به سال این حمایت محدود شده است، چنان‌که در سال‌های اخیر ارسال کتاب‌ها، محدود به کتاب‌های چاپ‌شده بنیاد سعدی است.
	حمایت از بخش‌های زبان فارسی	۱. جلوگیری از تعطیلی بخش‌های زبان فارسی در بعضی از دانشگاه‌ها مثل دانشگاه‌های نومل و پشاور پاکستان و دانشگاه‌های فارابی، ابلاهی خان قزاقستان و سالامانکای اسپانیا؛ ۲. خدمت‌رسانی و حمایت از مدرسی که زبان فارسی، زبان دوم آن‌هاست مثل مدارس ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، تاجیکستان، صربستان، لبنان، آلمان و اوکراین؛ ۳. ایجاد کلاس‌های زبان فارسی در برخی مدارس مثل پنج مدرسه جدید در ارمنستان و قرقیزستان؛ ۴. راه‌اندازی واحد زبان فارسی در دبیرستان مثل کشور صربستان؛ ۵. کمک به راه‌اندازی دیپارتمان‌ها و کرسی‌های زبان فارسی مثل دانشگاه ایمرسن ملتان، دانشگاه بانوان لاهور و کالج الزهرا در اسکند و پاکستان؛ ۶. مشارکت در تأسیس مراکز آموزش زبان فارسی مثل عمان و استانبول در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳؛ ۷. حمایت مالی از شش مدرسه ایرانی در انگلستان ۲۳۰ نفر، سه مدرسه در استرالیا ۱۰۰ نفر، دو مدرسه در اتریش ۳۰ نفر، شش مدرسه در آلمان ۱۰۰ نفر، هفت مدرسه در آمریکا؛ ۸. حمایت مالی از اتحادیه مدارس فارسی‌آموزی اروپا؛ ۹. حمایت مالی از آموزش زبان فارسی در مراکز فرهنگی و دینی، ۵۰۰ فارسی‌آموز در حوزه‌های علمیه، انجمن‌های دوستداران زبان فارسی و مراکز فرهنگی.
	شرکت در نمایشگاه کتاب	شرکت در نمایشگاه کتاب کشورهای روسیه، صربستان و فرانسه و معرفی کتاب‌ها و فعالیت‌های بنیاد سعدی به‌صورت رایگان و ارسال کتاب‌های بنیاد سعدی برای غرفه ایران در نمایشگاه‌های کتاب کشورهای آلمان، عراق، سوریه، روسیه، چین، عمان، ترکیه و صربستان.
	حمایت از همایش‌های ادبی، زبان‌شناسی و آزفا	۱. نهمین همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایران در اسفند ۱۳۹۳؛ ۲. سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی در اسفند ۱۳۹۴؛ ۳. همایش بین‌المللی «جهان عاری از خشونت و آموزه‌های ادب فارسی و فرهنگ ایرانی» با همکاری مرکز ملی جهانی‌شدن در بهار ۱۳۹۴؛ ۴. نخستین همایش ملی واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در مهر ۱۳۹۵؛ ۵. دومین همایش دوسالانه آزفا در آبان ۱۳۹۷؛ ۶. شب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در آذر ۱۳۹۷؛ ۷. روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی در ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ (۹ دوره)؛ ۸. دهمین همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایران در مهر ۱۳۹۷.
تولید محتوای تلویزیونی و رادیویی	تولید محتوای تلویزیونی و رادیویی	۱. بیش از ۱۱۶ برنامه‌های رادیویی در حوزه زبان، ادب فارسی و گسترش آن در میان غیرفارسی‌زبانان صداوسیما پخش شده است؛ ۲. بیش از ۱۵ قسمت در برنامه «روز خوش» از شبکه جهانی جام جم و همه به‌صورت فیلم با حجم کمتر در صفحات اینستاگرام، آپارات، یوتیوب و تعدادی هم در صفحه فیس‌بوک بارگذاری شده است؛ ۳. پخش هشت برنامه در شبکه‌های دو، شش، جام جم و چهار.

۱. ارتباطات در فضای مجازی با صدها استاد و دانشجو و مرکز فعال و همچنین ارتباط‌گیری با گروه‌های زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی؛ ۲. حمایت از آموزش زبان فارسی از طریق فضای مجازی؛ ۳. تولید فیلم کوتاه برای تهیه بانک فیلم به‌عنوان محتوای کمک‌آموزشی.	فعالیت در فضای مجازی و وبگاه بنیاد سعدی	
---	--	--

طبق جدول بالا بنیاد سعدی اقدامات مثبتی در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور انجام داده است. فعالیت‌های بنیاد سعدی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: سیاست‌گذاری، تولید محتوا و اجرای برنامه‌های آموزشی مرتبط با زبان و ادبیات فارسی. بنیاد سعدی اقدامات تخصصی و حرفه‌ای مناسبی در خصوص تولید محتوا انجام داده است. در سطح اجرا نیز با توجه به مشکلات مالی و اعتباری و همچنین همکاری و تعامل پایین دستگاه‌های ذی‌ربط، بنیاد سعدی دچار مشکلات و چالش‌هایی بوده است که در ادامه گزارش موردتوجه قرار گرفته است. علاوه بر آمار و اطلاعات مربوط به اقدامات و عملکرد بنیاد، به‌نظر می‌رسد نیاز است که اثر این اقدامات و عملکرد نیز سنجیده شود، به بیان دیگر این اقداماتی که بنیاد سعدی انجام داده است و به شکل گزارش عملکرد ارائه شده، چه نتایج و اثرات عینی در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور داشته است؟ در واقع بهتر است که بنیاد سعدی علاوه بر گزارش عملکرد و اقدام خود، بر بررسی و سنجش این اقدامات و فعالیت‌ها نیز تمرکز کند.

فصل چهارم: نگاهی به سیاست‌گذاری زبانی در جهان

گفتار اول: تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در روسیه و فرانسه^۴

۱. تجربه روسیه

دکتر آبتین گلکار، پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات روسی در نشست تخصصی با موضوع «تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در کشورهای روسیه و فرانسه» که در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار گردیده، معتقد است که یکی از علل ضعف اصلی ما در سیاست‌گذاری ادبی، به رویکرد و نگرش‌مان درباره آموزش ادبیات در فضای مدارس و دانشگاه‌ها برمی‌گردد. مبتنی بر تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در روسیه، توجه به لذت‌بخش کردن یادگیری ادبیات مهم است، در واقع باید یک دانش‌آموز یا دانشجو یک اثر ادبی را بخواند و از محتوای آن لذت ببرد، همچنین محتوای آن را بفهمد تا بتواند درباره محتوای آن صحبت کند؛ اما در کشور ایران به این موضوع توجه کافی نمی‌شود. در نظام مدرسه‌ای و دانشگاهی ایران، به متن ادبی با یک رویکرد زبان‌شناسانه نگریسته می‌شود، در واقع کلاس‌های ادبی، فقط منبعی است برای اینکه دانش‌آموزان و دانشجویان لغات جدید و معمولاً محجور و سخت را یاد بگیرند، حتی جایی که نگاه ادبی هم وجود دارد، متمرکز بر صنایع ادبی شده که مثلاً در فلان بیت سعدی کدام آرایه ادبی به کار رفته است و معمولاً به دنبال مصادیقی هستیم که بسیار سخت است. علاوه بر این، سؤالاتی که در کنکور نیز می‌آید

^۴. نشست تخصصی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی با همراهی اندیشکده زبان و ادبیات فارسی با موضوع «تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در کشورهای روسیه و فرانسه» با حضور میهمانان جلسه، دکتر آبتین گلکار (عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس) و دکتر احمد شاکری (عضو هیئت‌علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات) و همچنین دبیر نشست، دکتر رادمان رسولی (مسئول اندیشکده زبان و ادبیات فارسی زفان) در محل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در تاریخ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ برگزار گردید.

عملاً از زمره همین موارد است؛ یعنی اثر ادبی و متن ادبی به یک وسیله برای شکنجه دانش‌آموزان تبدیل می‌شود و طبیعی است که این موضوع علاقه‌ای در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند. دکتر آبتین گلکار در این زمینه بیان می‌کند:

«برای خواندن اثر ادبی بچه‌ها را زده می‌کنند تا صحبت از ادبیات می‌شود، ما به یاد ترکیب‌های ادبی می‌فیتیم که باید حفظ کنیم، یاد شعرهای سختی می‌فیتیم که باید حفظ می‌کردیم و صنایع ادبی و تاریخ‌های سختی که باید حفظ می‌کردیم، تاریخ تولد و مرگ شاعران و فلان اثر ادبی که باید حفظ می‌کردیم و تنها چیزی که به خاطر ما نمی‌آید، محتوای آن اثر ادبی است که اساساً برای چه چیزی نوشته شده است، از این نظر برنامه درسی کشور روسیه بسیار پیشرفته‌تر از ما است».

یکی دیگر از تفاوت‌های موجود بین آموزش ادبیات در دو کشور ایران و روسیه این است که در نظام آموزشی روسیه دو اثر برای تدریس دارند؛ یکی همان ادبیات روسی است و دیگری نیز درس ادبیات خارجی. در واقع در نظام آموزشی روسیه از این طریق با ادبیات سایر کشورها آشنا شده و حتی از این طریق با ادبیات فارسی نیز آشنایی مختصری دارند. یکی از شعرای ادبیات فارسی که در دروس ادبیات کشور روسیه مورد توجه است، خیام است و از این‌رو روس‌ها خیام را می‌شناسند. با تمام این توضیحات می‌توان به این نکته اشاره کرد که در کشور ایران توجه چندانی به ادبیات سایر کشورها نمی‌شود.

تفاوت دیگری که میان نظام آموزشی ادبی ایران و روسیه دیده می‌شود، این است که روس‌ها ادبیات را به صورت سیستماتیک درس می‌دهند؛ یعنی از تاریخچه و ادبیات کهن خودشان از قرن نهم یا دهم شروع می‌کنند و در سال‌های بعد به ادبیات مطرح خودشان می‌رسند که مربوط به قرن نوزدهم است. علاوه بر اینکه به شکل سیستماتیک و تاریخ‌مند جلو می‌روند، زمانی که اثر یک هنرمند را دنبال می‌کنند، رابطه او را با

تاریخ زمانه خودش بررسی می‌کنند. در واقع هردرس بر یک شخصیت ادبی متمرکز می‌شود و به‌طور کامل آن شخص معرفی می‌شود. خود این نوع پرداخت به ادبیات می‌تواند بر لذت‌بخش‌بودن مطالعه ادبی بیفزاید. این موضوع در آموزش ادبیات در کشور ایران بدین‌نحو دنبال نمی‌شود و ما زمانی که یک اثر از سعدی می‌آوریم، در نهایت در یک بند به این موضوع اشاره می‌کنیم که سعدی مربوط به قرن چندم است و آثارش بیان می‌شود و به این میزان از توضیح کفایت می‌کنیم؛ بنابراین می‌توان گفت که رویکرد ما به موضوع فرمالیستی است؛ یعنی تنها روی محتوای اثر متمرکز می‌شویم و با بیرون متن کاری نداریم. همچنین یکی از قواعد نظام آموزشی ادبی که در روسیه دیده می‌شود و در نظام آموزشی ادبی ایران مشاهده نمی‌شود، مواجهه با آثار ادبی است. در کشور روسیه برخلاف ایران دانش‌آموزان با آثار ادبا به شکل مستقیم مواجه می‌شوند، این در حالی است که در ایران عمدتاً در مدارس و دانشگاه‌ها خلاصه کتاب موردتوجه است و اصل کتاب به‌عنوان یک فوق‌برنامه نگریسته می‌شود.

درباره درس انشا و ادبیات در مدارس روسیه، این نکته حائز اهمیت است که این دو درس جدا بوده؛ اما معلم این دو درس یکی است و در کنار هم جلو می‌روند و در واقع مبتنی بر درس ادبیاتی که می‌خوانند، به موضوع درس انشا نیز می‌پردازند. علاوه‌براین، برنامه مطالعه کتب ادبی‌شان نیز مشخص است که هر سال چه آثاری از ادبا باید خوانده شود و همچنین به دلیل اینکه در سال آخر تحصیل که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند، آزمون‌هایی برای ورود به دانشگاه دارند، در آنجا سؤالاتی از این آثار ادبی مطرح می‌شود.

روس‌ها از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد تلاش کردند تا ادیبانشان را به سایر کشورها بشناسانند و در این زمینه هزینه بالایی کردند. تمرکز اصلی‌شان بر ادبیات معاصر است؛ زیرا ادبیات کلاسیکشان شناخته شده است و نیازی به حمایت ندارد. به

مترجمان و ناشرهایی که در راستای حمایت از ادبیات معاصرشان فعالیت می‌کنند، حمایت مالی کرده و پژوهانه اختصاص می‌دهند. تفاوت دوره شوروی با عصر کنونی روسیه در زمینه سیاست‌گذاری حوزه ادبیات این است که در دوره شوروی، حکومت سیاست‌گذاری ادبی را به شکل مستقیمی در دست گرفته و مسیری را برای ادبیات ترسیم می‌کرد؛ اما در عمل اتفاقی که افتاد این بود که حکومت از نویسندگان انتظار داشت که چگونه عمل کنند و چه بنویسند و همچنین چه چیزهایی ننویسند.

۲. تجربه فرانسه

برای بررسی سیاست‌گذاری ادبی باید به سه موضوع توجه داشت: سیاست و حمایت و نظارت. به این معنا که چه سیاست‌هایی در حوزه ادبیات پیگیری می‌شود، چه حمایت‌هایی از زبان در حوزه‌های مختلف انجام می‌شود و چه نظارت‌هایی پیرامون حوزه ادبیات وجود دارد. همچنین یکی از موضوعات اساسی در زمینه سیاست‌گذاری ادبیات مربوط به حوزه نشر است.

دکتر احمد شاکری، پژوهشگر زبان و ادبیات فرانسه در نشست تخصصی با موضوع «تجربه‌نگاری سیاست‌گذاری ادبی در کشورهای روسیه و فرانسه» که در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد، معتقد است که در سیاست‌گذاری ادبی کشور فرانسه یک نوع قوانین نشر وجود دارد و از این جهت دارای شفافیت قانونی است. دکتر شاکری در توضیح این زمینه بیان می‌کند:

«شما قراردادی را امضا می‌کنید که آقا و خانوم ایکس همان قرارداد را امضا می‌کند، این‌طور نیست که هرکسی برای خودش یک فرمت قراردادی داشته باشد، این گام نخستی بود که در نشر فرانسه در چندین سال اخیر زعما و بزرگان فرانسوی به این نتیجه رسیدند که بیایند و یکدست‌سازی را انجام بدهند. البته [این موضوع] به قوانینی برمی‌گردد که تلاش می‌شود قیمت واحد کتاب را طی یک فرایند

مشخص [قاعده‌بندی کند] یعنی شما زمانی که کتاب را تحویل می‌دهید، سهم مؤلف یا سهم ناشر چقدر است، سهم آژانس ادبی که درباره رفتار ادبی انتشار آن کتاب را انجام می‌دهد چقدر است، سهم کتابفروش چقدر است و همه این‌ها به‌طور مشخص طبقه‌بندی شده است».

انسجام و وحدت رویه در زمینه برگزاری نمایشگاه‌ها نیز دیده می‌شود؛ یعنی زمانی که شما به یک نمایشگاه بین‌المللی در کشور فرانسه مراجعه می‌کنید، با یک تیتراژ اصلی یا سوتیتر مشترک میان ناشران فرانسوی مواجه می‌شوید؛ یعنی ناشران فرانسوی هر کدام ممکن است دارای موضوعات کوچک مختلفی باشند؛ اما به این نتیجه در سیاست‌گذاری خود برسند که کتاب‌های حوزه دانشنامه‌ای را مثلاً در این حوزه چاپ می‌کنم، کتاب‌های مربوط به حوزه کودک را در یک زمینه دیگر چاپ می‌کنم. موضوع دیگر در زمینه نشر فرانسوی در نمونه‌های خارجی خود این است که یک رکن دیگری نیز دارد به اسم منتقد، منتقد این اجازه را دارد که یک کتاب را از عرش به فرش برساند یا برعکس، یک نویسنده معمولی را تبدیل به یک نویسنده بین‌المللی کند.

در کنار بنیاد ملی کتاب در کشور فرانسه، اتحاد ملی نشر وجود دارد. یکی از کارهای مهمی که این در سال‌های گذشته انجام داده است؛ ایجاد ثبات قیمت کتاب است، در واقع با افزایش قیمت کاغذ؛ دیگر افزایش شدیدی در قیمت کتاب نخواهید داشت، قیمت واحد کتاب قیمتی است که در یک چرخه ۵ ساله مثلاً ثابت بماند و تحت‌تأثیر شرایط مختلف قرار نگیرد.

گفتار دوم: سند زبانی امارات متحده عربی

در این بخش به سند «بررسی وضع حیات و امکان‌سنجی ساختن آینده‌ای تازه» به‌عنوان یک سند سیاستی مهم در حیطه سیاست‌گذاری زبانی کشور امارات متحده عربی پرداخته می‌شود. در این نوشتار از کاربردهای واقعی و واقعیت فعلی زبان عربی شروع خواهد شد و تنها بر یک سطح از زبان تمرکز نمی‌شود، بلکه زبان را در تمامی سطوح و انواعش که همه جنبه‌های زندگی‌مان را (از جمله زندگی روزمره، فرهنگ، آموزش، رسانه و ادبیات) پوشش می‌دهد. در این نوشتار، نشانه‌های حیات و قوام زبان عربی امروز در کنار مشکلات و نشانه‌های ضعف آن بررسی شده و براساس این نقاط قوت و ضعف، راهبردهایی برای اقدامات آینده در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۶: بررسی وضع حیات و امکان‌سنجی ساختن آینده‌ای تازه

شاخص‌های حیات عربی امروز	مشکلات زبان عربی امروز	گام‌های مسیر آینده
در زمینه حقوق و قانون‌گذاری و ابتکارات		
• قانون‌گذاری و نهادهای برای تحکیم زبان؛ • ابتکارات در عرصه‌های عمومی و خصوصی مثل تقویت آموزش به زبان عربی در دانشگاه‌ها و فعالیت در اینترنت؛ • اعطای جایز با هدف پاداش به نوآوری‌های زبان عربی.	• فقدان سیاست‌های زبانی روشن در اکثریت جهان عرب؛ • ضعف تلاش‌های قانون-گذارانه درباره زبان که با اتفاقات جهان از لحاظ سرعت تغییرات سیاسی، فرهنگی و فناوری جهانی همگام نیست و عقب‌ماندن قانون‌گذاری از سرعت تحولات؛ • محدودیت نقش مرکزی نهادهای زبان عربی؛ • فقدان برنامه‌ریزی و هماهنگی محدود بین مؤسسات فعال در عرصه زبان عربی.	• سیاست زبانی حاکم: با تمرکز بر چند مؤلفه: ۱. سیاست‌هایی که در راستای چشم‌انداز راهبردی باشند؛ ۲. سیاست‌هایی برآمده از تنوع زبانی موجود در محیط واقعی که تنوع اجتماعی و عدالت زبانی برای شهروندان هر کشور را لحاظ کرده باشد؛ ۳. سیاست‌هایی که براساس همکاری اجتماعی باشند؛ ۴. سیاست‌هایی که در برابر اقتضات زمان گشوده باشند؛ ۵. سیاست‌هایی که در جهان واقعی دسترس‌پذیر باشند. • نهاد مرجع راهبری: با وظیفه برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری زبانی و ملاحظات زیر: ۱. تأسیس مؤسسات عالی در هر کشور با اولویت برنامه‌ریزی زبانی، برگزینی سیاست‌های عمومی زبانی و قانون‌گذاری و پیگیری اجرای آن‌ها؛ ۲. زمامداری اساتید و متفکرانی دارای صلاحیت‌ها، آگاهی و تخصص و تجربه در سیاست‌نویسی و

قانون‌گذاری و حمایت قانون‌گذاران، مربیان و اقتصاددانان؛ ۳. هماهنگی بین همه نهادهای مرتبط در کشور، مؤسسات تخصصی زبان عربی و دیگر نهادهای علمی؛ ۴. رهبری اقدامات مرتبط با زبان با نظارت و برقراری کامل نظم و هماهنگی همه نهادها و مبتکران درگیر. ● ارادهٔ سیاستی مؤثر: مستلزم برنامه‌ریزی مرحله‌به‌مرحله برای توسعهٔ سازوکارهای انجمن‌های زبان عربی به شکل کارآمد و متناسب با دگرگونی‌های فناوری و اجتماعی و تلاش برای تقویت هماهنگی جواین [جشنواره‌های] عربی.		
درزمینهٔ رسانه و حوزهٔ عمومی		
● تصویب منشور مشترک رسانه‌های عربی برای حاکمیت زبان عربی در رسانه‌ها؛ ● تشکیل یک «اتاق نظارت» در سطح دولت‌های عربی برای تضمین رعایت هنجارهای زبان عربی در رسانه‌ها؛ ● ایجاد «اتاق مشاورهٔ رسانه‌ای و زبانی» برای افزایش استاندارد زبان رسانه و مطالعهٔ موضوعات و فعالیت‌های رسانه‌ای، در سطح نظارت هنری و زبانی؛ ● راه‌اندازی طرح‌های خلاقانهٔ زبانی به‌طور فصلی با شرکت همهٔ شبکه‌های رسانه‌ای یا برنامه‌های مسابقات شعر و داستان و مقاله به هر دو زبان گفتار و معیار و انتشار محصولات این برنامه‌ها در روزنامه‌ها و مجلات؛ ● فعال‌سازی مشارکت بین بخش رسانه و مراکز علمی تحقیقاتی از طریق «اتاق مشاورهٔ رسانه‌ای-اجتماعی» ● ایجاد «اتاق مشاورهٔ رسانه‌ای-اقتصادی» با هدف مدیریت سرمایه‌گذاری زبانی در رسانه‌های مختلف و رصد ظرفیت‌های زبان عربی در تولید محصولات مصرفی در سطح نیاز و سلیقهٔ جامعهٔ عرب؛ ● ایجاد «اتاق مشاورهٔ رسانه‌ای-آموزشی» برای فعال‌سازی یادگیرندگان زبان عربی و تقویت حس تعلق جامعهٔ عرب؛ ● بازنگری در مفهوم کیفیت «متن رسانه‌ای» و محدودکردن آن به تصحیح دستور زبان و تمرکز بر	● کمبود توانایی بداهه‌گویی به عربی فصیح و رسمی و کمبود توانایی به ادامهٔ تکلم به زبان عربی در برخی برنامه‌های گفت‌وگو محور ازسوی اشخاص رسانه‌ای؛ ● تسلط‌داشتن بعضی مجریان بر نحو عربی علی‌رغم اینکه از پیش برای آن‌ها متن نوشته شده است؛ ● ضعف در حرکت‌گذاری و گستردگی خطاهای چاپی در میان برخی رسانه‌های مکتوب عربی به‌اضافهٔ درج آگهی‌هایی کاملاً به زبان‌های خارجی بدون ترجمهٔ عربی؛ ● ثبت تبلیغات، منوها و نام برخی فروشگاه‌ها به زبان بیگانه.	● تمایل رسانه‌ها به استفاده از زبان عربی؛ ● گسترش برنامه‌های رسانه‌ای که عربی را عامل پیوند عرب‌ها می‌دانند؛ ● تأثیر تثبیت خط عربی در رسانه‌ها بر تربیت نسل جدید؛ ● قانون‌گذاری برای تقویت عربی و محدودکردن نفوذ زبان‌های بیگانه.

جنبه‌های پویا و کاربردی با هدف به‌کارگیری در محصولات ارتباطاتی؛ • اجماع میان مؤسسات رسانهای و دانشگاه‌های عربی جهت آموزش نوشتار علمی روان و شیوا و همچنین نظارت بر محصولات ارتباطات شفاهی و تقویت مهارت بداهه‌گویی؛ • جایگزینی نیاز به ویراستار در رسانه‌ها با نیاز به توسعه مهارت‌های خود افراد رسانهای؛ • بهره‌مندی از محتوای رسانهای در توسعه الزامات آموزشی مدارس عربی با هدف به‌کارگیری زبان در شرایط ارتباطاتی؛ • وضع قوانین و حقوق مرتبط با کاربرست زبان عربی در فضای عمومی به‌جای رویکرد موزه‌ای؛ • احیای میراث هنری دست‌نوشته‌های عربی در غنی‌سازی فضاهای عمومی.		
در زمینه نشر و داستان‌سرایی		
• ایجاد یک نهاد ناظر برای کتب عربی؛ • پرداختن به پدیده سرقت ادبی؛ • فعال‌سازی نقش نهادهای فرهنگی در گسترش آگاهی درباره حقوق مالکیت معنوی؛ • طرح مشترک عربی برای ارتباط وزارتخانه‌های فرهنگ؛ • کاهش نظارت سخت‌گیرانه بر کتاب‌ها و نشریات؛ • قانون مشترک برای جواز جابه‌جایی کتاب‌ها میان ملت‌های عرب برای حضور در تمام نمایشگاه‌های کتاب عربی؛ • تشویق و توسعه نشر الکترونیک؛ • ضرورت سرمایه‌گذاری در صنعت نشر؛ • تقویت انجمن‌های خلاق نویسندگی برای نوجوانان؛ • ایجاد سایت‌ها و انجمن‌های الکترونیکی که جوانان در آن‌ها عادت به نوشتن کنند و نوشتار خلاقانه خود را پرورش دهند؛ • راه‌اندازی مسابقات نویسندگی بر بستر الکترونیک؛ • توسعه قواعد دستوری واحد برای نوشتن مکالمات رمان‌ها؛ • تعیین استانداردهای نوشتاری برای گویش‌ها در رمان‌ها.	• کمبود شدید نظارت تخصصی، آمار و داده‌ها درباره نشریات و کتاب‌های عربی؛ • سانسور و بعضی محدودیت‌ها برای حضور در نمایشگاه‌های کتاب؛ • اجرائکردن صحیح قانون کپی‌رایت و تعدد سرقت ادبی؛ • ضعف در نشر الکترونیک عربی و نبود قوانین مشترک در بین کشورهای عرب؛ • کمبود عناوین استاندارد و مناسب مرتبط با کودک و نوجوان.	• رشد درخور توجه نشر دیجیتال عربی؛ • ظهور نوع جدیدی از پلتفرم الکترونیکی تخصصی برای انتشار کتاب‌های الکترونیکی عربی؛ • افزایش گسترده تعداد نمایشگاه‌های کتاب.

درزمینه فناوری		
• افزایش سطح تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی که زبان عربی و فناوری را پیوند می‌زنند؛ • ایجاد بیشتر مراجع مرتبط با برنامه‌نویسی زبان عربی و نظارت محتوای دیجیتال عربی؛ • تقویت تحقیقات در پیوند هوش مصنوعی و زبان عربی؛ • آموزش زبان برنامه‌نویسی عربی و برنامه‌های کاربردی؛ • اعتبارسنجی دقیق مراجع و رعایت مالکیت معنوی به‌منظور حفظ اعتبار وب عربی؛ • بازاریابی و توسعه موتورهای جست‌وجوگر عربی؛ • دیجیتالی کردن لغتنامه‌ها و نقشه‌های عربی؛ • تضمین استفاده از سیستم‌های تحلیل واج‌شناختی عربی در فناوری‌های مختلف؛ • غنی‌سازی کتابخانه‌ها و دایرةالمعارف‌های دیجیتالی عربی (مثل «موضوع»^۵ و «دایرةالمعارف عربی»^۶)؛ • توسعه روابط نهادهای توسعه برنامه‌نویسی و سکوهاى عربی.	• کمبود محتوای دیجیتال به زبان عربی در مقایسه با تعداد کاربران عرب و نبود زیرساخت‌های نهادی هدایت‌کننده؛ • ضعف توانایی‌های رایانه‌ای عربی و فقدان پژوهش و مطالعات حمایتی جهت فعال‌سازی زبان عربی در چنین رشته‌هایی؛ • ضعف پیکرة زبانی عربی برای پشتیبانی از هوش مصنوعی؛ • محدودیت فعالیت‌های پژوهشی با هدف توانمندسازی فناوریانه زبان عربی؛ • تأخیر در تربیت نسل عرب درزمینه فناوری.	• رتبه چهارم در فهرست زبان‌های پرکاربرد در اینترنت؛ • پیشرفت زبان‌های برنامه‌نویسی عربی و ورود بسیاری از برنامه‌های کاربردی زبان عربی؛ • رشد فزاینده استفاده از زبان عربی در پلتفرم رسانه‌های اجتماعی.
درزمینه ترجمه		
• تحلیل جزئی از واقعیت فعلی ترجمه جهت تعادل میان عرضه و تقاضا؛ • تأسیس نهاد علمی واحد عربی به‌عنوان مرجع ناظر و استانداردساز ترجمه با اختیاراتی از قبیل هماهنگی و اتحاد ترجمه‌ها؛ ارائه نظارت و جهت‌دهی علمی به ناشران و سازمان‌ها؛ ارزیابی اصطلاح‌شناسی رشته‌های مختلف علمی؛ به‌روزرسانی لغت‌نامه‌ها؛ نشر واژگان تخصصی و لغتنامه‌ها؛ استقرار سازوکارهای نظارت روشمند و راهبردهای شفاف برای هماهنگی ترجمه‌های به‌ویژه تخصصی؛ • کنترل و یکسان‌سازی اصطلاحات علمی؛	• فقدان راهبرد مشخص به زبان عربی برای ترجمه؛ • فقدان داده‌ها و آمارهای دقیق، منظم و مشاهده‌پذیر درباره جنبش ترجمه؛ • فقدان مراجع سازمانی واحد که بر سازمان‌دهی، توزیع و هماهنگی بین مترجمان کار کنند؛ • غیاب زبان عربی به‌صورت عمده در تدریس نظری و	• افزایش تعداد پروژه‌های ترجمه؛ • ظهور مؤسسات و سازمان‌های جدید حامی ترجمه؛ • افزایش عمده تعداد کنفرانس‌های ترجمه عربی.

^۵. Madoow^۳

^۶. Arabic Encyclopedia

• روش‌شناسی تصویب‌شده با یک چارچوب علمی، ارجاع‌پذیر و روش‌شناختی؛ • توجه به خلاقیت مترجمان در چارچوبی ارجاع‌پذیر؛ • همکاری واقعی مترجمان و متخصصان زبان‌شناسی؛ • بازبینی کامل بعد از اتمام ترجمه و نگاه به ترجمه به‌عنوان بخشی از یک پروژه تمدنی امیدوارکننده.	عملی علوم در دانشگاه‌های عربی و به‌تبع رواج اصطلاحات علمی بیگانه؛ • محدودیت طبیعی لغت‌نامه‌های تخصصی به‌روز.	
دزمینه پژوهش‌های علمی و عربی‌سازی علوم		
• تعیین معیارهای کیفیت و ارتقای محصولات علمی عربی برای دستیابی به برتری جایگاه علمی در منطقه و جهان؛ • انتشار عمومی محصولات علمی به زبان عربی از طریق همکاری مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی عربی؛ • فعال‌سازی همکاری با گروه‌های خارجی جهت تدوین راهبردهای مدیریت دانش زبانی و سرمایه‌گذاری آن بر بازار کار؛ • در دسترس قرار دادن انتشارات تحقیقات علمی عربی از طریق تضمین «مشاهده‌پذیری» آن‌ها (در دسترس قرار دادن شبکه‌های نشر جهانی)؛ • راه‌اندازی مراکز عربی (که خاص تلاش مشترک مناطق عربی است) تخصصی در ترجمه علمی به/ از زبان عربی؛ • فعالیت در روش‌شناسی متحد عربی در نوشتار علمی یا مقالات تخصصی تحقیقاتی؛ • راه‌اندازی بانک دانش عربی با قدرت راهبردی با مسئولیت مدیریت و چرخه تولید دانش زبان عربی؛ • راه‌اندازی «وزارتخانه عربی‌سازی علوم».	• غیاب جهت‌گیری علمی به‌سوی محصولات به زبان عربی در جوامع عربی؛ • توقف جوامع عرب در مرحله ترجمه و ترسیدن به مرحله تولید؛ • پرهیز پژوهشگران از انتشار آثار علمی‌شان به عربی؛ • کاهش شدید اشتیاق و انگیزه برای عربی کردن تحصیلات علمی در اوایل قرن بیستم؛ • علاقه‌نداشتن اکثریت دولت‌های عربی به توسعه پژوهش‌های علمی.	• گسترش روزافزون پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی فعال به زبان عربی؛ • پیدایش «بایگانی‌ها» به هدف ایجاد استانداردهای علمی برای ارزیابی تحقیقات علمی عربی؛ • ظهور ابتکاراتی جهت تشویق عربی‌سازی علوم و ارائه موضوعات علمی به زبان عربی (مثل پروژه «نظارت آینده» و انتشار مجلات علمی در امارات)؛ • میل به انجام دستاوردهای علمی به زبان عربی در صورتی که امکانات تشویقی خاصی به آن‌ها ارائه شود.
از منظر نگرش و باورهای دانشجویان دانشگاه به زبان عربی		
• توسعه طرح‌های ابتکاری جهت تقویت زبان عربی در علوم تخصصی در دانشگاه‌های عربی؛ الزام دانشجویان به مطالعه موضوعات مرتبط با تخصص‌شان به عربی؛ • پیگیری مجدانه برای تغییر موضع مشترک دانشجویان بر سبختی زبان عربی؛ • تغییر رویکردهای تربیتی با استفاده از متون زنده و جذاب و کاهش میزان تمرکز بر دستور زبان و تمرکز بیشتر معلمان بر فعالیت‌های تعاملی با	• اعتقاد دانشجویان به‌سختی زبان عربی و به‌ویژه دشواری عربی فصیح، بسیاری معتقدند زبان عربی در فضای تخصصی کاربردی ندارد و توانسته همراه با تحولات جهان پیشرفت کند.	• باور اغلب دانشجویان مبنی بر جایگاه زبان عربی به‌عنوان «اساس هویت ملی و مذهبی» و «زبان ماندگار» و «توانایی برای همراهی با رشد فناوری» و حضور آن در زندگی روزمره.

دانش‌آموزان در کلاس و تشویق آن‌ها به استفاده دائمی از زبان؛ • هماهنگی همه مؤسسات آموزشی در رویکرد آموزش زبان؛ • تغییر رویه کاهش ساعات آموزش عربی؛ • حمایت از زبان عربی و فعال‌سازی آن در ملل عرب.		
در زمینه رویکردهای مدرن به توسعه برنامه‌های درسی عربی		
• ایجاد مرکز آموزش عربی با الگوی شورای همکاری خلیج فارس؛ • تمرکز بر انجام تحقیقات مرتبط با جنبه‌های تربیتی یاددهی و یادگیری عربی؛ • بررسی طبقه متوسط خوانندگان عرب از میان مربیان و فعالان بخش آموزش مانند معلمان، مشاوران و مدیران؛ • اجرای طرح «گواهی‌نامه مربی‌گری» در کشورهای عربی؛ • راه‌اندازی طرح‌هایی در جهت دستیابی به یک محیط مناسب برای تربیت مربیان در سراسر جهان عرب؛ • مهیا کردن بازرسان رسمی جهت سنجش صلاحیت‌های شفاهی زبانی؛ • تربیت مربیان مناسب برای مهارت‌های آموزشی و زبانی؛ • بازنگری برنامه‌های آموزشی و ارائه چشم‌اندازهای پیشنهادی برای برنامه مناسب؛ • دستیابی به یک ماتریس آموزشی جامع با تکیه بر اصل رابط بر استقرار برنامه درسی زبان عربی؛ • راه‌اندازی یک پروژه تنظیم استاندارد جدید برای آموزش زبان عربی به عرب‌زبانان؛ • ایجاد برنامه درسی مبتنی بر خروجی‌های زبانی و مهارت‌های چهارگانه؛ • تشویق آموزش هوشمند با هدف به خدمت گرفتن فناوری پیشرفته؛ • تمرکز بر یادگیری مشارکتی در تمامی سطوح آموزشی؛ • تمرکز و تشویق مهارت‌های تفکر خلاق و تحلیلی؛	• فقدان یک نظریه آموزش زبان عربی در هماهنگی با اقتضائات قرن بیست و یکم؛ • فقدان معیار مشخص برای ارزیابی برنامه‌های درسی؛ • ناهماهنگی برنامه‌های درسی متنوع آموزش عربی؛ • ارزیابی دانش‌آموزان براساس محتوای مطالعاتی و نه توان گفتاری و نوشتاری.	• رویکردهای مدرن برای یادگیری و آموزش؛ • تقویت علاقه به این رویکردها؛ • ابتکارات جدید جهت آماده‌سازی مدرسان زبان عربی.

• تنظیم استانداردهای سیستم ارزیابی، آزمون‌گیری و امتحانات زبان عربی مطابق با چشم‌اندازهای جدید توسعه برنامه درسی.		
دروزمینه آموزش زبان عربی در مناطق جدید		
• تأسیس مراجع بین‌المللی زبان عربی؛ • تحلیل و پژوهش دقیق درباره انگیزه دانشجویان؛ • بازنگری در برنامه درسی در راستای دستیابی به نقاط ضعف و قوت و تأمل پیرامون توسعه آن‌ها • از لحاظ مهارت‌های آموزشی زبان در سراسر جهان؛ • توجه به جنبه فرهنگی و امکان تبادل فرهنگی در فرایند یادگیری؛ • طراحی مواد آموزشی اضافه بر سازمان؛ • تربیت متخصصان مسلط بر عربی و اهمیت‌دادن به آموزش زبان عربی به خارجی‌ها در دانشگاه‌های عربی در آغاز تحصیل؛ • ایجاد مشارکت میان نهادهای آموزشی و سازمان‌دهی آن‌ها در جهان عرب.	• نبود چشم‌انداز روشن برای طرح آموزش عربی به‌عنوان زبانی جهانی؛ • ناهماهنگی نهادها و برنامه‌های درسی متنوع آموزش عربی؛ • نبود تعادل در آموزش عربی فصیح یا لهجه؛ • کمبود جدی در سرمایه انسانی واجد شرایط آماده تدریس زبان عربی؛ • خلأ توافق بر سر استانداردها در تمام مهارت‌های زبان عربی به‌عنوان زبانی جهانی (مثل آزمون‌های استاندارد بین‌المللی).	• تعامل اعراب با نسل دوم مهاجران و زبان‌آموزان؛ • علاقه زبان‌آموزان اروپا و آمریکا به برنامه‌های تبادل فرهنگی؛ • رشد چشم‌گیر تعداد زبان‌آموزان عربی تا سطوح بالا.

برخی از راهبردهای پیشنهادی در سند مزبور عبارت‌اند از:

- در حوزه قانون‌گذاری، پیشنهاد ایجاد نهاد مرجع راهبری برای سیاست‌های زبانی مطرح شده است. به‌نظر می‌رسد نهاد مدنظر نویسنده با وظایف و سیاست‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در ایران تناسب دارد؛ اما نویسنده بر اراده سیاستی مؤثر و نظارت و راهبری کامل این نهاد هم تأکید دارد که جای خالی آن در ایران نیز محسوس است.
- در عرصه رسانه‌ها، پیشنهاد شده است که اتاق‌های نظارتی و مشورتی در حوزه‌های زبانی و اجتماعی و اقتصادی و آموزشی و... برای رسانه‌ها شکل

بگیرند تا ظرفیت‌های زبان را برای رسانه‌ها در این حوزه‌ها تبیین و تثبیت کنند. همچنین توصیه‌شده مؤسسات رسانه‌ای و علمی شیوه‌های درست‌نویسی را آموزش دهند و بر آن‌ها نظارت کنند. برگزاری مسابقات شعر و داستان و مقاله با مشارکت رسانه‌ها و استفاده از ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه خط در زیباسازی شهری و فضاهای عمومی نیز از ایده‌های پیشنهادی بوده است. علاوه‌براین سفارش شده که به‌جای نیاز مؤسسات به ویراستار، بر توسعه مهارت‌های زبانی و نگارشی افراد رسانه‌ای تأکید شود.

- **در زمینه انتشارات و ادبیات،** تعیین رسم‌الخط واحد از پیشنهادهای اصلی است که در ایران با کوشش فرهنگستان انجام شده است. ایجاد یک نهاد ناظر برای سیاست‌گذاری و رصد منشورات و آثار ادبی و ازسوی دیگر کاهش سانسور نیز از پیشنهادهای این طرح است. در ایران وزارت فرهنگ و خانه کتاب این وظیفه را برعهده دارند؛ اما تاکنون در این جایگاه اصلاً کارآمد نبوده‌اند. همچنین تقویت فرهنگ کپی‌رایت، سرمایه‌گذاری در نشر و به‌ویژه نشر الکترونیک و راه‌اندازی مسابقات نویسندگی در بستر الکترونیک پیشنهاد شده است.

- **در حوزه فناوری،** سرمایه‌گذاری در تحقیقات پیوند زبان ملی و فناوری (اعم از عرصه‌های برنامه‌نویسی و هوش مصنوعی و برنامه‌های کاربردی) اصلی‌ترین پیشنهاد است. به دیجیتال کردن منابع مکتوب اصلی فرهنگی، ازجمله لغتنامه‌ها و منابع ادبی، به هدف گسترش تحقیقات و تقویت پیکره دیجیتال زبانی نیز توصیه‌شده که می‌توان گفت در ایران، به دست نهادهای متعدد (همچون مؤسسه نور، فرهنگستان، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی و...) تا حد خوبی انجام شده است.

- در عرصه ترجمه، نگاه نویسنده این است که ترجمه حرکتی تمدن‌ساز است که باید برای آن سیاست‌گذاری و راهبردهای مشخص وجود داشته باشد. در همین راستا، ایجاد نهادهای ناظر با هدف روشمند کردن ترجمه و معادل‌سازی یکدست برای اصطلاحات را پیشنهاد می‌کند. جای چنین رویکرد و نهادهایی در ایران نیز خالی است.
- در زمینه علمی، راه‌اندازی و تقویت سازمان‌ها و فعالیت‌های علمی به زبان ملی راهبرد اصلی نویسنده است. می‌توان گفت چنین رویکردی در ایران دهه‌هاست که پیش می‌رود. نهادهایی چون وزارت علوم و ایراندک و فرهنگستان علوم و شورای انقلاب فرهنگی تا حدی این نقش را برعهده گرفته‌اند.
- از منظر نگرش دانشجویان به زبان ملی، تلاش بر ایجاد تعلق خاطر دانشجویان به زبان ملی به‌عنوان عنصر هویتی راهبرد اصلی است که برای آن، سیاست‌هایی چون تغییر منابع و روش‌های آموزشی زبان و همچنین تقویت ظرفیت علمی آن در نظر گرفته شده است.
- در حوزه آموزش زبان، تربیت مربیان با رویکردهای جدید، بازنگری در منابع و روش‌های آموزش زبان و استانداردسازی سنجش با تأکید بر مهارت‌های چهارگانه زبانی مهم‌ترین پیشنهادهاست. در ایران نیز سال‌هاست به این اصول توجه می‌شود و در سندهای آموزشی نیز به آن‌ها اشاره شده است.
- درباره آموزش زبان به بیگانگان، تأسیس مرجع بین‌المللی آموزشی و استانداردسازی منابع و روش‌ها و سنجش آموزش زبان سیاست‌های اصلی پیشنهادی است. در ایران با تأسیس بنیاد سعدی تا حدی این سیاست‌ها

پیش گرفته شده است؛ اما همچنان مراجع متعدد با رویکردهای گوناگون، همچون جامعه المصطفی، دانشگاه‌های بین‌المللی، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و... در کارند.

درباره این سند و نقاط قوت و ضعفی را که برای زبان عربی امروز مطرح شده، می‌توان در مقایسه با وضع فعلی زبان فارسی این‌گونه برشمرد:

- به‌نظر می‌رسد نهادسازی و قانون‌گذاری در زبان فارسی هیچ کم از زبان عربی ندارد، بلکه در ایران وضعیتی بهتر داریم؛ اما نبود سیاست‌های مشخص و ضعف در اجرای سیاست‌ها و قوانین در هر دو زبان مشترک است.
- در عرصه رسانه‌ای، به‌نظر می‌رسد وضعیت دو زبان مشابه است: در هر دو زبان، رسانه‌های بسیاری به استفاده از زبان ملی پایبند و علاقه‌مندند؛ اما رسانه‌های زیادی هم هستند که این تعلق‌خاطر را ندارند. در حوزه تبلیغات و کالاهای تجاری نیز هر دو زبان میدان را به زبان انگلیسی باخته‌اند؛ اما وضع زبان عربی در یک حوزه مهم بسیار بدتر است: بسیاری از سخنرانان و مجریان و فعالان رسانه‌ای نمی‌توانند فی‌البداهه به عربی معیار، به شکلی صحیح و مستمر، صحبت کنند، مسئله‌ای که در ایران اصلاً مطرح نیست.
- در زمینه انتشارات و ادبیات، وضع دو زبان مشابه است: در هر دو زبان، با افزایش منشورات و همچنین رشد نشر دیجیتال مواجهیم؛ اما همچنان ضعف‌های بسیاری دارند، قانون کپی‌رایت را رعایت نمی‌کنند، درگیر سانسورند و در بعضی حوزه‌ها مثل کودک و نوجوان بسیار کم‌توان‌اند.

- در حوزه فناوری نیز وضعیت مشابهی دارند: هردو در فضای دیجیتال و اینترنت بسیار فعال و پویا و روبه‌رشد هستند؛ اما در مقابل هوش مصنوعی و برای استفاده‌های برنامه‌نویسی بسیار ضعیف مانده‌اند.
- در زمینه ترجمه نیز وضعیت کلی مشابهی دارند: تعداد ترجمه‌ها روبه‌فزونی است؛ اما به‌نظر می‌رسد فارسی از یک‌سو مزیتی بسیار مهم دارد: گویی عربی در دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی علمی کمتر به کار می‌رود و اصطلاحات تخصصی بیگانه نیز بیشتر رایج‌اند. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد توجه به ترجمه و دقت در عربی بیشتر از فارسی روبه‌توسعه است.
- در عرصه علمی، به‌نظر می‌رسد وضعیت زبان فارسی بهتر است. مقالات علمی بسیار کمی به عربی نوشته می‌شوند و پایگاه‌های علمی عربی بسیار کم یا جوان هستند. دولت‌های عربی هم توجه چندانی به پیشرفت علمی به زبان عربی ندارند؛ اما هر دو زبان بیشتر در مرحله ترجمه مانده‌اند و به جایگاه باثبات در تولید علم نرسیده‌اند؛ هرچند در عربی سیاست‌گذاری‌های جدی‌ای در این عرصه در حال انجام است؛ مثلاً در امارات مجلات علمی معتبر در حال انتشار است که در مرحله اول به زبان انگلیسی‌اند؛ اما برنامه‌ریزی شده که به زبان عربی هم منتشر شوند.
- از منظر دانشجویان هر دو سرزمین نیز وضعیت مشابه است: در هر دو زبان، دانشجویان زبان ملی‌شان را مهم و از مؤلفه‌های هویتی‌شان می‌دانند؛ اما معتقدند در فضای تخصصی کارآمد نیست.
- در زمینه آموزش زبان به اهالی خود زبان نیز وضع تقریباً مشابهی وجود دارد: در هر دو زبان تلاش‌هایی برای استفاده از رویکردهای جدید شده

است (به‌نظرمی‌رسد در ایران پیش‌روتر است)؛ اما برنامه‌ریزی و ملاک‌های واحدی در عرصه هر دو زبان وجود ندارد.

- در حوزه آموزش زبان به بیگانگان نیز وضعیت مشابهی دارند: آموزش هر دو زبان در حال گسترش است؛ اما همچنان برنامه‌ریزی و رویه و معیارهای سنجش واحد و مشخصی وجود ندارد.

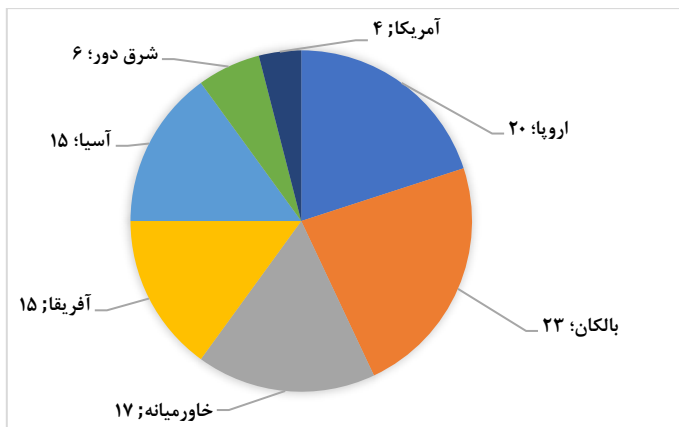
گفتار سوم: دیپلماسی زبانی کشور ترکیه؛ مطالعه موردی مؤسسه یونس امره^۷

مؤسسه یونس امره در تاریخ ۵ مه ۲۰۰۷ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶) با هدف گسترش تبادلات فرهنگی ترکیه با دیگر کشورها و به‌منظور معرفی و ارائه خدمات در زمینه زبان، تاریخ، فرهنگ و هنر کشور ترکیه برای مخاطبان خارجی تأسیس گردید. این مؤسسه در سال ۲۰۰۹ شروع به فعالیت نمود (وبگاه رسمی فارسی مؤسسه یونس امره)^۸ و در حال حاضر دارای ۶۴ مرکز در ۵۳ کشور دنیا است (Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۶).

^۷. مبتنی بر گزارش سیاستی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: صبوری کرج، جواد و مستمع، رضا (۱۴۰۲).

ارزیابی وضعیت دیپلماسی زبان فارسی (احصای چالش‌ها و ارائه راهکار سیاستی؛ مطالعه موردی بنیاد سعدی).

^۸. <https://tahrn.yee.org.tr/fa/content/mwssh-ywns-mrh>



نمودار شماره ۴: درصد توزیع مراکز فرهنگی به تفکیک مناطق در سال ۹۲۰۲۱

به‌طور کلی فعالیت‌های مؤسسه یونس امره دو نوع است: ۱. آموزش زبان ترکی و ۲. فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری (ŞAHİN, ۲۰۲۲: ۵۷). فعالیت‌های مؤسسه یونس امره عمدتاً در چهار زمینه است که در جدول زیر شرح داده می‌شود:

جدول شماره ۷: زمینه‌های فعالیت مؤسسه یونس امره^۹

زمینه	توضیحات	اقدامات در این زمینه
آموزش ترکی	مؤسسه یونس امره اقداماتی را انجام می‌دهد تا زبان ترکی را به‌عنوان یک زبان جهانی در استانداردهای بین‌المللی و در پرتو روش‌های علمی در داخل و خارج از کشور رواج دهد.	۱. برگزاری دوره‌های حضوری و آنلاین آموزش زبان ترکی به‌عنوان زبان خارجی؛ ۲. گنجاندن ترکی به‌عنوان یک دوره زبان خارجی در برنامه درسی سایر کشورها؛ ۳. تهیه مجموعه آموزشی ترکی و مواد درسی تکمیلی؛

^۹. Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۶^{۱۰}. Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۹

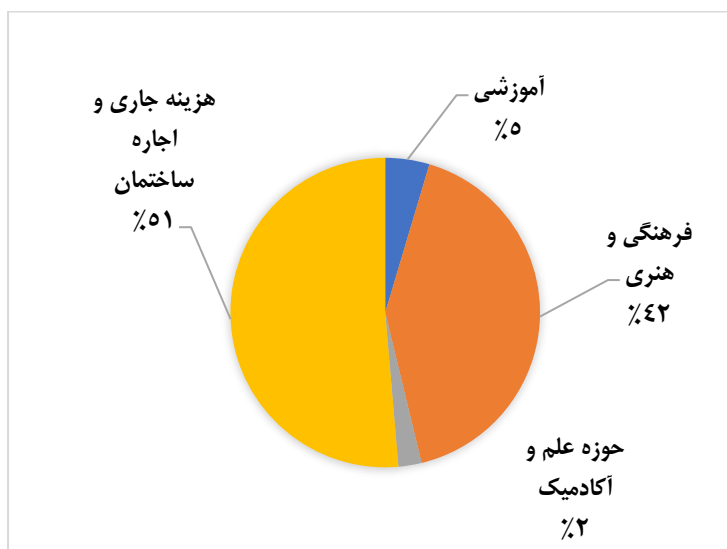
۴. توسعه پورتال آموزش ترکی ^{۱۱} برای کسانی که می‌خواهند خود ترکی یاد بگیرند؛ ۵. آموزش مربیانی که بتوانند ترکی را به‌عنوان زبان خارجی تدریس کنند؛ ۶. افزایش اثربخشی آزمون مهارت زبان ترکی (TYS) برای تعیین میزان مهارت افرادی که به زبان ترکی صحبت می‌کنند.		
۱. برای حفاظت و ترویج میراث فرهنگی جهانی فعالیت می‌کند؛ ۲. فعالیت در تمامی شاخه‌های هنری؛ ۳. حمایت از فعالیت‌های تولیدی و ترویجی در حوزه فرهنگ و هنر؛ ۴. امکان تحرک و جابه‌جایی هنرمندان در سراسر جهان.	مؤسسه یونس امره به‌منظور ایجاد تعامل فرهنگی در جهان از طریق فرهنگ و هنر و شناساندن ترکیه، اقداماتی را صورت می‌دهد.	فرهنگ و هنر
۱. تور کولوژی ^{۱۲} / مطالعات حوزه ترکیه در دانشگاه‌های جهان؛ ۲. معرفی تجربیات علمی و دانشگاهی ترکیه؛ ۳. برنامه‌های آموزشی با محتوای علمی.	مؤسسه یونس امره به‌منظور حمایت از مطالعات علمی و آکادمیک درباره ترکیه و معرفی محتوا و انباشت فکری غنی آن به جهان فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد.	علم و آکادمی
۱. آکادمی دیپلماسی فرهنگی؛ ۲. تهیه نشریات در حوزه دیپلماسی فرهنگی.	مؤسسه یونس امره با توسعه شیوه‌های موفق در سراسر جهان در زمینه دیپلماسی فرهنگی، یک آکادمی دیپلماسی فرهنگی را برای انجام مطالعات نظری در این زمینه تأسیس کرده است.	دیپلماسی فرهنگی

با توجه به جدول مذکور و نگاه مقایسه‌ای بین دیپلماسی زبانی کشور ترکیه (به‌طور ویژه مؤسسه یونس امره) و دیپلماسی زبانی کشور ما، می‌توان این نکته را بیان کرد که مسئولیت آموزش زبان در ایران با بنیاد سعدی، مسئولیت بخش فرهنگ و هنر و به‌طور کلی دیپلماسی فرهنگی، بیشتر جنب، ادبیات فارسی به‌مثابه فرهنگ،

^{۱۱}. طبق ادعای مؤسسه با توجه به اینکه تعداد افرادی که می‌خواهند زبان ترکی یاد بگیرند روبه‌افزایش است، مؤسسه یونس امره در سال ۲۰۱۷ «پورتال آموزش زبان ترکی» (Türkçe Öğretim Portalı) را ایجاد نمود که مبتنی بر آموزش از راه دور بوده و افراد مختلف در سراسر جهان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند (ŞAHİN, ۲۰۲۲: ۶۲).

^{۱۲}. اجرای «پروژه تورکولوژی» (Türkoloji Projesi) را آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (تیکا) در سال ۱۹۹۹ تأسیس کرد و اولین بار در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به مرحله اجرا درآمد. با توافق تیکا و مؤسسه یونس امره در ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۱۱ پروژه تورکولوژی به مؤسسه یونس امره منتقل شد. پروژه تورکولوژی مربوط به ترک‌شناسی و زبان و ادبیات ترکی در فضای دانشگاهی و آکادمیک است (ŞAHİN, ۲۰۲۲: ۵۹).

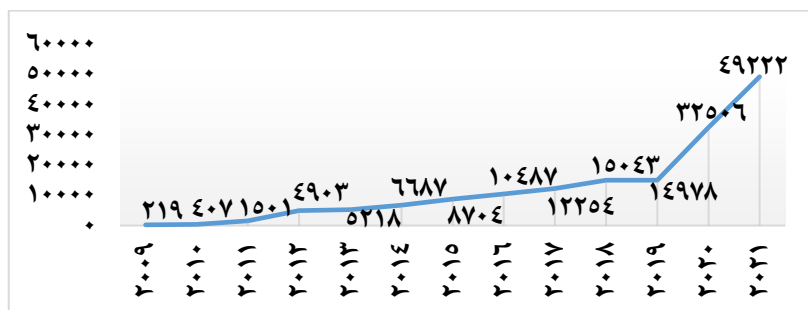
با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مسئولیت بخش علمی و آکادمیک در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی و تلاش برای تبدیل‌شدن زبان فارسی به‌عنوان زبان علم، عمدتاً با دبیرخانه ستاد گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و تا حدودی جامعه‌المصطفی‌العالمیه بوده است. هرچند به‌طور کلی دستگاه‌های مختلف همکاری‌هایی برای گسترش زبان و ادبیات فارسی با دستگاه‌های مذکور دارند.



نمودار شماره ۳: هزینه‌های مؤسسه یونس امره به تفکیک حوزه‌ها براساس آمار سال ۲۰۲۱

کارکنان مؤسسه یونس امره در سال ۲۰۲۱، تعداد ۶۶۴ نفر بوده است که ۲۱۶ نفر در داخل کشور و ۴۸۸ نفر در خارج از کشور مشغول به فعالیت بوده‌اند (Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۱۵۵).

دوره‌های ترکی برای گروه‌های مختلف در سطوح گوناگون در مراکز خارج از کشور برگزار می‌شود. علاوه بر دوره‌های عمومی ترکی، دوره‌های ویژه‌ای مانند ترکی تجاری، ترکی برای کودکان، کلاس‌های ترجمه، ترکی مطبوعاتی و رسانه‌ای در این مراکز برگزار می‌گردد. فعالیت‌های آموزش ترکی که در سال ۲۰۲۰ به محیط‌های آنلاین منتقل شد، در سال ۲۰۲۱ متمرکز شده و دوره‌های آنلاین ترکی علاوه بر آموزش حضوری برای همه گروه‌های سنی برگزار گردید و به همین علت آمار زبان‌آموزان رشد درخور توجهی داشت (Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۱۲۵).



نمودار شماره ۴: فعالیت‌های آموزشی ترکی در مراکز فرهنگی
(Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱)

کل بودجه تخصیص‌یافته مؤسسه یونس امره در سال ۲۰۲۱، میزان ۲۳۳,۶۶۸,۰۰۰ لیر بوده است. حدود ۸۵ درصد از درآمدهای مؤسسه از کمک‌های خزانه بوده و مابقی از درآمد فروش محصولات و درآمد فعالیت‌هایی نظیر برگزاری دوره، جلسه، سمینار و آموزش، مالیات بر ارزش افزوده و آژانس تأمین اجتماعی (بیمه دولتی)، برگزاری آزمون، کمک‌های مؤسسات، سود سپرده و سود سهام و سایر درآمدهای متفرقه (Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۲۱: ۱۵۸). در

جدول زیر به شکل جزئی و دقیقی به آمار مربوط به ابعاد اقتصادی مؤسسه یونس امره اشاره شده است.

جدول شماره ۸: ابعاد اقتصادی (بودجه، درآمد و هزینه) بنیاد یونس امره

سال ۲۰۲۱	سال ۲۰۲۰	سال ۲۰۱۹		تخصیص بودجه
₪۱۶۸,۶۱۲,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۳۲,۹۹۱,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۲۱,۰۹۹,۰۰۰,۰۰۰	بودجه جاری	
₪۴۰,۰۵۶,۰۰۰,۰۰۰	₪۲۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	₪۲۸,۳۹۷,۰۰۰,۰۰۰	بودجه سرمایه گذاری	
₪۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۱,۶۶۲,۳۹۳,۱۴	₪۱۶,۴۱۲,۶۷۵,۵۴	سایر درآمد	
₪۲۳۳,۶۶۸,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۷۲,۶۵۳,۳۹۳,۱۴	₪۱۶۵,۹۰۸,۶۷۵,۵۴	کل بودجه تخصیص یافته	
₪۲۳۳,۶۶۸,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۶۰,۹۹۱,۰۰۰,۰۰۰	₪۱۴۹,۴۹۶,۰۰۰,۰۰۰	کمک خزانه	مقیاسه درآمد
₪۱,۶۶۵,۴۰۷,۱۰	₪۸۸۷,۷۴۴,۳۴	₪۹۵۰,۳۸۵,۱۳	درآمد فروش؛ انتشارات و کتاب و ...	
₪۸,۰۶۱,۷۴۷,۱۲	₪۴,۹۵۸,۱۲۱,۵۷	₪۵,۸۸۴,۷۴۴,۲۹	درآمد فعالیت؛ دوره، جلسه، سمینار، آموزش و ...	
₪۲,۹۳۲,۳۷۸,۴۴	₪۲,۵۷۸,۱۲۷,۰۰	₪۲,۱۶۵,۵۸۰,۰۰۰	استرداد مالیات بر ارزش افزوده و ازانس تأمین اجتماعی (بیمه دولتی)	
₪۲,۰۳۶,۴۸۰,۸۷	₪۳۱۷,۱۷۲,۱۴	₪۱,۰۷۱,۱۹۰,۱۹	آزمون، ثبت نام و سایر خدمات مرتبط	
₪۳,۰۳۶,۶۱۶,۶	₪۵۹۴,۱۵۰,۵۳	₪۲,۸۵۵,۶۲۹,۳۱	کمک های مؤسسات	
₪۷۴۸,۷۰۸,۸۲	₪۲۵۲,۲۰۲,۹۵	₪۱,۸۱۸,۴۳۲,۶۲	سود سپرده و سود سهام	
₪۲۱,۷۷۹,۱۴۲,۳۳	₪۲,۰۷۴,۸۷۴,۶۳	₪۱,۶۶۶,۷۱۴,۰۰	سایر درآمدهای متفرقه	
₪۳۷۳,۹۲۸,۴۸۲,۲۲	₪۱۷۲,۶۵۳,۳۹۳,۱۶	₪۱۶۵,۹۰۸,۶۷۵,۵۴	مجموع	
₪۱۲,۴۳۹,۳۹۰,۸۶	₪۲۸,۹۸۴,۱۱۸,۲۷	₪۲۶,۳۳۷,۴۰۳,۴۷	هزینه های آموزشی	مقیاسه هزینه ها
₪۷۵,۵۵۳,۵۲۸,۹۱	₪۳۶,۳۷۸,۲۸۶,۷۷	₪۳۲,۹۵۵,۷۲۲,۲۹	هزینه هماهنگی های فرهنگی و هنری	
₪۶,۵۱۸,۸۱۸,۲۴	₪۸,۲۳۳,۷۳۷,۶۶	₪۶,۱۰۹,۳۳۳,۸۰	هزینه های پروژه تور کولوزی	
₪۲۹,۸۵۱,۵۵۲,۲۴	₪۵,۸۲۴,۵۰۴,۳۳	₪۱۸,۹۳۴,۴۵۱,۷۶	فعالیت های فرهنگی هنری	

₺۲۱,۴۹۴,۶۰	₺۴۱,۲۲۵,۸۷	₺۴,۷۱۲,۲۷۸,۰۹	هزینه‌های مدرسه تابستانه
₺۷,۰۵۳,۷۵۶,۳۵	₺۵,۹۵۶,۱۴۱,۲۳	₺۴,۰۶۸,۷۲۳,۴۰	پروژه‌ها
₺۵۹,۳۱۹,۳۵۶,۳۹	₺۲۰,۳۸۱,۵۹۳,۴۶	₺۱۳,۵۵۱,۲۶۳,۸۷	هزینه‌های جاری مرکز فرهنگی
₺۳۵,۹۳۹,۹۰۶,۶۵	₺۲۷,۱۲۸,۵۰۹,۷۸	₺۲۲,۵۹۴,۹۶۳,۲۲	هزینه‌های اجاره مرکز فرهنگی
₺۴۳,۵۵۳,۴۳۱,۱۰	₺۲۵,۳۸۲,۸۳۸,۹۷	₺۲۹,۲۳۶,۲۶۴,۱۰	هزینه‌های جاری مرکزی (هزینه‌های واحد، هزینه‌های پرسنل ریاست جمهوری)
₺۲۷۰,۲۴۱,۱۲۵,۳۴	₺۱۵۸,۷۰۰,۹۵۶,۳۴	₺۱۵۸,۵۰۰,۳۰۴,۰۰	مجموع

(Yunus Emre Enstitüsü, ۲۰۱۹; ۲۰۲۰; ۲۰۲۱)

یافته‌های سیاستی مؤسسه یونس امره درخصوص دیپلماسی زبانی کشور ترکیه به شرح ذیل است:

۱. در دیپلماسی فرهنگی کشور ترکیه، گسترش زبان و ادبیات ترکی محوریت داشته و در رأس اهداف ارتباطات فرهنگی کشور ترکیه با کشورهای دیگر قرار دارد.

۲. مؤسسه یونس امره متولی دیپلماسی زبانی کشور ترکیه بوده و از این جهت اقدامات یکپارچه‌ای در زمینه گسترش زبان و ادبیات ترکی در حوزه‌های مختلف، یعنی آموزش ترکی، فرهنگ و هنر، علم و آکادمی و دیپلماسی فرهنگی، دارد.

۳. مؤسسه یونس امره نسبت به بنیاد سعدی، نگاه اقتصادی‌تری به موضوع زبان داشته و همان‌گونه که ذکر شد، ۱۵ درصد از درآمدهایش از فروش محصولات مثل کتاب، درآمد فعالیت‌هایی نظیر برگزاری دوره، جلسه، سمینار و آموزش، مالیات بر ارزش افزوده و آژانس تأمین اجتماعی (بیمه

دولتی)، برگزاری آزمون، کمک‌های مؤسسات، سود سپرده و سود سهام و سایر درآمدهای متفرقه بوده است.

فصل پنجم: آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری زبانی در جمهوری اسلامی ایران

گفتار اول: چالش‌های سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در

گستره ملی

۱. سطح نگرش

۱.۱. نگرش مدیران و مسئولان

در بنیادی‌ترین سطح برای هرگونه تغییر و اصلاح وضعیت، نگرش افراد و جامعه باید درباره مسئله تغییر کند. در لایه مدیریتی، مسئولان اگرچه در سخن هیچ‌گاه منکر ارزشمندی زبان و ادبیات فارسی نمی‌شوند؛ اما در عمل همواره زبان و ادبیات فارسی جایگاه اصلی خود را ندارد. علت اصلی این ماجرا این است که بسیاری از مسئولان و مدیران در کشور، به زبان فارسی به‌عنوان یک رکن هویتی نگاه نمی‌کنند، جایگاه آن را نمی‌دانند و در نتیجه اولویتی نیز برای آن قائل نیستند. در واقع هنوز اهمیت زبان و ادبیات فارسی برای حل مسائل اجتماعی و ظرفیت آن برای بسط گفتمان ایرانی‌اسلامی فهم نشده است. علاوه‌براین، برخی از مدیران و مسئولان در سطوح مختلف مدیریتی درباره زبان فارسی احساس وظیفه نداشته و معتقدند که دستگاه‌های مکلف ذی‌ربط باید در این زمینه فعالیت داشته باشند، این در حالی است که زبان فارسی یک رکن هویتی است و تمام مدیران و مسئولان و حتی مردم عادی نسبت بدان مسئولیت دارند و به‌طور کلی حوزه زبان و ادبیات فارسی محدود به دستگاه و فرد و گروه خاصی نیست.

بااین‌حال تجربه سیاست‌گذاری در حوزه گسترش ادبیات و هنر دفاع مقدس نشان می‌دهد که نگرش مسئولان چقدر می‌تواند در موفقیت سیاست‌ها مؤثر باشد. در

سال‌های پس از دفاع مقدس تلاش‌های مجدانه‌ای برای گسترش ادبیات مقاومت در سطح عمومی صورت گرفت که از نظر کسب مخاطب موفق بود؛ چراکه کتاب‌های متعددی در این حوزه به چاپ رسید و سهم درخور توجهی از بازار نشر و فروش کتاب را به خود اختصاص داد. همچنین فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی پرشماری متأثر از این آثار ادبی ساخته شدند. اگرچه بعضی از این آثار سفارشی و غیرهنری بوده‌اند؛ اما آثار مهمی نیز تولید شده‌اند که درمجموع توانسته‌اند مخاطبان گسترده‌ای بیابند. باین‌حال چنین تلاش‌هایی درباره ادبیات کهن فارسی صورت نگرفت.

۲.۱. نگرش باستان‌گرایانه افراطی

در سطح کنشگران فرهنگی نیز نگرش‌های متفاوت و گاه متضادی وجود دارد. بعضی مخالفان جمهوری اسلامی به ادبیات فارسی از منظر سیاسی نگاه می‌کنند و سعی می‌کنند از شاهنامه و تاریخ کهن ایران برداشت‌هایی سیاسی در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران استخراج کنند. به قراردادن شاهنامه در سفره هفت‌سین کاخ سفید از این جهت می‌توان نگریست. از آثار عرفانی نیز برای مخالفت با سیاست‌های فقه‌محور جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. گاه این رویکردهای افراطی، زبان فارسی را در تقابل با سایر زبان‌ها و هویت‌های زنده موجود در کشور قرار داده و سعی در بازتعریف تمام هویت‌ها از دیدگاه خود دارند که این موضوع گاهی موجب نفی دیدگاه‌های دینی اسلامی و ایجاد شکاف‌های فرهنگی و هویتی می‌شود. هرچند ازسوی دیگر، طیفی از گروه‌های مذهبی نیز هیچ ارزشی برای زبان و ادبیات فارسی در برابر زبان عربی قائل نیستند.

۳.۱. نگرش جدایی‌طلبان

قوم‌گرایان جدایی طلب و رسانه‌های بیگانه از آنجاکه اهمیت زبان و ادبیات فارسی برای وحدت و انسجام ملی را دریافته‌اند، تلاش می‌کنند که به این سرمایه ملی و اسلامی آسیب بزنند. آنان به‌جز تولیدات رسانه‌ای و نظریه‌پردازی با برنامه‌ریزی‌های گسترده، برنامه‌هایی مانند پویش #من_و_فارسی را طراحی و اجرا کردند. تاکنون راهبرد اندیشمندانه و سزاواری در قبال این رویکردهای قومیتی از سوی دولت‌های مختلف پیش گرفته نشده است.

۴.۱. نگرش عمومی

متأسفانه پیمایش‌های استاندارد و شایسته اعتمادی برای ارزیابی نگاه عموم جامعه به شأن زبان فارسی، اهمیت آن در موضوعات علمی، جایگاه آن به‌صورت بین‌المللی و... انجام نشده است. برای درک صحیح نگرش عمومی ایرانیان به زبان و ادبیات فارسی، در شهریور ۱۴۰۲ نظرسنجی‌ای، با استفاده از پرسشنامه، به‌صورت تلفنی انجام شد که ۱۲۴۷ نفر به‌صورت کامل در آن شرکت کردند. اگرچه پاسخ‌دهندگان نگرش مثبتی به زبان و ادبیات فارسی داشتند و آن را از پایه‌های هویت ملی ایرانی دانستند، غالب آنان در زندگی روزمره برنامه‌ای برای انس با ادبیات کهن نداشتند:

- ۷۹٫۶ درصد از پاسخ‌گویان اذعان داشتند که جهت خواندن شعر و ادبیات فارسی برنامه منظمی ندارند.
- ۵۵ درصد افراد بیان داشتند که کمتر از ۱ ساعت در هفته به مطالعه شعر و ادبیات فارسی می‌پردازند.
- ۸۵٫۹ درصد افراد از تابه‌حال در محافل شعر فارسی شرکت نداشتند.

۲. سطح سیاست‌گذاری، ساختاری و قانونی

۱.۲. تعدد نهادها و فقدان سیاست‌گذاری منسجم

در حوزه سیاست‌گذاری زبانی و ادبی در کشور نهادهای متعددی فعالیت می‌کنند. اگرچه این نهادها با یکدیگر همکاری و ارتباط دارند؛ اما همین تعدد باعث می‌شود که هیچ‌یک از نهادها مسئولیت مشکلات فعلی را بر عهده نگیرند (نهادهایی از جمله فرهنگستان زبان فارسی، بنیاد سعدی، وزارت فرهنگ، شورای پاسداشت زبان فارسی، صداوسیما، خانه کتاب و ...)، به تعبیر دیگر متولی حوزه زبان و ادبیات فارسی به شکل دقیق مشخص نشده است. یکی از معایب بزرگ موضوع تعدد دستگاه‌ها و وجودنداشتن متولی برای این حوزه، سیاست‌گذاری غیرمنسجم است.

۲.۲. فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و ارزیابی نکردن برنامه‌ها

در حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی نهادهای مختلف معمولاً اقداماتی موردی و کوتاه‌مدت با سطح تأثیرگذاری محدود اجرا می‌کنند. چشم‌انداز جامع و برنامه‌ریزی بلندمدتی برای رسیدن به وضعیت مطلوب وجود ندارد و دستگاه‌ها نیز وضعیت مطلوبی در این حوزه ترسیم نکرده‌اند. همچنین همان اقدامات انجام‌شده نیز ارزیابی نمی‌شوند. لازم است که از اقدامات نهادهای مختلف ارزیابی‌های دوره‌ای انجام شود و سطح موفقیت آن‌ها در رسیدن به اهداف سنجیده شود.

۳.۲. نبود پیمایش‌های دوره‌ای برای ارزیابی وضعیت زبان و ادبیات در

سطح جامعه

برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی و ادبی لازم است که به‌صورت دوره‌ای وضعیت زبان و ادبیات در سطح جامعه و نگرش مردم به زبان و ادبیات سنجیده شود تا به‌این‌ترتیب از سطح موفقیت و تأثیرگذاری اقدامات اطلاع حاصل شود و میزان

تحقق اهداف تعیین شده مشخص شود (برای مثال در استان کبک کانادا هر پنج سال پیمایشی عمومی دربارهٔ زبان فرانسوی انجام می‌شود و براساس نتایج آن سیاست‌گذاری‌های پیشین اصلاح می‌شود و برای آینده برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد).

۳. سطح آموزشی

۱.۳. بی‌کیفیتی روش‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی

در دورهٔ آموزش عمومی وضعیت فعلی از وضعیت مطلوب فاصلهٔ زیادی دارد. از حدود یک سده پیش که آموزش نوین در ایران شکل گرفت، استادان ادبیات فارسی مانند بدیع‌الزمان فروزانفر و پرویز ناتل خانلری شیوهٔ آموزش ادبیات را سبب تنفر دانش‌آموزان ارزیابی می‌کردند. در طول این سال‌ها تغییراتی در کتاب‌های درسی و شیوه‌های آموزشی رخ داده است؛ اما تغییرات بسیار کند بوده‌اند. روش‌های آموزشی سنتی هستند و هنوز رشتهٔ تخصصی آموزش ادبیات در مدارس، با کیفیت بالای علمی، وجود ندارد تا آموزش ادبیات ساختاری علمی پیدا کند و از روش‌های جهانی آموزشی در این حوزه بهره برده شود. با تأسیس دانشگاه فرهنگیان امید می‌رفت که رشتهٔ تخصصی آموزش ادبیات با معیارهای علمی بین‌المللی شکل بگیرد؛ اما متأسفانه چنین نشده است.

در نظرسنجی از مردم دربارهٔ نگرش آنان به شعر و ادبیات فارسی سؤالاتی دراین‌باره از آنان پرسیده شد. در پاسخ به این پرسش که «آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدرسه و دانشگاه چقدر ارتباط شما با شعر و ادبیات فارسی را بهبود بخشیده است؟»، نمرهٔ میانگین ۴۸٫۸ از ۱۰۰ نشان‌دهندهٔ میزان نسبتاً متوسط اثربخشی آموزش در مدارس و دانشگاه است، به‌طوری که ۳۳ درصد میزان کم، ۳۶٫۵ درصد میزان متوسط و ۳۰٫۵ درصد به میزان زیادی این تأثیر را ارزیابی کرده‌اند.

در پاسخ به پرسش دیگری درباره انتقال میراث ادبی به نسل‌های بعدی، ۴۹,۱ درصد از کل پاسخ‌گویان معتقدند میراث شعر و ادبیات فارسی به‌درستی در حال انتقال به نسل جدید نیست و تنها ۲۵,۹ درصد افراد به این موضوع قائل هستند.

۲,۳. چالش مربوط به جذب معلمان زبان و ادبیات فارسی

دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی غالباً شغل مرتبطی با رشته تحصیلی خود جز تدریس در مدارس و ویراستاری نمی‌یابند؛ ولی چون درباره آموزش زبان و ادبیات در دوره آموزش عمومی به‌صورت تخصصی تحصیل نکرده‌اند و پژوهش‌های علمی هم در این زمینه انجام نشده است، غالباً به‌صورت طبیعی و براساس خاطرات خود از دوران مدرسه شغل حرفه‌ای خود، یعنی آموزش زبان و ادبیات فارسی را انجام می‌دهند. بعد از آغاز حرفه معلمی نیز دوره‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی مناسبی برای آنان وجود ندارد تا در پیش‌برد حرفه خود بهتر عمل کنند. همچنین اجتماع حرفه‌ای معلمان زبان و ادبیات فارسی نیز شکل نگرفته است تا مسائل مهارتی و دانشی در این حوزه به‌صورت علمی به بحث گذاشته شود. در سال‌های اخیر وضعیت بحرانی‌تر هم شده است؛ چراکه براساس ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان وزارت، آموزش‌وپرورش می‌تواند در مواردی دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر را برای تدریس زبان و ادبیات فارسی استخدام کند. دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی دست‌کم دانش ادبیات را در دانشگاه فراگرفته‌اند؛ اما آنانی که براساس این ماده استخدام می‌شوند، از چنین دانشی نیز بهره ندارند.

۳,۳. شأن اجتماعی پایین رشته زبان و ادبیات فارسی در آموزش عالی

در سال‌های اخیر به‌نظر می‌رسد که رشته زبان و ادبیات فارسی شأن اجتماعی چندان مطلوبی ندارد. یکی از دلایل این موضوع را باید درآمد نسبتاً کم مشاغل ویژه این رشته دانست. مشاغل مرتبطی با این رشته، مانند تبلیغ‌نویسی (کپی‌رایتینگ)،

در زیست‌بوم فناوری کشور وجود دارد؛ ولی از آنجاکه برنامه درسی این رشته دانشجویان را برای بازار کار آماده نمی‌کند، دانش‌آموختگان این رشته به‌سختی می‌توانند به آن مشاغل ورود پیدا کنند.

۴. سطح فرهنگی و رسانه‌ای

۱.۴. کاستی‌ها در استفاده از زبان و ادبیات فارسی در رسانه‌ها

در برنامه‌های تلویزیونی مجریان واژگان بیگانه متعددی را به‌کار می‌برند و در خواندن ادبیات فارسی مشکل دارند. در سامانه‌های ویدئو به درخواست (VOD) این مشکل حادث‌تر است. برنامه‌هایی در این سامانه‌ها ساخته می‌شود که با تأکید و تکرار در آن‌ها از واژگان انگلیسی استفاده می‌شود. چنین اتفاقاتی شأن زبان فارسی را زیر سؤال می‌برند و در نتیجه ادبیات فارسی را نیز تضعیف می‌کنند. در نظرسنجی انجام‌شده حدود یک‌چهارم (۲۶ درصد) پاسخ‌گویان، به‌جز مطالعه، برنامه‌های تلویزیونی را عامل ارتباط خود با ادبیات اعلام کردند. از این‌رو برنامه‌های تلویزیونی اهمیت زیادی در آموزش زبان و ادبیات فارسی دارند.

همچنین انتظار می‌رفت که با پیشرفت فناوری شمار اقتباس‌ها از آثار کهن ادب فارسی بیشتر شود؛ اما متأسفانه چنین نشده است. در سال‌های اخیر در مجموعه تلویزیونی «مستوران» در بعضی موارد از عناصر ادبی فارسی بهره برده شد که به نظر می‌آید با استقبال مخاطبان مواجه شده است.

۲.۴. توجه کافی نداشتن به زبان و ادبیات فارسی در معابر شهری

در منظر عمومی و در سطح شهر غالباً کاربرد ادبیات محدود است، هرچند تجربه‌های ارزشمندی مانند پویش تبلیغاتی بعضی از بانک‌های دولتی با استفاده از

ادبیات کهن و تجربه شهرداری‌های شهرهای بزرگ در معرفی شاعران معاصر و درج ابیاتی از آن‌ها در معابر شهری نیز در سال‌های اخیر وجود داشته است.

۴.۳. استفاده پایین از زبان ادبی در فضای مجازی

درباره کاربرد زبان و ادبیات در حوزه عمومی و رسانه‌های تصویری و فضای مجازی نیز مشکلاتی وجود دارد. در حوزه عمومی اقشار مختلف جامعه در به‌کارگیری ضرب‌المثل‌ها، استفاده از ادبیات در زندگی روزمره و حتی در بداهه‌گویی و استفاده مؤثر از زبان ضعیف‌هایی دارند. در نظرسنجی پیش‌گفته از پاسخ‌گویان پرسیده شد: «در تعاملات و گفت‌وگوهای روزمره خود در فضای مجازی چقدر شعر و ضرب‌المثل و اصطلاحات ادبی را به کار می‌برید؟» براساس یافته‌ها نمره میانگین ۳۷,۶ از ۱۰۰ نشان‌دهنده میزان کم استفاده از شعر و ضرب‌المثل در تعاملات روزمره در فضای مجازی است.

۴.۴. آشنایی پایین با شاعران و آثار ادبی در سطح جامعه

در نظرسنجی پیش‌گفته از اطلاعات ادبی و تاریخ ادبی شرکت‌کنندگان نیز سؤالاتی پرسیده شد که براساس یافته‌ها:

- ۶۵,۵ درصد افراد دیوان حافظ، ۱۰,۲ درصد افراد بوستان یا گلستان سعدی و ۱۴ درصد نیز شاهنامه فردوسی را در منزل خود دارند.
- ۱۷ درصد افراد نام هیچ شاعر کهنی را به خاطر نداشتند، ۲۱,۷ درصد افراد نام پنج شاعر را به یاد داشتند و ۱۹,۴ درصد تنها نام سه شاعر را به یاد داشتند و ۱۵,۶ درصد افراد نام بیش از پنج شاعر را به یاد داشتند.
- ۴۲ درصد پاسخ‌گویان نام سه شاعر معاصر را به خاطر نداشتند و ۱۷,۲ درصد نیز از سه شاعر معاصر نام بردند.

براساس این داده‌ها اگرچه عموم مردم به ادبیات فارسی علاقه‌مند بودند و انتقال آن به نسل‌های بعدی را وظیفه خود تلقی می‌کردند؛ ولی در زندگی روزمره برنامه منظمی برای مطالعه ادبیات نداشتند.

۵.۴. ضعف ادبی ترانه‌ها و اشعار موسیقی‌ها

در نظرسنجی پیش‌گفته، به‌جز مطالعه، یک‌سوم پاسخ‌گویان (۳۳ درصد) آلبوم‌های موسیقی و ترانه‌ها را عامل ارتباط خود با ادبیات دانستند. از این‌رو توجه به کیفیت ادبی ترانه‌ها و اشعار موسیقی‌ها اهمیت زیادی دارد. به‌نظر می‌رسد در مجموع کیفیت ادبی ترانه‌ها کاهش یافته است، اگرچه در مواردی موسیقی‌هایی مبتنی بر ادبیات کهن (غزلیاتی از مولوی و سعدی) در سطح جامعه محبوبیت یافته‌اند. ضعف ادبی ترانه‌ها و اشعار موسیقی می‌تواند اثرات منفی در ادبیات فارسی داشته باشد و از این حیث باید نسبت بدین موضوع حساسیت وجود داشته باشد.

۵. سطح فناوریانه

۱.۵. عقب‌ماندگی سیاست‌گذاری زبانی در مقایسه با پیشرفت‌های

فناوری

در زمینه فناوری و فضای مجازی مشکلات متعددی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که سیاست‌گذاری‌های زبانی از پیشرفت‌های فناوری عقب مانده‌اند. بهینه‌سازی و ترویج استفاده از خط فارسی در پیامک چند سال پس از گسترش این راه ارتباطی گسترده بود که خوشبختانه هرچند با تأخیر انجام شد، موفقیت‌آمیز بود. به همین سیاق مناسب‌سازی، استانداردسازی و ترویج صفحه‌کلید فارسی نیز هنوز به‌خوبی انجام نشده است. به‌هم‌ریختگی بعضی نشانه‌های خط فارسی در بعضی برنامه‌ها و سامانه‌های یارانه‌ای مشکلات بسیاری را رقم می‌زند. عمده فعالیت‌های رایانه‌ای و

فناورانه به زبان انگلیسی انجام می‌شود و این مسئله در جهان فناورانه امروز و نسل‌های آینده که به‌طور روزافزون درگیر این امور هستند، بسیار تهدیدکننده به‌نظر می‌رسد.

۲.۵. ضعف در حوزه برنامه‌نویسی، واقعیت مجازی و هوش مصنوعی

در همین راستا مطالعات آینده‌پژوهی درباره نسبت زبان فارسی و هوش مصنوعی و واقعیت مجازی باید انجام بشود. در حوزه برنامه‌نویسی متون آموزشی و پژوهشی و زبان برنامه‌نویسی نسبتی با زبان فارسی ندارند. همچنین فعالیت‌های پژوهشی با هدف توانمندسازی زبان فارسی در حوزه‌های مختلف فناوری محدود و کم‌شمار هستند. همچنین در حوزه ادبیات فارسی اگرچه فعالیت‌های غیرانتفاعی منجر به شکل‌گیری وبگاه‌های پربازدید ادبی شده است؛ اما همچنان نگاه و برنامه‌ای کلی و بلندمدت در این حوزه وجود ندارد.

گفتار دوم: چالش‌های سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در

گستره فراملی^{۱۳}

۱. سطح کلان ساختاری

۱.۱. چالش در امر سیاست‌گذاری

قبل از تأسیس بنیاد سعدی، شورای گسترش زبان فارسی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه سیاست‌گذاری در حوزه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور را برعهده داشت. باوجوداینکه در اساسنامه بنیاد سعدی، سیاست‌گذاری در زمینه‌های مرتبط با گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از

۱۳. مبهنتی بر گزارش سیاستی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: صبوری کزج، جواد و مستمع، رضا (۱۴۰۲).

ارزیابی وضعیت دیپلماسی زبان فارسی (احصای چالش‌ها و ارائه راهکار سیاستی؛ مطالعه موردی بنیاد سعدی).

کشور^{۱۴} به‌عنوان یکی از وظایف بنیاد مطرح شده است ولی همچنان دستگاه‌های ذی‌ربط در این حوزه رویه‌های مجزای خود را می‌پیمایند و بنیاد سعدی با وجود صراحت اساسنامه نقش کمرنگی در سیاست‌گذاری کلان در این زمینه دارد. به‌نظر می‌رسد عدم‌همکاری ساختارهای موازی با بنیاد سعدی تحول جدی در عرصه سیاست‌گذاری حوزه زبان فارسی در خارج از کشور ایجاد نکرده است.

۲.۱. فقدان نقشه راه

در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور نقشه راهی مبرزی وجود ندارد و افقی برای آن مشخص نشده است. همچنین در اسناد سیاستی نیز به شکل کلی به مفهوم ترویج زبان فارسی اشاره شده و پرداخت مفصل، جامع و اختصاصی در این زمینه وجود ندارد. از این جهت سردرگمی و پراکنده‌کاری در بین دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج کشور دیده می‌شود. این در حالی است که در نقشه مهندسی فرهنگی کشور به «تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور در چارچوب نقشه مهندسی فرهنگی» اشاره شده است^{۱۵} که تاکنون اجرایی نشده است. به گفته مسئولان بنیاد سعدی، این بنیاد در قبال تدوین این سند مسئولیت داشته؛ اما در این خصوص هنوز اقدام جدی صورت نپذیرفته است. هرچند بنیاد سعدی «سند راهبردی زبان فارسی در جهان» را در سال ۱۳۹۶ تدوین و منتشر کرده؛ اما سطح و جایگاه این سند درون‌سازمانی بوده و

^{۱۴}. «مدیریت، سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مرتبط با گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور» (بند ۱، ذیل ماده ۲ اساسنامه بنیاد سعدی).

^{۱۵}. بند ۲۲ اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۱۱ در نقش، مهندسی فرهنگی.

فقط بنیاد سعدی را شامل می‌شود؛ در صورتی که با توجه به اساسنامه این بنیاد می‌تواند برای سایر دستگاه‌ها نیز در زمینه گسترش زبان فارسی در فراسوی مرزها نقشه راه تعیین کند.

۳.۱. هماهنگی و همکاری پایین دستگاه‌های ذی‌ربط

علاوه بر بنیاد سعدی که در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی به شکل تخصصی فعالیت دارد، دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه که به عنوان اعضای حقوقی در هیئت‌امانی بنیاد سعدی نیز حضور دارند، براساس اساسنامه بنیاد درباره گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و مصوبات هیئت‌امنا مسئولیت داشته و باید گزارش عملکرد سالیانه خود را در این زمینه به هیئت‌امانی بنیاد سعدی ارائه دهند^{۱۶}. لذا یکی از چالش‌های مهم همکاری نکردن و ناهماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط با بنیاد سعدی است. به نظر می‌رسد بنیاد سعدی، ضمانت اجرایی برای ایجاد هماهنگی و همکاری لازم برای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور را در اختیار ندارد و سایر دستگاه‌ها مسیر خود را در این زمینه می‌پیمایند. به عنوان مثال ناهماهنگی‌های موجود بین سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مصادیق ناهماهنگی بین دو دستگاه وزارت امور خارجه و بنیاد سعدی مطرح است (گزارش عملکرد ده‌ساله بنیاد سعدی، ۱۴۰۱).

علاوه بر این، دستگاه‌های ذی‌ربط از اقدامات و چالش‌های یکدیگر در حوزه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور به شکل مفصل و دقیق آشنا و آگاه نیستند که این موضوع گاه موجب ناهماهنگی بین‌شان می‌شود. به نظر می‌رسد که یکی از علت‌های ناهماهنگی در این زمینه، ارائه نکردن گزارش عملکرد سالانه دقیق و جامع

^{۱۶}. «هر یک از اعضای حقوقی هیئت‌امنا ملزم به همکاری با بنیاد در اجرای سیاست‌ها و راهبردهای مصوب هیئت‌امنا بوده و گزارش عملکرد سالیانه دستگاه خود را در اجرای مصوبات هیئت‌امنا و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور را به هیئت‌امنا ارائه خواهند کرد» (تبصره ۲ از ماده ۵ اساسنامه بنیاد سعدی).

دستگاه‌های ذی‌ربط از اقداماتشان در حوزه ترویج زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور بوده است. همچنین دستگاه‌های ذی‌ربط خود را ملزم بر هماهنگی و همکاری با دستگاه‌ها سیاست‌گذار نمی‌دانند و به‌جای نگاه تعاملی و سازنده، هریک از این دستگاه‌ها خود را متولی این حوزه دانسته و نیازی برای هم‌افزایی نمی‌بینند.

۲. سطح آموزشی

۱،۲. مسائل مربوط به اساتید

۱. کمبود استادان متخصص در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) و در نتیجه کاهش کیفیت آموزشی. در واقع تحصیلات مدرسان با حوزه آزفا ارتباطی ندارد و همچنین استقبال برخی کارشناسان صف از شیوه‌های سنتی آموزش زبان فارسی و نپذیرفتن لزوم یادگیری شیوه‌های نوین آموزش زبان فارسی ازسوی برخی مدرسان؛

۲. پایین بودن انگیزه مدرسان بومی به‌دلیل پایین بودن حق‌التدریس مدرسان بومی زبان فارسی و به‌طور کلی کم‌توجهی به تربیت مدرسان بومی آموزش زبان فارسی؛

۳. کافی نبودن مهارت‌های لازم و اطلاعات لازم از فرهنگ جامعه مخاطب ازسوی نیروی انسانی اعزامی برای حضور قوی در منطقه (گزارش عملکرد ده‌ساله بنیاد سعدی، ۱۴۰۱).

۲،۲. جایگاه مبهم آزفا (آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان)

رشته آرفا^{۱۷} جایگاه مشخصی در دانشگاه‌ها ندارد. این رشته باید زیرمجموعه زبان‌شناسی باشد؛ ولی گاه به‌اشتباه ذیل زبان و ادبیات فارسی قرار می‌گیرد. باوجوداینکه این رشته به‌طور تخصصی به ترویج زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌پردازد ولی توجه و اهتمام زیادی بدان نمی‌شود. افرادی که رشته زبان و ادبیات فارسی خوانده‌اند، لزوماً نمی‌توانند در آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها تجربه موفق داشته باشند؛ زیرا آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با زبان و ادبیات فارسی تفاوت دارد و یکی نیست.

ازسوی دیگر مراکز آرفا نیز ذیل بخش‌های مختلفی ازجمله ریاست دانشگاه، امور بین‌الملل دانشگاه و دانشکده زبان و ادبیات فارسی قرار دارند و ازاین‌جهت جایگاه‌شان مبهم بوده و ثابت نیست، هرچند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حال تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ای برای حل این مسئله بوده است.

۳.۲. ناهماهنگی در برگزاری آزمون استاندارد

آزمون آمفا (آزمون مهارتی زبان فارسی) برای سنجش سطح زبان فارسی افراد غیرفارسی‌زبان است و آزمون داتفا (دانش و مهارت زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان^{۱۸}) به‌منظور سنجش دانش مدرسان زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را بنیاد سعدی طراحی کرده است. علاوه‌بر این آزمون‌ها، سامفا (سنجش استانداردهای مهارت‌های فارسی) آزمون بستندگی زبان فارسی است که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار

^{۱۷}. «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی زبان فارسی و شیوه علمی آموزش این زبان به‌ویژه به خارجی‌زبانان می‌پردازد ... رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد و زیرمجموعه زبان‌شناسی همگانی قرار گرفت» (پیش‌قدم، فیروزبان پوراصفهانی و طباطبایی فارانی، ۱۳۹۳: ۹۹).

می‌کند. به‌نظر می‌رسد درزمینهٔ برگزاری آزمون استاندارد زبان فارسی، تکرر و ناهماهنگی وجود دارد.

۳. سطح بین‌الملل

۱.۳. فقدان نگاه متقابل کشورها به گسترش دیپلماسی زبانی

توسعهٔ دیپلماسی زبانی یک کشور، باید به شکل متقابل بین دو کشور صورت پذیرد و به شکل یک‌جانبه ازسوی کشور مقابل نپذیرفتنی است. یکی از معضلات گسترش زبان فارسی در فراسوی مرزهای جمهوری اسلامی ایران وجود نگاه غیرمتقابل به موضوع زبان است که اجازهٔ فعالیت فرهنگی و زبانی را از کشور مقابل سلب می‌کند. به بیان دیگر در توسعهٔ روابط فرهنگی حرکت گام‌به‌گام هر دو کشور نیاز است و در صورت همکاری نکردن یک کشور، طرف مقابل نیز از ادامهٔ همکاری فرهنگی عقب‌نشینی می‌کند. این مسئله همچنین مانع توسعهٔ زبان فارسی در خارج از کشور شده است.

۲.۳. ایران‌هراسی

تلاش رسانه‌های غربی و امپریالیستی سعی در تصویرسازی منفی، عقب‌افتاده، سیاه و آشفته از کشور ایران دارند. این مسئله باعث شده است که مردمان کشورهای مختلف جهان رغبت و تمایل اندکی برای یادگیری زبان فارسی داشته باشند؛ زیرا برخلاف واقعیات و با بازنمایی غلط رسانه‌های معاند، نگاه دست‌پایینی به ایران داشته و انگیزه‌ای برای سفر به ایران و یادگیری زبان فارسی ندارند.

۳.۳. تعامل پایین کشورهای فارسی‌زبان جهت حفظ و گسترش زبان

فارسی

یکی از تجربه‌های ناموفق تعامل فرهنگی سه کشور فارسی‌زبان توقف پیرامون مؤسسه فرهنگی هنری فارسی‌زبان یا همان ایتا است. تجربه ناموفق دیگر در حوزه مشارکت این سه کشور برای تأسیس یک شبکه تلویزیونی مشترک بود که به دلیل توافق نکردن بر محتوای برنامه‌های آن به سرانجام نرسید. با وجود اینکه در سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان زبان فارسی به عنوان زبان اول است؛ اما این ظرفیت مغفول مانده و سه کشور نمی‌توانند ارتباطات گسترده‌ای برای هم‌افزایی و هم‌گرایی در حوزه زبان و ادبیات فارسی داشته باشند. مهم‌ترین علت توسعه نیافتن ارتباطات ایران با کشور افغانستان و تاجیکستان به ترتیب، عدم اهتمام دولت افغانستان به این موضوع و رسم الخط سیریلیک زبان فارسی در کشور تاجیکستان بوده است که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۴.۳. چالش زبان فارسی در کشور افغانستان

به نظر می‌رسد کم‌توجهی و عدم اهتمام کافی به زبان فارسی در کشور افغانستان مقارن با ورود آمریکایی‌ها به این کشور و پیشبرد سیاست‌های ترویج زبان انگلیسی است. یکی از راهبردی‌های دیپلماسی فرهنگی آمریکا پس از ورود به افغانستان در سال ۲۰۰۱، دیپلماسی زبانی بود. آمریکا با دیپلماسی زبانی و گسترش زبان انگلیسی در افغانستان سعی در ایجاد نفوذ فرهنگی داشت. اقدامات و برنامه‌های آمریکایی‌ها در راستای سیاست توسعه زبان انگلیسی در کشور افغانستان عبارت‌اند از: دوره دوازده‌ماهه آموزش زبان انگلیسی، طراحی دپارتمان آموزش زبان انگلیسی در وزارت آموزش عالی افغانستان، آموزش زبان انگلیسی برای وزارت مرزها، احیای مرکز آموزش زبان هرات، آموزش انگلیسی برای کارکنان خبرگزاری باختر، اداره مراکز زبان انگلیسی و یادگیری کامپیوتر و آموزش زبان انگلیسی برای وزارت امور خارجه افغانستان (راستی، ۱۴۰۰: ۱۸۴). پس از اینکه دولت طالبان در سال ۲۰۲۱ در کشور افغانستان به قدرت رسید و دوره جمهوریت و حضور آمریکایی‌ها در این کشور پایان

یافت، همچنان توجه و اهتمام به زبان و ادبیات فارسی در این کشور روند نزولی داشته و دارد. علت مسئله این است که قومیت طالبان عمدتاً پشتون بوده و پشتونها به زبان پشتو صحبت می‌کنند و از این جهت تعصب و اهتمام جدی بر زبان فارسی ندارند.

جدول شماره ۹: اطلاعات و آمار مربوط به اقدامات و برنامه‌های آمریکایی‌ها در راستای سیاست توسعه زبان انگلیسی در کشور افغانستان

نام ردیف هزینه	نام کمک هزینه فارسی	سال	نهاد پشتیبان	مخاطب	محتوا	مبلغ (هزار دلار)
English teaching	آموزش زبان انگلیسی	۲۰۱۹	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	فعالان اقتصادی صادرکننده و روزنامه‌نگاران	آموزش یک دوره دوازده‌ماهه برای حداقل ۸۰ نفر از هر گروه	۳۶۰
National Level Curriculum Development and Educational Policy Support for English Teaching in Afghanistan Higher Education	توسعه برنامه درسی در سطح ملی و حمایت از سیاست‌های آموزشی برای آموزش زبان انگلیسی در آموزش عالی افغانستان	۲۰۱۲	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	-	فراخوان پروپوزال برای طراحی دیپارتمان آموزش زبان انگلیسی در وزارت آموزش عالی افغانستان شامل استانداردهای آموزشی، ایجاد سیاست‌هایی برای انتشار، جذب و انتخاب نامزدهای بورسیه‌های خارجی، تعیین معیارهای ارزیابی پیشرفت زبان، ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده در آموزش زبان	۱۰۰۰

۲۵۰	آموزش زبان انگلیسی به معلمان و دانش‌آموزان سه مدرسه خاص تحت‌نظر وزارت مرزها	-	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	۲۰۱۲	آموزش زبان انگلیسی برای وزارت مرزها	English Language Training for Ministry of Border
۱۵۰	فراخوان واگذاری مدیریت دو مرکز آموزش زبان در هرات به مدت دو سال با التزام به برگزاری کلاس‌های زبان برای معلمان و دانشجویان	-	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	۲۰۱۲	گرداندن مراکز آموزش زبان انگلیسی هرات	Operating Herat English Language Resource Centers for
۲۰۰	فراخوان پروپوزال برای واگذاری مدیریت مرکز آموزش زبان هرات و تأسیس یک مرکز دیگر در مدرسه دخترانه گوهرشاد	-	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	۲۰۱۳	گرداندن مرکز آموزش زبان هرات	Operating Herat English Language Resource Centers
۱۰۰ تا ۲۰۰	فراخوان پروپوزال برای اداره این مرکز به‌منظور ارائه امکانات و تجهیزات آموزشی مدرن به دانشگاه برای آموزش نحوه تولید و توزیع رادیویی، مواد چاپی و تلویزیونی به دانشگاه طراحی شده است. افزایش توانایی دانش‌آموزان برای بخش محصولات اطلاعاتی تولیدشده	-	US Mission to Afghanistan	۲۰۱۳	آموزش انگلیسی برای کارکنان خبرگزاری باختر	English Teaching for Bakhtar News Agency Staff

	ازسوی خود و جامعه؛ ارتقای قابلیت‌های اساتید و دانشجویان در استفاده از فناوری‌های نوین تولید رسانه از ملزومات پروپوزال است.					
۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰	اطلاعیه واکذاری مدیریت ۸ مرکز متصل به دانشگاه‌های افغانستان به مدت سه سال	-	US Mission to Afghanistan	۲۰۱۵	اداره مراکز زبان انگلیسی و یادگیری کامپیوتر	Administration of English Language and Computer Learning Centers
۹۰	برگزاری دروه‌های آموزشی زبان انگلیسی برای متقاضیان وزارت امور خارج به‌منظور انتخاب کارکنان	۱۲۰ نفر از کارکنان وزارت خارج افغانستان	دفتر کمک‌های آسیای مرکزی و جنوبی	۲۰۱۹	آموزش زبان انگلیسی برای وزارت امور خارج افغانستان به‌منظور اهداف خاص	English for Specific Purposes Training for the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Afghanistan

(اطلاعه‌های پایگاه federal grant به نقل از راستی، ۱۴۰۰)

۵.۳. تفاوت رسم‌الخط زبان فارسی در تاجیکستان

کشور تاجیکستان جزء سه کشوری است که زبان رسمی آن فارسی است؛ اما باوجوداین رسم‌الخط آن به شکل سیریلیک است. همچنین احتمال تغییر این رسم‌الخط و تبدیل آن به رسم‌الخط لاتین نیز وجود دارد (گزارش زبان فارسی و سیاست همسایگی، ۱۴۰۱: ۸). این مسئله باعث شده است که با وجود اشتراک زبانی مردمان تاجیک با ایرانیان، به‌دلیل تفاوت رسم‌الخط، برقراری ارتباطات مکتوب بین

آن‌ها سخت باشد. از این جهت این تفاوت رسم الخطی موجب فترت و جدایی مردمان تاجیک با فرهنگ کهن خود و همچنین برقرار نکردن ارتباطات فرهنگی گسترده با کشور ایران و حتی افغانستان شده است.

۶.۳. رقبای منطقه‌ای و جهانی

امروزه توسعه زبان و فرهنگ خویش مورد توجه دولت‌ها قرار دارد و برخی از رقبای منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه ترکیه، کره، چین، عربستان و آلمان در تلاش برای گسترش زبان خود در مناطق اطراف ایران هستند (گزارش زبان فارسی و سیاست همسایگی، ۱۴۰۱: ۹). به‌عنوان مثال تداوم فعالیت‌های کرسی‌های ایران‌شناسی و زبان فارسی تحت تأثیر فعالیت‌ها و هزینه‌های گسترده عربستان سعودی و ترکیه قرار گرفته است. به شکلی که اختصاص بورس‌های تحصیلی و تدارک سفرهای مطالعاتی و هزینه‌هایی که از سمت این کشورها انجام می‌گیرد، فعالیت کرسی‌های ایران‌شناسی و زبان فارسی و انگیزه دانشجویان جهت تحصیل در این رشته‌ها را کم‌رنگ ساخته است (گزارش آسیب‌شناسی وضعیت زبان فارسی و ایران‌شناسی، ۱۳۹۹: ۲).

۴. سطح علمی و دانشگاهی

۱.۴. تهدیدات مربوط به کرسی‌های زبان فارسی

کل کرسی‌های فعال زبان فارسی اعم از اینکه با ایران همکاری دارند یا نه و واحدهای درسی الزامی ارائه می‌کنند یا اختیاری تا تاریخ آذرماه ۱۴۰۱ به تعداد ۶۶ بوده است. برخی از تهدیدات کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور عبارت‌اند از:

۱. تداوم فعالیت کرسی‌های زبان فارسی تحت تأثیر فعالیت‌ها و هزینه‌های گسترده عربستان سعودی و ترکیه، که اختصاص بورس‌های تحصیلی و تدارک سفرهای مطالعاتی از جمله این اقدامات‌اند، قرار گرفته است.

۲. گسترش فضای ایران‌هراسی ازسوی رسانه‌های جهانی موجب کاهش گرایش به‌سوی فارسی‌آموزی شده است.

۳. ابهام در روابط سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران با برخی از کشورهای همسایه و عمدتاً کشورهای عربی بر روند فعالیت کرسی‌های زبان فارسی اثرگذار بوده است.

۴. مشکلات اقتصادی و مالی نیز گاه موجب توقف فعالیت کرسی‌های زبان فارسی شده است، به‌عنوان مثال کرسی زبان و ادبیات فارسی در اواخر سال ۱۳۹۶ در دانشگاه رپوبلیکا جمهوری اروگوئه و با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی شد و به‌دلیل مشکل بودجه و اعزام‌نکردن استاد فعالیت آن متوقف شد (گزارش زبان فارسی و سیاست همسایگی، ۱۴۰۱).

۵. سطح میراث فرهنگی و گردشگری

۱.۵. تخریب و مرمت‌نکردن میراث فرهنگی تمدن ایران فرهنگی در سایر

کشورها

یکی از چالش‌های زبان فارسی در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور عبارت است از خطر تخریب و نابودی میراث فرهنگی در کشورهای مختلف که تداعی‌گر فرهنگ ایرانی و زبان فارسی‌اند. با توجه به اینکه در طول تاریخ اسلام، معرفت دینی عمدتاً با زبان فارسی آمیخته شده است، کتیبه‌های مساجد و اماکن مذهبی اغلب بن‌مایه‌های عرفانی به زبان فارسی دارند. برخی از علل و جریاناتی که موجب نابودی و تخریب این میراث فرهنگی می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. وهابیت: سردمداران وهابی که عمدتاً در عربستان و پاکستان تحصیل کرده‌اند، با عنوان تجمل‌زدایی از مساجد سعی در نابودی کتیبه‌ها، سرامیک‌کاری و ساده‌سازی مساجد دارند. بدین ترتیب کتیبه‌های فارسی نابود شده یا در خطر نابودی قرار دارند. این مسئله در کشورهای هندوستان، بنگلادش و پاکستان بیشتر نمایان است.

۲. چین: جایگزینی کاشی‌های تزئینی چینی به جای کتیبه‌های تاریخی نیز موجب نابودی کتیبه‌های فارسی شده است.

۳. قومیت‌گرایی: برخی از جریان افراطی و قومیت‌گرای ترکی، کردی و ارمنی همواره به دنبال نابودی آن بخشی از میراث فرهنگی هستند که نشان از فرهنگ و تمدن ایران داشته باشد.

۴. آسیب‌های طبیعی نیز موجب تخریب این میراث فرهنگی می‌شود که شامل سیل، زلزله، یخبندان و طوفان می‌شود.

۶. سطح اقتصادی و مالی

۱.۶. اقتصادی نبودن یادگیری زبان فارسی

برخی از افراد زبان را به دلیل انگیزه‌های اقتصادی مثل تجارت، آموزش و ترجمه فرامی‌گیرند. یکی از علل کم‌بودن اقبال برای یادگیری زبان فارسی در این چارچوب، پایین بودن امکان درآمدزایی و همچنین نبود فرصت شغلی آن‌ها پس از یادگیری است (گزارش زبان فارسی و سیاست همسایگی، ۱۴۰۱: ۸).

۲.۶. درآمدزایی اندک از فروش محصولات و ارائه خدمات

یکی از چالش‌های اقتصادی بنیاد سعدی این است که درآمدزایی بسیار اندکی از فروش محصولات، دوره‌های آموزشی و برگزاری آزمون‌ها دارد. به برآورد یکی از

مسئولان بنیاد سعدی میزان درآمدزایی از موارد مذکور کمتر از ۲ درصد اعتبارات بوده است که این میزان در مقایسه با درآمدهای غیردولتی مؤسسه یونس امره (حدود ۱۵ درصد است که در بخش قبلی بررسی شد) ناچیز و اندک است.

۳.۶. کمبود بودجه و اعتبارات نهادهای متولی نظیر بنیاد سعدی

یکی از چالش‌های اساسی بنیاد سعدی در زمینه توسعه زبان فارسی در خارج از کشور عدم تکافوی مالی و کمبود بودجه^{۱۹} برای پیشبرد برنامه‌ها و اقدامات است. بنیاد سعدی به عنوان دستگاهی که در حوزه بین‌الملل و جهانی مشغول به فعالیت فرهنگی در حیطه زبان فارسی است و با توجه به افزایش نرخ ارز در طول سال‌های اخیر، افزایش محدود بودجه در این سال‌ها پاسخ‌گوی نیازهای مالی و اقتصادی این بنیاد نیست. به عبارتی هزینه‌های این بنیاد ارزی است؛ اما اعتبارات ریالی دریافت می‌کند که رشد اعتبارات ریالی نیز هم‌پای هزینه‌های ارزی نبوده است. به‌طوری‌که سطح عملیاتی بودجه بنیاد سعدی طی سال‌های اخیر به حدود یک‌هفتم کاهش یافته است.

جدول شماره ۱۰: مقایسه نحوه تأمین ارز مورد نیاز بنیاد سعدی بر مبنای یک میلیون یورو در شش سال اخیر (ارقام به میلیون ریال)

سال	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	آبان ۱۴۰۱
ابلاغیه سازمان برنامه	۱۰۳۳۵۶	۱۰۸۶۴۰	۱۱۳۴۹۰	۱۳۰۹۵۰	۱۸۹۱۵۰	۲۲۰۸۶۹
تخصیص بودجه	۸۵۰۰۰	۹۹۶۲۰	۱۰۸۱۰۶	۱۲۷۹۶۰	۱۷۶۶۸۱	۹۸۰۰۰
درصد تخصیص	۸۲/۲	۹۱/۷	۹۵/۳	۹۷/۷	۹۳/۴	۴۴/۴
خرید ارز (میلیون ریال)	۴۰۰۰۳	۵۱۳۳۱	۶۱۴۷۷	۶۱۰۰۰	۶۱۴۴۶	۲۱۷۲۴
درصد خرید ارز نسبت به تخصیص	۴۷/۱	۵۱/۵	۵۶/۹	۴۷/۷	۳۴/۸	۲۲/۲
نرخ ریالی یک واحد یورو (میانگین)	۴۳۰۲۷	۷۶۵۱۹	۱۳۵۴۱۳	۲۸۹۱۰۰	۲۹۲۶۰۰	۳۱۰۰۰۰

^{۱۹} براساس ماده ۱۵ اساسنامه بنیاد، «بودجه بنیاد پس از تصویب و پیشنهاد هیئت‌امنا به عنوان کمک دولت با ردیف مستقل در اعتبارات سالانه دولت دیده خواهد شد». هرچند طبق تبصره ماده ۱۵، «بنیاد می‌تواند از کمک‌های سایر دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و درآمدهای خود برای گسترش زبان و ادبیات فارسی استفاده کند».

-۹۲/۹۹٪	-۷۹/۰۰٪	-۷۸/۹۰٪	-۵۴/۶۰٪	-۳۲/۹۲٪	-۷/۰۳٪	انحراف از تأمین ارز موردنیاز
۲۰۷۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰	۲۱۱۰۰۰	۴۵۴۰۰۰	۶۷۰۸۳۹	۹۲۹۷۱۰	ارز خریداری‌شده (یورو)

۲۰. این آمار مربوط به آبان ماه سال ۱۴۰۱ بوده و تا پایان سال ۱۴۰۱، مبلغ ۱۵۰۰۰۰ یورو ارز خریداری شده است.

فصل ششم: ارائه راهکارها برای تقویت زبان و ادبیات فارسی

گفتار اول: پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی

در گستره ملی

۱. سطح نگرش

۱.۱. تقویت باور به بین‌المللی‌بودن زبان فارسی

زبان فارسی به‌صورت تاریخی زبانی بین‌المللی و زبان میانجی در سرزمین‌های وسیعی بوده است. آگاهی از نقش تاریخی زبان فارسی و ستایش شاعران و نویسندگان غربی و شرقی از زبان و ادبیات فارسی منجر به علاقه‌مندی بیشتر به زبان فارسی و باور به قدرت آن خواهد شد. ساخت برنامه‌هایی در رسانه‌های مختلف (تصویری و صوتی) با هدف آگاهی‌بخشی به ایرانیان درباره شکوه تاریخی زبان فارسی و گستره وسیع نفوذ آن از طریق نشان‌دادن اهمیت و ارزشی که ملل دیگر برای زبان فارسی قائل هستند، پیشنهاد می‌شود. همچنین اختصاص یک فصل از هر کتاب درسی ادبیات به زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران امروزی (برای نمونه: فارسی سخن گفتن مارکوپولو، فال‌های حافظی که سلاطین مغول هندوستان می‌گرفتند، کتیبه‌های فارسی در ترکیه، شاعران فارسی‌زبان بوسنیایی و آلبانیایی، نوادگان شیرازی‌ها در زنگبار و ...) توصیه می‌شود. در این زمینه می‌توان کتاب‌های آموزشی مشترکی با کشورهای حوزه فارسی‌گرایی تألیف کرد.

۲.۱. توجه بیشتر به ادبیات زبان‌های قومی در ایران

از یک سو نگاه باستان‌گرایانه افراطی و بی‌توجهی به هویت‌ها و زبان‌های قومی موجب تضعیف جایگاه زبان فارسی در بین اقوام مختلف می‌شود و از سوی دیگر بعضی

کنشگران فرهنگی اقوام، زبان فارسی را در برابر زبان‌های قومی قرار می‌دهند و رسانه‌های بیگانه نیز بر این‌گونه مسائل تمرکز می‌کنند و سبب می‌شوند که نوعی تقابل با زبان و ادبیات فارسی در جامعه شکل بگیرد. اگر ارزش زبان‌ها و ادبیات‌های اقوام برای همه مردم روشن شود و به آن‌ها به چشم گنجینه‌های فرهنگی نگریسته شود، می‌تواند زمینه این نوع تقابلات کاذب را از بین ببرد. در مرحله اقدام نیز پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های تطبیقی بین ادبیات فارسی و ادبیات زبان‌های قومی تقویت شود و همچنین تأثیرپذیری این ادبیات‌ها از ادبیات فارسی و همچنین تأثیرپذیری زبان و ادبیات فارسی از این زبان‌ها بیشتر نمایان شود، آن‌گاه این تقابل میان زبان فارسی و زبان‌های قومی کم‌رنگ خواهد شد. به عنوان مثال بسیاری از واژگان و مفاهیم ادبی مشترک میان زبان‌های فارسی، عربی و ترکی وجود دارد و همچنین واژگان مختلفی از این زبان‌ها وارد زبان دیگر شده است که نشان از ارتباط بالای این زبان‌ها با یکدیگر دارد.

درباره این مسئله لازم است به سیر تحول سیاست‌های زبانی کشورهای غربی توجه کرد. این سیاست‌ها را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد. در دوره اول که در آمریکا تا دهه ۱۹۶۰ و در استرالیا و کانادا تا دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت، به زبان‌های اقلیت‌ها و مهاجران به چشم مانعی برای همبستگی ملی و ادغام با جمعیت بومی نگاه می‌شد. در نتیجه در نظام آموزشی رسمی، از آموزش این زبان‌ها غفلت می‌شد و فقط در موارد خاصی امکان آموزش میسر می‌شد. در دوره بعدی به فرهنگ‌های اقلیت‌ها و زبان‌های آن‌ها به چشم فرصت‌ها و منابعی غنی در جامعه میزبان نگاه می‌شد و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی پذیرفته می‌شدند. این زبان‌ها در نظام آموزشی رسمی در شکل‌های مختلف از جمله زبان سوم و زبان میراثی تدریس شدند و در مواردی نظام‌های آموزشی چندزبانی یا چندفرهنگی شکل گرفتند. در دوره سوم به زبان‌ها به چشم تسهیل‌کنندگان روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر نگاه می‌شود و

به این ترتیب زبان‌هایی که از نظر اقتصادی ارزش بیشتری دارند، امکانات و فرصت‌های بیشتری برای آموزش در نظام آموزشی رسمی پیدا می‌کنند. توجه به این سیر تحول و شیوه مواجهه با زبان‌ها، در سیاست‌گذاری زبانی در ایران نیز راهگشا خواهد بود.

۲. سطح سیاست‌گذاری و قانونی و ساختاری

۱.۲. ترسیم نگاهت نهادی در حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی

در وضعیت فعلی عموماً فرهنگستان زبان و ادب فارسی به عنوان نهاد اصلی سیاست‌گذار در حوزه زبان و ادبیات فارسی شناخته می‌شود. با این حال سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی عموماً بر زبان فارسی (و نه ادبیات فارسی) متمرکز است. اگرچه در فرهنگستان پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه ادبیات کهن و معاصر صورت گرفته است؛ ولی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به ندرت طرحی اجرا شده است. نهادهای متعدد دیگری نیز در حوزه زبان و ادبیات فعال هستند که اقدامات و برنامه‌های این نهادها گاه بدون هماهنگی با یکدیگر انجام می‌شود. پیشنهاد می‌شود، در قالب یک سند سیاستی یا مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی یا هیئت وزیران، نگاهت نهادی پیرامون سیاست‌گذاری زبان و ادبیات کشور صورت پذیرد تا ناهماهنگی میان دستگاه‌ها از بین رفته و وظایف هر دستگاه در قبال زبان و ادبیات فارسی به شکل دقیقی مشخص شود.

۲.۲. ارزیابی اقدامات نهادهای فعال

در دهه‌های اخیر دستگاه‌های مختلف اقدامات متعددی را در حوزه زبان و ادبیات فارسی انجام داده‌اند؛ اما این اقدامات نه تنها طبق نقشه‌ای جامع نبوده است، همچنین سطح تأثیرگذاری این اقدامات و تحقق اهداف تعیین‌شده ارزیابی نشده است. لازم است که نظارت و ارزیابی نهادهای فعال این حوزه، با جدیت انجام شود.

۳.۲. پیمایش‌های دوره‌ای برای سنجش وضعیت زبان و ادبیات فارسی

لازم است که دست‌کم هر پنج سال گزارشی جامع درباره وضعیت زبان و ادبیات فارسی، کاربرد آن‌ها در جامعه، تحولاتشان، نگرش مردم درباره آن‌ها و موارد دیگر تهیه شود. بدون وجود چنین گزارش‌هایی برنامه‌ریزی‌های زبانی و ادبی محقق نخواهد شد. به بیان دیگر شناخت وضعیت موجود بر مبنای واقعیات شرط ابتدایی و ضروری یک برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر واقعیت است.

۳. سطح آموزشی

۱.۳. توجه به روش‌های آموزشی نوین در تألیف کتاب‌های درسی ادبیات

پژوهشگران و استادان زبان و ادبیات فارسی همواره به کتاب‌های درسی ادبیات نقدهایی جدی داشته‌اند. اجرای پیمایش‌هایی برای سنجش تأثیرگذاری کتاب‌های درسی بر علاقه‌مندکردن دانش‌آموزان به ادبیات و سنجش نگاه آنان در ارزشمند دانستن و قدردانی از ادبیات فارسی حتماً برای برنامه‌ریزی‌های آینده مفید خواهد بود. در نظرسنجی‌ای، در پاسخ به این پرسش که «آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدرسه و دانشگاه چقدر ارتباط شما با شعر و ادبیات فارسی را بهبود بخشیده است؟» نمره میانگین ۴۸٫۸ از ۱۰۰ نشان‌دهنده میزان نسبتاً متوسط اثربخشی آموزش در مدارس و دانشگاه بود، به‌طوری‌که ۳۳ درصد به میزان کم، ۳۶٫۵ درصد متوسط و ۳۰٫۵ درصد به میزان زیادی این تأثیر را ارزیابی کردند. در پاسخ به پرسش دیگری درباره انتقال میراث ادبی به نسل‌های بعدی، ۴۹٫۱ درصد از کل پاسخ‌گویان معتقد بودند میراث شعر و ادبیات فارسی به‌درستی در حال انتقال به نسل جدید نیست و تنها ۲۵٫۹ درصد افراد به این موضوع قائل بودند.

از آنجاکه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی به‌زودی تألیف کتاب‌های درسی جدید را آغاز می‌کند، اهمیت زیادی دارد که تألیف‌های جدید متفاوت از تألیف‌های پیشین و با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی نوین در جهان انجام شوند. این امر توجه جدی‌تر نهادهای مربوط و سرمایه‌گذاری ویژه‌ای را می‌طلبد. همچنین امر تألیف کتاب‌های درسی نه پشت درهای بسته که باید با نظرخواهی از صاحب‌نظران و فعالان آموزش ادبیات در بخش‌های دولتی و غیردولتی انجام شود و برنامه درسی و اهداف آموزشی کتاب‌ها به‌صورت عمومی به نقد گذاشته شود.

در مسیر سنتی آموزش ادبیات فارسی حفظ اطلاعات ادبی و تاریخ ادبی محوری داشته است. در نتیجه آموزش زبان و ادبیات فارسی فاصله زیادی با کاربرد زبان و ادبیات در زندگی روزمره داشته است. اگرچه تألیف کتاب‌های نگارش (و جداسازی کتاب آن از کتاب ادبیات) در متوسطه اول و دوم بنا بوده است که این مشکل را تا حدی حل کند؛ اما موفقیتی در این زمینه به دست نیامده است. لازم است که در برنامه‌ریزی درسی برای کاربردی‌کردن آموزش دستور زبان، آرایه‌های ادبی و مهارت‌های زبانی به‌صورت جدی بازنگری شود.

۲.۳. رشته تخصصی آموزش زبان و ادبیات فارسی

در برنامه درسی رشته دانشگاهی زبان و ادبیات فارسی درسی برای یادگیری شیوه‌های آموزش ادبیات فارسی وجود ندارد. برای رشته‌های دانشگاه فرهنگیان هم هنوز ادبیات علمی مدون و منابع آموزشی نوین و باکیفیتی در این حوزه تألیف و تدوین نشده است. لازم است که این رشته تخصصی در دانشگاه‌های دولتی تأسیس شود و در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان نیز بازنگری شود و منابع علمی مدونی برای واحدهای درسی تألیف و تدوین شود.

۳.۳. تقویت پژوهش‌های علمی در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی

نهادهای مربوط باید از پژوهش‌های نظری و عملی و پیمایش‌های دقیق در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی حمایت کنند. در حال حاضر مجله رشد زبان و ادبیات فارسی و بعضی مجلات دیگر در این حوزه فعال هستند؛ اما برنامه بلندمدت و مسیر روشنی در این حوزه وجود ندارد. مؤلفان بنابر صلاح‌دید خود موضوعی را انتخاب می‌کنند و درباره آن کار می‌کنند. شیوه انجام این پژوهش‌ها و موضوعات غالباً در امتداد همان مسیر سنتی آموزش ادبیات است و کمتر نوآوری و تغییری در این حوزه به چشم می‌خورد. طراحی جشنواره‌های پژوهشی با سازوکار اجرایی مشخص و برنامه‌ریزی شده و تعیین اهداف مشخص می‌تواند این فضا را تغییر دهد.

۴.۳. ایجاد گرایش‌های جدید در رشته زبان و ادبیات فارسی و ایجاد درس میان‌رشته مرتبط با زبان و ادبیات فارسی

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی نسبتی با نیازهای جامعه در این حوزه ندارد و عمدتاً رویکردی تاریخی و انتزاعی دارد. گسترده‌ترین شغل‌های دانش‌آموختگان این رشته معلمی و ویراستاری است؛ با این حال رشته زبان و ادبیات فارسی حتی دانشجویان را برای این دو شغل نیز آماده نمی‌کند. از این رو پیشنهاد می‌شود که با شناسایی نیازهای جامعه در این حوزه گرایش‌های لازم و کاربردی ایجاد شود. برای نمونه در بریتانیا رشته ادبیات انگلیسی گرایش‌های متعددی دارد، از جمله ادبیات انگلیسی و حقوق، ادبیات انگلیسی و مطالعات رسانه، ادبیات انگلیسی و روابط بین‌الملل، ادبیات انگلیسی و فناوری اطلاعات، ادبیات انگلیسی و سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی، ادبیات انگلیسی و جامعه‌شناسی، ادبیات انگلیسی و نمایش و

تفاوت و...^{۲۱} در حوزهٔ انس با ادبیات کهن لازم است که استادان، دانشجویان و پژوهشگران این رشته دغدغهٔ ارتباط با جامعه را پیدا کنند تا در راستای انس مردم با ادبیات کهن تلاش کنند و پژوهش‌ها و شیوه‌ها و روش‌هایی در این حوزه ابداع کنند.

برای توجه جدی‌تر به زبان و ادبیات فارسی لازم است که در رشته‌های دیگر درس‌هایی مرتبط با ادبیات فارسی برنامه‌ریزی شود، چنان‌که مثلاً درس‌های مرتبط با روان‌شناسی در دانشکده‌های علوم انسانی و علوم تجربی طراحی شده است. در رشته‌های متعددی همچون علوم اجتماعی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، پزشکی، علوم تربیتی و... لازم است که واحدهای مرتبط با زبان و ادبیات فارسی مانند زبان و ادبیات فارسی و روابط با کشورهای همسایه، ادبیات فارسی و روان‌شناسی و... طراحی و ایجاد شود.

۴. سطح فرهنگی و رسانه‌ای

۱،۴. ساخت فیلم‌های سینمایی و برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی براساس متون ادبی

در نظرسنجی انجام‌شده یک‌چهارم (۲۶درصد) پاسخ‌گویان، به‌جز مطالعه، برنامه‌های تلویزیونی را عامل ارتباط خود با ادبیات اعلام کردند. از این‌رو برنامه‌های تلویزیونی اهمیت زیادی دارند. تجربهٔ برنامهٔ تلویزیونی مشاعرهٔ طنز به‌نظر می‌رسد در تقویت انس با ادبیات مؤثر بوده است. فرهنگستان زبان فرانسوی و جامعهٔ کشورهای

^{۲۱} ر.ک: فتوحی، محمود، درآمدی بر ادبیات‌شناسی، راهنمای رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، تهران: سخن، ۱۴۰۰.

پرتغالی‌زبان تجربه‌هایی در طراحی برنامه‌های تلویزیونی دارند که از آن‌ها می‌توان الگو گرفت و نمونه بومی آن‌ها را ساخت.

سالانه با حمایت سازمان‌های سینمایی حکومتی و دولتی و صداوسیما فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی با کیفیتی با موضوعات اجتماعی، تاریخی و دفاع مقدس ساخته می‌شود، با این حال کمتر اثری با اقتباس از امهات متون ادبی (شاهنامه فردوسی، آثار سعدی، آثار نظامی و ...) ساخته می‌شود. به نظر می‌رسد توجه به متون ادبی در ساخت فیلم و سریال هم ظرفیت بالایی در جذب مخاطب دارد، هم اقدام مؤثری در حفظ فرهنگ و ادب فارسی می‌شود و همچنین ظرفیت پخش بین‌المللی برای کشورهای فارسی‌زبان و منطقه وجود دارد.

۲.۴. نظارت بر شیوه به‌کارگیری زبان در رسانه‌ها

لازم است که تولیدات رسانه‌ای در سطوح مختلف به صورت مستمر از نظر زبانی و ادبی پایش شوند. به صورت خاص، تولیدات ضبطی صداوسیما پایش شوند و اشتباه‌های زبانی و ادبی در آن‌ها زیرنویس شوند. لازم است که زبان به کاررفته در صداوسیما نمایانگر فارسی استاندارد و قاعده‌مند باشد، چنان‌که انگلیسی بی‌بی‌سی چنین کارکردی داشته است. همچنین لازم است تمهیداتی برای ایجاد سامانه‌های مردمی برای نظارت مردم بر رسانه‌ها از منظر زبانی و ادبی اندیشیده شود.

توصیه می‌شود مرکزی برای تمرکز بر کاربرد زبان در رسانه‌ها ایجاد شود. این مرکز به فعالان رسانه‌ای، از جمله مجریان و خبرنگاران، شیوه خلاقانه به کاربردن زبان فارسی و استفاده هنری از زبان را آموزش خواهد داد و همچنین درباره وضعیت به‌کارگیری زبان در رسانه پژوهش خواهد کرد. همچنین مرکز پژوهش‌های صداوسیما باید از پژوهش‌های زبانی و ادبی در رسانه حمایت جدی‌تری به عمل آورد.

۳،۴. نشان ادب فارسی برای تقویت نقش‌آفرینی گروه‌های مرجع در استفاده از زبان و ادبیات فارسی

چهره‌های تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف ورزشی، هنری، سینمایی و... اگر مجدانه از زبان و ادبیات فارسی استفاده کنند، گروه‌های دیگر جامعه هم به ادبیات فارسی علاقه بیشتری پیدا خواهند کرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود «نشان زبان و ادبیات فارسی» طراحی شود و به چهره‌های تأثیرگذار اعطا شود. افراد و گروه‌های مرجع با داشتن این نشان متعهد می‌شوند که بیشتر از زبان فارسی در زندگی روزمره استفاده کنند و ادبیات فارسی را در فعالیتهای رسانه‌ای خود بیشتر ترویج دهند. همچنین بهتر است این نشان را یکی از نهادهای غیردولتی ادبی یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی اعطا کند.

۴،۴. جایزه ترویج ادبیات و کتاب‌خوانی ملی

در حوزه علوم تجربی سال‌هاست که جایزه ترویج علم به کسانی اهدا می‌شود که به‌صورت عمومی برای ارتقای بینش علمی و همگانی‌کردن مفاهیم علمی و علاقه‌مندکردن عموم مردم به علم فعالیت می‌کنند. در حوزه ادبیات فارسی نیز شایسته است که سازوکار اهدای جایزه‌ای مشابه ایجاد شود. این جایزه به آنانی اهدا خواهد شد که برای تسهیل ارتباط گروه‌های سنی مختلف مردم با متون ادبی فعالیت می‌کنند، به ترویج مفاهیم و متون ادبی در رسانه‌ها مشغول‌اند، جریان‌های علمی نوین در حوزه ادبیات فارسی را بومی می‌کنند، محصولات فرهنگی مبتنی بر ادبیات فارسی تولید می‌کنند و به‌صورت کلی متون ادبی را به زندگی روزمره پیوند می‌زنند.

با توجه به تجربه جایزه‌های ملی خواندن در تاجیکستان و جایزه بین‌المللی امارات متحده عربی، جایزه ملی خواندن در ایران نیز نقش مؤثری در تقویت انس با ادبیات

کلاسی و گسترش کتاب‌خوانی میان اقشار مختلف مردم خواهد داشت. کارگروه اجرایی این جایزه منابع سالانه این جایزه را برای گروه‌های سنی مختلف اعلام خواهد کرد و مسابقه در سطوح شهر، استان و کشور برگزار خواهد شد تا در نهایت برندگان نهایی اعلام شوند. مراحل مختلف این مسابقه از طریق صداوسیما نیز پوشش داده خواهد شد و مراحل نهایی به صورت زنده پخش خواهد شد.

۵.۴. طرح رویدادهای خانواده‌محور ادبی

اگر خانواده‌ها برای آشنایی فرزندان‌شان با ادبیات فارسی علاقه‌مند شوند، حتماً تلاش خواهند کرد تا در رویدادهای مختلف ادبی شرکت کنند و خود نیز برای فرزندان‌شان کتاب‌های ادبی را بخوانند. از این رو کتابخانه ملی، نهاد کتابخانه‌های عمومی، مراکز کانون پرورش فکری، فرهنگسراها و... اگر در هر سال کتابی را انتخاب کنند و رویدادهای خانواده‌محور حول آن کتاب‌ها تعریف کنند، در عین اینکه خانواده‌ها اوقاتی خوش را در این رویدادها می‌گذرانند، با ادبیات فارسی هم انس بیشتری پیدا خواهند کرد. این رویدادها شامل نمایش براساس کتاب‌ها، نمایشنامه‌خوانی براساس آثار ادبی، فعالیت‌های کودک‌محور براساس آثار ادبی از جمله بازی، نقاشی، داستان‌نویسی، بحث و گفت‌وگو میان خانواده‌ها و... می‌شود. در این حوزه از تجربه پویش «قطر تقرأ» باید استفاده کرد و امکان همکاری با قطر و برگزاری رویداد مشترک نیز وجود دارد.

۶.۴. برگزاری انواع جشنواره‌های ادبی

این جشنواره در بخش‌های مختلفی مانند روخوانی، حفظ، تفسیر و تحلیل، نمایش و اجرا، مطالعه کتاب‌های شرح و تحلیل، مشاعره، تولید آثار هنری مبتنی بر ادبیات کهن (رمان و نمایشنامه، نمایش‌های سنتی، تئاتر، خطاطی و خوشنویسی، دیوارنگاره، کارتون، طراحی) باید طراحی شود.

علاوه‌براین، طرح جشنواره آثار هنری اقتباس‌شده از ادبیات فارسی برای مخاطب کودک و نوجوان پیشنهاد می‌شود. در این جشنواره باید از آثار هنری اقتباس‌شده از ادبیات فارسی برای مخاطب کودک و نوجوان حمایت شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که جشنواره‌ای ویژه آثار اقتباسی کودک و نوجوان طراحی شود و همچنین به جشنواره‌های فعلی نیز بخش اقتباس از آثار ادبیات فارسی افزوده شود. علاوه‌براین لازم است که از طراحی شخصیت‌هایی مبتنی بر داستان‌های ادبیات فارسی حمایت شود تا این شخصیت‌ها در محصولات فرهنگی برای کودک و نوجوان (پویانمایی، تولیدات تصویری، کتاب‌ها، نوشت‌افزار و...) به کار گرفته شوند.

۷.۴. احیا و حفظ میراث فرهنگی ادبی

برای برخی از شاعران، ادیبان و نویسندگان ایران هنوز مزاری ساخته نشده است یا آنکه مزار آنان چنان‌که شایسته است ساخته یا بازسازی نشده است. قبر این شعرا نخست باید شناسایی شود و سپس برای شاعران و ادیبان ملی و سپس بومی مزار و آرامگاهی ساخته شود و با برگزاری رویدادهایی ادبی در سطح منطقه، استان و کشور آن آرامگاه‌ها تبدیل به مراکزی برای تقویت انس با ادبیات کهن شوند. از نمونه‌های موفق چنین دست‌اقداماتی در چند دهه اخیر بازسازی مزار شمس تبریزی و برگزاری کنگره بین‌المللی شمس در خوی است.

۸.۴. افزایش جلوه ادبیات فارسی در سطح شهر از طریق نام‌گذاری،

نمادسازی تجسمی و دیوارنگاره‌ها

نام بعضی از شاعران و ادیبان کهن و معاصر بر خیابان‌های شهرهای مختلف نهاده شده است. در این امر باید به چند نکته دقت داشت. یکی اینکه بهتر است نام‌گذاری‌ها مرتبط با زندگی آن ادیب باشد؛ به این معنی که به جای نام‌گذاری خیابانی به صورت

تصادفی، نام شاعر یا ادیب بر خیابانی نهاده شود که ارتباطی با حیات آن فرد داشته است؛ مثلاً در آن خیابان یا محله زندگی می‌کرده است یا چند روزی در آنجا اقامت داشته و از این قبیل. همچنین اغلب نام‌های ادبی نام شعرا و ادیبان هستند و کمتر نام داستان یا شعر یا منظومه‌ای بر خیابانی گذاشته می‌شود.

اگر نام شاعر یا ادیبی یا اثری ادبی بر خیابان یا محله‌ای نهاده شده است، بهتر است با درج توضیحاتی در جایی مناسب با طراحی زیبا در همان خیابان یا محله آن شخص یا اثر معرفی شود. در بعضی از این گذرهای شهری نمادهایی تجسمی قرار گرفته است؛ اما جای آن دارد که این نمادهای تجسمی بیشتر شوند و پیوند عمیق‌تری با ادبیات پیدا کنند. در گذرهای شهری مذکور و همچنین دیگر مناطق شهری با طراحی نگارگری‌ها، نقاشی‌ها، خط‌نگاره‌ها و ... می‌توان رنگ‌وبویی دیگر به شهر بخشید و انس با ادبیات کهن فارسی را تقویت کرد.

باید شهرداری‌ها و شوراهای شهری برنامه‌های مستمری برای به‌کارگیری ادبیات فارسی در سطح شهرها داشته باشند. در تقویم ملی ایران روزهایی به شاعران و ادیبان اختصاص یافته است، از جمله روز بزرگداشت عطار (۲۵ فروردین)، سعدی (اول اردیبهشت)، فردوسی (۲۵ اردیبهشت)، مولوی (۸ مهر)، حافظ (۲۰ مهر)، رودکی (۴ دی)، بیهقی (اول آبان) و مناسبت‌های مرتبط دیگری چون هفته کتاب‌خوانی و ... نیز در تقویم رسمی ثبت شده است. این مناسبت‌ها فرصت‌های ارزشمندی برای برگزاری رویدادهای بزرگ شهری هستند. در این روزها می‌شود چهره شهر و فضاهای شهری را با نصب تصویرسازی‌ها، نقاشی‌خط‌ها، کارتون‌ها و نگارگری‌ها مبتنی بر آثار آن شاعران دیگرگون کرد و به شهر رنگ‌وبویی ادبیاتی داد. همچنین فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ برنامه‌هایی مبتنی بر خواندن آثار ادبی آن شاعران برگزار کنند. در پویش «شهر شعر» در پاییز ۱۴۰۲ در تهران آثاری از ۱۲۰ شاعر معاصر در سطح شهر به نمایش درآمد. طرحی مشابه را می‌توان مبتنی بر آثار یک شاعر، مثلاً فردوسی،

اجرا کرد. همچنین باید سازوکارهایی برای تشویق و حمایت از کسب‌وکارهایی اندیشیده شود که متون ادبی را در محیط‌های کاری خود به کار می‌برند.

گاه نام محلات و خیابان‌های شهرهای قدیمی ایران در آثار شاعران و نویسندگان کهن و معاصر آمده است و رویدادهای داستانی یا واقعی درباره آن‌ها نقل شده است. با درج توضیحاتی در آن اماکن یا نصب رمزینه‌هایی (کیوآرکد) باید امکان آشنایی اهالی شهر با پیشینه ادبی و تاریخی آن محلات را ایجاد کرد.

۹.۴. طراحی موزه‌ها، بوستان‌ها، تم‌پارک‌ها و دیگر فضاهای ادبی

موزه‌ها و فضاهای گردشگری موضوعی متعددی در پایتخت و دیگر شهرهای ایران وجود دارد؛ اما موزه‌ای طراحی نشده است که به‌صورت خاص به ادبیات بپردازد و روایتی از تحولات ادبیات فارسی ارائه دهد. برای نمونه کشور بلژیک بایگانی (آرشیو) و موزه ادبیات دارد و این موزه هر ساله نمایشگاه‌های متعددی را درباره رمان‌ها، نمایشنامه‌ها، مجلات و دیگر آثار ادبی فرانسوی‌زبانان بلژیک برگزار می‌کند. در ایران تم‌پارک سرزمین افسانه‌ها یا موزه اساطیر شاهنامه در برج میلاد طراحی شده است که نمونه خوبی از تم‌پارک‌های ادبی است. با استفاده از این تجربه می‌توان تم‌پارک‌های دیگری مبتنی بر آثار سعدی، منطق‌الطیر عطار، داستان‌های مثنوی و ... طراحی کرد. همچنین می‌توان بوستان‌هایی با محوریت ادبیات فارسی طراحی کرد. در باغ‌موزه مینیاتور ایران مهم‌ترین میراث فرهنگی ایران را می‌توان مشاهده کرد. با بهره‌گیری از این تجربه، باغ‌موزه یا بوستان‌ها و پارک‌هایی با نمادسازی از شاعران ادبیات فارسی و آثار شاخص ادبی ایران می‌توان طراحی کرد.

۱۰.۴. تولید صنایع فرهنگی (نوشته‌افزار، اسباب‌بازی، بازی‌های رومیزی،

مد و لباس و ...) با محوریت ادبیات فارسی

در دهه گذشته تولید البسه‌ای با طرح ابیاتی به فارسی با استقبال روبه‌رو شد و بخشی، هرچند اندک، از بازار این محصول را در اختیار گرفت؛ بنابراین یکی از محوری‌ترین مفاد برنامه ملی انس با ادبیات فارسی، گسترش سازوکارها و سیاست‌های حمایتی با هدف تداوم این مسیر و فعال‌سازی زنجیره ارزش و بازارپردازی فرهنگی مبتنی بر شخصیت‌ها، داستان‌ها، متون و مفاهیم مبتنی بر ادبیات کهن فارسی است. باید از طراحی شخصیت‌هایی ایرانی و مبتنی بر اساطیر ایرانی و ویژندسازی (برندسازی) از شاعران و آثار ادبیات فارسی، به‌ویژه در حوزه محصولات کودک، حمایت کرد تا به این ترتیب ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی به طراحی محصولات و صنایع فرهنگی گره بخورد.

۵. سطح فناوریانه

۱.۵. تقویت زیرساخت‌ها، انجام پژوهش‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری برای به‌کارگیری زبان فارسی در فناوری‌های نوین

باید از ایده‌ها و کسب‌وکارهای نوپا در حوزه زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی و بسترهای فناوری حمایت بیشتری صورت گیرد. در این راستا بهتر است بر حوزه‌های کاربردی خاصی تمرکز شود، ازجمله در ارائه بسترهایی برای پیشنهاد بیتی متناسب با نیاز کاربر برای استفاده در فضای مجازی یا فضای‌های دیگر، بستری برای ارائه موضوع و محتوای محور آثار ادبی فارسی متناسب با حالات و احساسات کاربر یا نیازهای روحی و معنوی او، تولید افزونه‌های ویراستار متون در مرورگرها و برنامه‌های ویرایشگر، ساخت صفحه کلیدهای فارسی با امکان پیشنهاد برابرنهادهای فارسی برای واژگان بیگانه، ایجاد سامانه هوش مصنوعی برای پایش محتوای وب و پیشنهاد برابرنهادهای فارسی و...

از کسب‌وکارها و محصولات فرهنگی فناورانه مبتنی بر زبان فارسی حمایت شود و قوانینی برای حمایت و تسهیل صادرات این محصولات اندیشیده شود. همچنین لازم است که از پژوهش‌های علمی دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی در حوزه‌های مختلف فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، حمایت شود. آینده‌پژوهی در این حوزه‌ها راهگشای برنامه‌ریزی‌های بعدی خواهد بود.

۲.۵. حمایت از پایگاه‌های دادهٔ فارسی، کتابخانه‌ها و دایرةالمعارف‌های

برخط

تاکنون چندین پایگاه دادهٔ غنی در حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی از جمله وبگاه‌هایی حاوی متون ادبی فارسی، لغت‌نامه‌ها و همچنین دایرةالمعارف‌هایی برخط به زبان فارسی در فضای وب شکل گرفته است. برای شکوفایی بیشتر این وبگاه‌های مردمی باید آنان به صورت گسترده‌تری معرفی شوند؛ چراکه راهی برای تشکیل یا شکوفایی آن‌ها جز از طریق حمایت و مشارکت کاربران اینترنت با ترجمهٔ مقالات و نوشتارهای علمی به فارسی یا با تولید محتوای علمی وجود ندارد. در این مرحله حمایت مالی از این وبگاه‌ها، جز در موارد خاص، توصیه نمی‌شود؛ اما ترویج و تبلیغ این وبگاه‌های غیرانتفاعی به شکوفایی آن‌ها کمک خواهد کرد.

۳.۵. ابداع زبان برنامه‌نویسی فارسی

ایجاد زبان برنامه‌نویسی فارسی هم یادگیری برنامه‌نویسی در سنین پایین را تسهیل می‌کند و هم سبب می‌شود که واژه‌های فارسی در حوزهٔ برنامه‌نویسی بیشتر به کار بروند. این موضوع سبب می‌شود که ایرانیان از سنین پایین با برنامه‌نویسی و فناوری‌های نوین آشنا بشوند. در حال حاضر افزونه‌های فارسی برای زبان برنامه‌نویسی

کودک اسکرچ^{۲۲} طراحی شده است و می‌توان آثار و نتایج آن را برای اقدامات بعدی ارزیابی کرد.

۴.۵. حمایت از تولید برنامه‌ها و بازی‌های دیجیتال براساس متون ادبی کلاسیک

تاکنون بازی‌هایی براساس اساطیر ایرانی (ازجمله گرشاسپ) ساخته شده است. لازم است که اولاً وضعیت استقبال از آن بازی‌ها ارزیابی شود و در مرحله بعد با الگوبرداری از بازی‌های مشابه خارجی، از ساخت بازی‌های باکیفیتی مبتنی بر فرهنگ ایرانی و با اقتباس از متون ادبی کهن ساخته شود.

به‌صورت خاص از برنامه‌هایی که برای تقویت انس با ادبیات کهن تولید شده‌اند باید حمایت شود. پیشنهاد می‌شود که چهارچوبی کلی برای تولید این برنامه‌ها اعلام شود و در آن‌ها ویژگی‌هایی مانند بازی‌آفرینی و بازی‌سازی، دقت علمی و نکات اخلاقی در انتخاب متون ادبی در نظر گرفته شود و سپس از برنامه‌هایی حمایت شود که در آن چهارچوب قرار می‌گیرند.

گفتار دوم: پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره فراملی^{۲۳}

۱. سطح ساختاری و سیاست‌گذاری

۱.۱. تدوین سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور

^{۲۲}. Scratch

^{۲۳}. مبتنی بر گزارش سیاستی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: صبوری کزج، جواد و مستمع، رضا (۱۴۰۲). ارزیابی وضعیت دیپلماسی زبان فارسی (احصای چالش‌ها و ارائه راهکار سیاستی؛ مطالعه موردی بنیاد سعدی).

در بند ۲۲ اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان یازدهم از نقشه مهندسی فرهنگی به «تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور در چارچوب نقشه مهندسی فرهنگی» اشاره شده است. به نظر می‌رسد تدوین این سند گام روبه‌رشدی جهت ترسیم یک نقشه راه برای حفظ و توسعه خط، زبان و ادبیات فارسی خواهد بود. در این سند می‌توان به اهداف و استراتژی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور پرداخت و از نظر زمانی نیز افقی را برای این موضوع طراحی نمود. پیشنهاد می‌شود بنیاد سعدی متن سند را تهیه و تدوین کرده و شورای عالی انقلاب عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برساند. مقام معظم رهبری (مَد ظِلُّه العالی) نیز در حضور اعضای شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۷/۰۹/۲۳ پیرامون نقش سیاست‌گذاری کلان شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «سیاست‌گذاری راهبردی، بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در زمینه‌های گوناگون هم واقعاً سندهای مکتوب و مدون لازم است»^{۲۴}. در این سند سیاستی می‌توان به مسئله تعدد دستگاه‌ها، مشخص نبودن جایگاه هریک در قبال سایرین، ناهماهنگی این دستگاه‌ها و چالش حوزه سیاست‌گذاری را به شکل قانونمند حل نمود و نداشت نهادی درخصوص وظایف و اهداف فعالان حوزه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور صورت داد.

۲.۱. ایجاد کمیسیون تخصصی در شورای عالی انقلاب فرهنگی

ایجاد کمیسیون تخصصی «گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور» ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند موجب گردد تا به شکل تخصصی موضوع گسترش زبان فارسی در فراسوی مرزهای کشور رصد و بررسی شود. با توجه به

^{۲۴}. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۶۱۷>

چالش‌های حوزه سیاست‌گذاری زبان فارسی در خارج از کشور و ناهماهنگی و همکاری لازم بین دستگاه‌های ذی‌ربط، پیشنهاد می‌شود که شورای عالی انقلاب فرهنگی نقش سیاست‌گذاری در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور را بر عهده بگیرد و در این خصوص ورود جدی‌تری داشته باشد.

همچنین برای هماهنگی هرچه بیشتر در زمینه گسترش زبان فارسی در خارج از کشور، پیشنهاد می‌گردد که دستگاه‌های ذی‌ربط گزارش عملکرد سالانه دقیق و جامعی از اقداماتشان به کمیسیون مزبور ارائه دهند و با انتشار عمومی آن سایر دستگاه‌های ذی‌ربط و مردم از فعالیت‌ها در این زمینه اطلاع یابند.

۲. سطح آموزشی

۱.۲. سامان‌دهی برگزاری آزمون‌های بین‌المللی زبان فارسی

همان‌گونه که اشاره شد، بین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بنیاد سعدی چالشی در زمینه آزمون بین‌المللی زبان فارسی وجود دارد. در بند ۱۷ از ماده ۲ اساسنامه بنیاد سعدی به «برگزاری المپیادهای منطقه‌ای و جهانی و آزمون‌های استاندارد تعیین سطح زبان فارسی» به‌عنوان یکی از وظایف بنیاد توجه شده است. همچنین طبق ماده‌واحد «سامان‌دهی برگزاری آزمون‌های بین‌المللی زبان فارسی» که شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۸۰۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۹ تصویب کرده است، این‌گونه آمده است: «آیین‌نامه و استاندارد آزمون بین‌المللی مهارت زبان فارسی (آمفا) توسط بنیاد سعدی و با مشارکت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین و توسط دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت مزبور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط جهت اجرا و اعمال، ابلاغ می‌گردد». براین‌اساس دستگاه‌های ذی‌ربط (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ سازمان سنجش

آموزش کشور و بنیاد سعدی) موظف هستند به این ماده‌واحد شورای عالی انقلاب فرهنگی اهتمام ورزند و بدان تمکین کنند.

۲.۲. استفاده از ظرفیت طلاب جامعه المصطفی العالمیه جهت تدریس زبان فارسی

طلاب جامعه المصطفی العالمیه ظرفیت بزرگ و ارزشمندی جهت گسترش ارتباطات فرهنگی در جهان هستند. این طلاب که در طول تحصیل زبان فارسی را فراگرفته‌اند، حتی پایان‌نامه‌ها و مقالات به زبان فارسی دارند، می‌توانند به‌عنوان مدرس زبان فارسی در اقصی نقاط جهان با هزینه‌های کمتری به تدریس زبان فارسی بپردازند. هرچند ضرورت دارد که پیش از تدریس، دوره‌های تخصصی آموزش زبان فارسی را با مسئولیت بنیاد سعدی سپری کنند تا بتوانند به تدریس زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان شوند. پیشنهاد می‌گردد استفاده از طلاب و دانشجویان جامعه المصطفی العالمیه جهت گسترش زبان فارسی در خارج از کشور با مسئولیت بنیاد سعدی و با مشارکت جامعه المصطفی العالمیه صورت پذیرد.

۳.۲. تقویت آموزش مجازی

در اساسنامه بنیاد سعدی بر آموزش از راه دور توجه شده است^{۲۵}. فراگیری بیماری کرونا موجب توجه بیش از پیش به آموزش مجازی در بنیاد سعدی شد، این موضوع باید با توجه روزافزونی ادامه پیدا کرده و پیگیری شود. مزیت‌های آموزش مجازی در دوره‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان عبارت‌اند از: ۱. هزینه پایین‌تر برگزاری دوره‌ها در مقایسه با آموزش حضوری؛ ۲. آموزش به مردمان

^{۲۵}. «آموزش از راه دور زبان و ادب فارسی با استفاده از فناوری‌های نوین و حمایت از این فعالیت‌ها» (بند ۷، ذیل ماده ۲ اساسنامه بنیاد سعدی).

کشورهایی که بنیاد سعدی در آنجا نمایندگی ندارد یا امکان برگزاری دوره‌های حضوری فراهم نیست؛^۳ سهل و آسان بودن شرکت در دوره‌ها در مقایسه با دوره‌های آموزش حضوری؛^۴ کاهش نیاز به اعزام استاد آموزش زبان فارسی به مناطق مختلف جهان.

۴.۲. شبکه‌سازی از اساتید و فارغ‌التحصیلان خارجی

زبان‌آموزان و اساتید خارجی ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند زمینه را برای گسترش ارتباطات جهت تحقق اهداف گسترش زبان فارسی فراهم آورند و شبکه‌ای از اساتید خارجی زبان فارسی یا فارغ‌التحصیل دوره‌های زبان فارسی ایجاد نمایند که این موضوع در قالب تشکیل مجمع جهانی اساتید خارجی و کانون فارغ‌التحصیلان در اساسنامه بنیاد سعدی مورد توجه واقع شده است.^۵ این افراد به تعبیری شبکه ارتباطی و رابطان فرهنگی بنیاد سعدی در خارج از کشور خواهند بود و می‌توانند بنیاد را در تحقق اهداف کمک نمایند. از این ظرفیت می‌توان جهت تبلیغ دوره‌های زبان فارسی به مردم کشورهای استفاده کرد که بنیاد سعدی در آنجا فعالیت مستقیم و حضوری ندارد، به شکلی که مردم آن کشورها بتوانند از طریق آموزش مجازی، با زبان و ادبیات فارسی آشنا شده و آن را فراگیرند و بدین شکل فقدان حضور فیزیکی بنیاد سعدی در برخی از مناطق جهان جبران می‌گردد. علاوه بر این در کشورهایی که بنیاد در آنجا نمایندگی دارد، افراد این مجمع و شبکه می‌توانند به‌عنوان همکاران بنیاد در راستای تبلیغ دوره‌های زبان فارسی و تعلیم زبان فارسی مشارکت داشته باشند.

^۳ «تشکیل مجمع جهانی اساتید خارجی و کانون فارغ‌التحصیلان خارجی زبان و ادبیات فارسی و برگزاری نشست‌های دوره‌ای برای اساتید و فارغ‌التحصیلان، در داخل و خارج از کشور» (بند ۲۱، ذیل ماد، ۲ اساسنامه، بنیاد سعدی).

۳. سطح بین‌الملل

۱،۳. برنامه‌های فرهنگی برای افغانستانی‌های ساکن ایران

تعداد درخور توجهی افغانستانی در کشور ایران زندگی می‌کنند. باوجود اینکه زبان رسمی کشور افغانستان فارسی است و این زبان جایگاه بالایی در بین مردم داشته؛ اما دولت‌مردان افغانستان اهتمام جدی در راستای پاسداشت زبان و ادبیات فارسی نداشته‌اند و از آن غفلت دارند. یکی از راه‌های مقابله با این مسئله، استفاده از ظرفیت افغانستانی‌های ساکن ایران جهت توسعه ارتباطات میان‌فرهنگی و تأکید بر اشتراکات زبانی است. برخی از این برنامه‌ها که می‌توان در این خصوص ارائه داد، عبارت‌اند از:

۱. اختصاص بخشی از زمان یکی از شبکه‌های صداوسیما به برنامه‌های مختص به فرهنگ افغانستان با مشارکت خود افغانستانی‌ها و با محوریت زبان فارسی؛
۲. برگزاری نشست‌ها و همایش‌هایی درخصوص زبان و ادبیات فارسی با مشارکت افغانستانی‌ها؛
۳. برجسته‌سازی و تقدیر از ادبا و شعرای افغانستانی زبان فارسی در رسانه ملی، کتب ادبی و محافل شعر و ادب.

۲،۳. استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای

۱. ایجاد شبکه تلویزیونی مشترک بین‌المللی: ایجاد یک شبکه تلویزیونی بین‌المللی با مشارکت سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان می‌تواند موجب هم‌گرایی فرهنگی مردمان این کشورها شود. محتوای برنامه این شبکه تلویزیونی بین‌المللی باید با محوریت اشتراکات فرهنگی این سه کشور و به‌خصوص زبان و ادبیات فارسی باشد.

۲. شبکه خبری بین‌المللی فارسی‌زبان: پیشنهاد می‌گردد که سازمان صداوسیما شبکه خبری بین‌المللی با تمرکز بر کشورهای فارسی‌زبان و پوشش اختصاصی اخبار سه کشور فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان تأسیس کند.

۳.۳. بهره‌گیری از ظرفیت هنری (سینما، موسیقی و ...)

استفاده از ظرفیت‌های هنری اعم از فیلم، سریال و موسیقی می‌تواند راهبردی برای تقویت و گسترش زبان فارسی در فراسوی مرزهای کشور شود. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. گسترش کمی برگزاری هفته فیلم ایران؛ البته شایان ذکر است که بنیاد سینمایی فارابی در طول ۴ سال اخیر ۱۴ هفته فیلم ایران در کشورهای مختلف جهان برگزار کرده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۱۱/۳۰).^{۲۷}

۲. تعریف و انجام پروژه‌های هنری مشترک (مثل فیلم و سریال) به زبان فارسی ازسوی هنرمندان ایرانی و هنرمندان کشورهای فارسی‌زبان.

۴. سطح علمی و دانشگاهی

۱.۴. سیاست افزایش پذیرش دانشجویان بین‌المللی

یکی از راه‌های گسترش زبان فارسی در خارج از کشور توجه بیش از پیش به پذیرش دانشجویان بین‌المللی است؛ زیرا این دانشجویان بین‌المللی علاوه بر علم‌آموزی و تحصیل، زبان فارسی را نیز به‌عنوان زبان تحصیل خود یاد می‌گیرند. طبق مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۵، «تدریس در کلیه

^{۲۷}. <https://www.irna.ir/news/۸۴۶۵۵۶۰۱>

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور برای همه دانشجویان اعم از ایرانی و غیرایرانی باید به زبان فارسی انجام پذیرد». در سند نقشه جامع علمی کشور^{۲۸} و سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور^{۲۹} به پذیرش دانشجوی بین‌المللی به‌عنوان راهبردی جهت گسترش زبان فارسی اشاره شده است. سیاست افزایش پذیرش دانشجویان بین‌المللی همواره روند روبه‌رشدی در دوران پس از انقلاب اسلامی داشته است (صوری کرج، ۱۴۰۱: ۱۷۷). در سال‌های اخیر و در ماده ۶۶ قانون برنامه ششم توسعه نیز به موضوع افزایش تعداد پذیرش دانشجویان بین‌المللی اهتمام جدی شده است. پذیرش دانشجوی بین‌المللی عمدتاً به دو شکل بورسیه و با هزینه شخصی صورت می‌پذیرد. آنچه موردتوجه است، زمینه‌سازی برای افزایش پذیرش دانشجویان بین‌المللی با هزینه شخصی است که دیگر نه‌تنها بار اقتصادی برای دولت ندارد، بلکه از نظر اقتصادی نیز دارای مزیت‌هایی است. در واقع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید زمینه را برای پذیرش دانشجویان بین‌المللی فراهم آورد و این روند روبه‌رشد با قوت بیشتری ادامه یافته و دچار کاهش نشود. همچنین پیشنهاد می‌گردد در قانون برنامه هفتم توسعه نیز همچون قانون برنامه ششم توسعه به موضوع افزایش پذیرش دانشجوی بین‌المللی توجه شود.

۲.۴. نگارش متون علمی به زبان فارسی

«اولین و مهم‌ترین عامل تبدیل یک زبان به زبان علم، جامعه علمی و تولید علم است» (سیف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۲). توجه و اهتمام بیش از پیش به نگارش

^{۲۸} «افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به‌منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور با اولویت

کشورهای اسلامی و همسایه» (بند ۱ اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹).

^{۲۹} «پذیرش دانشجو از بین متقاضیان مشتاق تحصیل داخلی و خارجی جهت تحصیل در رشته‌های نوین و بین‌رشته‌ای

به‌صورت بین‌المللی به‌منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور با اولویت‌دهی به جوامع عضو قطب»

(بند ۸ راهبردهای عملیاتی ذیل راهبرد ملی ۷).

مقالات، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، کتب و سایر متون علمی و همچنین توسعه علمی کشور در تبدیل‌شدن زبان فارسی به‌عنوان زبان علم مؤثر است. در نقشه مهندسی فرهنگی^{۳۰}، سند نقشه جامع علمی کشور^{۳۱}، سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور^{۳۲}، سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها^{۳۳} و سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران^{۳۴} به تولید متون علمی و توسعه زبان فارسی به‌عنوان زبان علمی مرجع در جهان توجه شده است.

دو اقدامی که در جهت پیشبرد این راهبرد پیشنهاد می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. افزایش سطح کیفی مجلات علمی پژوهشی که به زبان فارسی مقالات خود را منتشر می‌کنند و تشویق اساتید، پژوهشگران و دانشجویان به انتشار مقالات خود در این مجلات. این تشویق می‌تواند از طریق لحاظ کردن امتیاز مربوطه و بالاتر در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی، آیین‌نامه‌های جذب اعضای هیئت علمی و آیین‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و ... باشد.
۲. پرداخت حق الزحمه به پژوهشگران بین‌المللی که در مجلات فارسی در رشته‌های مختلف علمی اقدام به انتشار مقاله به زبان فارسی کنند.

^{۳۰} «ایجاد زمینه، انگیزه و حمایت همه‌جانبه از تولید متون و آثار در حوزه‌های مختلف به زبان فارسی» (بند ۱۶

اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۲).

^{۳۱} «توسعه زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهان» (بند ۱ راهبردهای ملی ذیل راهبرد کلان ۹).

^{۳۲} «توسعه زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهانی» (بند ۲ راهبردهای میانی ذیل راهبرد ملی ۸).

^{۳۳} «تقویت و توسعه به‌کارگیری زبان فارسی در متون علمی دانشگاهی و تبدیل زبان فارسی به زبان مرجع علم» (اقدام

۵ از راهبرد ۷ ذیل فصل ۶ (نظام آموزشی)).

^{۳۴} «توسعه و به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای ترویج زبان فارسی به‌منظور ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های

بین‌المللی علمی» (بند ۷ ذیل ماده ۳ (اقدامات ملی)).

همچنین در سند نقشه جامع علمی کشور^{۳۵} به معادل‌سازی فارسی برای واژه‌های بیگانه توجه شده است که این موضوع در تقویت بنیه زبان فارسی برای تبدیل‌شدن به زبان علم مؤثر است. در صورتی که زبان فارسی به‌عنوان یک زبان علمی در جهان شناخته شود، محل رجوع افراد علمی در سراسر جهان قرار می‌گیرد و بدین ترتیب و از طریق نهاد علم، زبان فارسی در فراسوی مرزهای جغرافیای جمهوری اسلامی ایران گسترش خواهد یافت.

مقام معظم رهبری (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی) در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ و درخصوص توسعه زبان فارسی به‌عنوان زبان علم می‌فرمایند:

«از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. ... فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. ... کمالینکه بعضی از کشورهای اروپایی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آن‌ها، مثل فرانسه، مثل آلمان، این‌ها زبان خودشان را به‌عنوان زبان علمی در دانشگاه‌هایشان حفظ کردند»^{۳۶}.

۳.۴. استفاده از ظرفیت اساتید اعزامی برای فرصت‌های مطالعاتی جهت

تدریس زبان فارسی

^{۳۵} «تقویت جریان معادل‌سازی برای واژه‌های علمی بیگانه در تمام رشته‌ها و تأکید بر نگارش مقالات علمی تخصصی به زبان روان فارسی» (بند ۲ اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۹) و «تقویت استفاده از زبان فارسی در حوزه‌های تخصصی علوم با تأکید بر معادل‌سازی مفهومی برای اصطلاحات تخصصی و ترویج آن‌ها در مجامع علمی و تلاش برای تبدیل زبان فارسی به زبان علم» (بند ۲۴ اقدامات ملی ذیل راهبرد کلان ۱۰).

^{۳۶} <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۳۴۵۱>

اساتیدی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به کشورهای مختلف جهت گذراندن فرصت‌های مطالعاتی اعزام می‌کند، در صورت تمایل می‌توانند در کنار فعالیت پژوهشی و آموزشی خود در آن کشور به تدریس زبان فارسی در قالب کرسی‌های زبان فارسی بپردازند. هرچند برای این اساتید نیز سپری‌شدن دوره تخصصی کوتاه‌مدت آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان یک امر ضروری خواهد بود. پیشنهاد می‌گردد که استفاده از این اساتید جهت گسترش زبان فارسی در خارج از کشور با مسئولیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت پذیرد و ردیف بودجه‌ای نیز برای آن تعریف گردد تا کمک‌هزینه‌ای نیز به این اساتید اختصاص یابد. این موضوع موجب تقویت کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور شده و از توقف آن جلوگیری می‌شود.

۵. سطح میراث فرهنگی و گردشگری

۱.۵. توسعه گردشگری ادبی

یکی از راهکارهای تبلیغ و ترویج زبان و ادبیات هر کشوری، تلاش در راستای توسعه «گردشگری ادبی» است. در تعریف، گردشگری ادبی نوعی از گردشگری فرهنگی دانسته شده است که در آن فرد به بازدید از مکان‌های مرتبط با نویسندگان ادبیات، داستان‌ها و کتاب‌های ادبی، جشنواره‌های ادبی و غیره می‌پردازد (هوپن، ۲۰۱۴). سفر به زادگاه و محل زندگی دوره کودکی یا بازدید از آرامگاه‌ها یا یادبودهای شعرا و نویسندگان از جمله اشکال رایج در گردشگری ادبی به شمار می‌روند (کیانی سلمی، ۱۳۹۵). غنا و پیشینه ادبی موجود در کشور ما نیز موجب شده است تا شهرهای متعدد کشور از قابلیت کافی برای توسعه این شکل از گردشگری برخوردار باشند. تبریز (زادگاه محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار)، شیراز (حافظ و سعدی)، همدان (باباطاهر)، یوش (نیما یوشیج)، نیشابور (خیام و عطار)، اصفهان

(صائب تبریزی؛ زادهٔ تبریز)، شاهرود (شیخ ابوالحسن خرقانی) و مشهد ارده‌ال (سهراب سپهری) هریک نمونه‌ای از ظرفیت‌های موجود در کشور برای توسعهٔ گردشگری ادبی به شمار می‌روند.

براساس گزارشی از «نگرش‌ها به آیندهٔ بازار»^{۳۷} در سال ۲۰۲۲ بازار گردشگری ادبی حدود ۲,۲ میلیارد دلار بوده است و طبق پیش‌بینی‌ها این بازار تا ۲۰۳۲ به حدود ۳ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. گردشگری ادبی انواع گوناگونی دارد. بازسازی روایت‌هایی برای گردشگر براساس مکان‌های محوری در رمان‌ها و اشعار یکی از این گونه‌هاست (مثلاً اینکه در شعر حافظ به کدام محل‌ها در شیراز اشاره شده است). در این نوع گردشگری لازم است که روایتی از شهر براساس آثار ادبی بازنمایی شود. مادی و ملموس کردن آنچه در رمان‌ها و اشعار به آن‌ها اشاره شده، در نهایت منجر به گسترش انس با ادبیات خواهد شد. همچنین بازسازی خانه و اتاق کار نویسندگان و شاعران معاصر و تبدیل آن‌ها به خانه‌موزه نیز منجر به گسترش گردشگری ادبی خواهد شد. همچنین حمایت از برگزاری گردش‌های ادبی براساس آثار ادبی کهن منجر به گسترش انس با ادبیات کهن خواهد شد؛ برای نمونه گردش در مسیر سفرنامهٔ ناصر خسرو از نمونه‌های چنین اقداماتی است. تاکنون چند مسیر گردشگری ادبی در شهرها و استان‌ها تعریف شده؛ ولی اجرا نشده‌اند، ازجمله مسیر پرتله‌زنی فرهنگی در محلهٔ حکمت میان خانه‌موزهٔ جلال و سیمین و خانه‌موزهٔ نیما یوشیج در تهران.

در این میان، توسعهٔ گردشگری ادبی از آن جهت که صحنه‌ای برای نمایش ظرفیت‌های زبانی و عقبهٔ زبان فارسی در کشور را در برابر چشم جهانیان فراهم می‌آورد، می‌تواند به گسترش و تقویت زبان فارسی و شیفته‌سازی اذهان تبعهٔ کشورهای دیگر فراهم آورد؛ اما مشارکت میان متولیان زبان و ادبیات فارسی و متولی

حوزه گردشگری در کشور می‌تواند به طرح‌هایی منجر گردد که به تقویت هم‌زمان دو حوزه «گسترش و تبلیغ برای زبان فارسی» و «توسعه گردشگری فرهنگی» در کشور منتج شود. یکی از طرح‌های یادشده در این زمینه می‌تواند تهیه «نقشه و سند راهبردی توسعه گردشگری ادبی» در کشور باشد که در آن اولویت‌های توسعه‌ای هریک از نقاط گردشگری ادبی در کشور مشخص و راهبردهای تحقق آن‌ها با تعریف وظایف هر نهاد متولی تعریف می‌شود.

علاوه بر این، نظر به اینکه «زبان فارسی» میراث ارزشمند مشترک ما با کشورهای نظیر افغانستان و تاجیکستان به شمار می‌رود، می‌توان برنامه‌های مشارکتی را با این کشورها به‌منظور توسعه گردشگری ادبی موردتوجه قرار داد. یکی از این برنامه‌ها می‌تواند برگزاری «تورهای مشترک گردشگری ادبی» در بین کشورهای یاد شده باشد؛ تورهای بین‌المللی که به‌صورت مشترک با کشورهای هم‌جوار و هم‌زبان طراحی و به اجرا گذاشته می‌شود.

۲.۵. استفاده از تورهای آشناسازی در خصوص زبان و ادبیات فارسی

یکی از راه‌های افزایش جذابیت جهت آموزش زبان فارسی برگزاری تورهای آشناسازی است. «تور آشناسازی»^{۳۸}؛ سفرهایی هستند که با هدف ایجاد آگاهی و معرفی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های گردشگری مقصد و توسعه روابط بین‌المللی برای فعالان و مرتبطین گردشگری کشور/جامعه هدف اعم از تور اپراتورها، اصحاب رسانه (نویسندگان، روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان) نمایندگان دولتی و ... برنامه‌ریزی می‌گردد» (شیوه‌نامه برگزاری تور آشناسازی، ۱۳۹۸: ۲). این طرح علاوه بر اینکه فارسی‌آموزی و تدریس زبان فارسی را برای مخاطب جذاب کرده، همچنین قدمی جهت شناساندن فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی به علاقه‌مندان است و موجب

^{۳۸}. Familiarization tour (fam tour)

تعمیق ارتباط آن‌ها با فرهنگ ایرانی می‌شود. مخاطبان این طرح عبارت‌اند از: ۱. اساتید شاخص غیرایرانی زبان فارسی در خارج از کشور؛ ۲. زبان‌آموزان ممتاز ذیل برنامه‌های آموزشی بنیاد سعدی؛ ۳. دانشجویان ممتاز شرکت‌کننده در کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور؛ ۴. پژوهشگران، اساتید و دانشجویان غیرایرانی خارج از کشور که در زمینه زبان و ادبیات فارسی آثار ارزشمندی تألیف کرده‌اند، مثل پایان‌نامه، مقاله و کتاب؛ ۵. شاعران و ادیبان زبان فارسی و همچنین اساتید و پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات فارسی در کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای فارسی‌زبان؛ ۶. اصحاب رسانه و خبرنگاران و چهره‌های موجه فضای مجازی خارج از کشور با هدف پوشش خبری و ارائه تبلیغات در زمینه زبان و ادبیات فارسی. این طرح را می‌توان با مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط و در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت ۷ الی ۱۰ روزه برگزار کرد.

۳.۵. استفاده از ظرفیت مکمل سایر اشکال گردشگری

یکی از اهداف توسعه گردشگری ازسوی کشورها علاوه بر رونق اقتصادی، به‌رخ‌کشیدن فرهنگ خود به سایر جوامع و کشورها است (کروبی، ۱۳۸۲: ۲۱). به‌طور کلی ورود گردشگران به کشور موجب آشنایی آن‌ها با مظاهر فرهنگ ایرانی اعم از زبان و ادبیات فارسی می‌شود. از این جهت، توسعه صنعت گردشگری در ترویج زبان فارسی مؤثر خواهد بود. یکی از راه‌هایی که دستگاه‌های ذی‌ربط می‌توانند جهت گسترش زبان فارسی به مخاطبان و گردشگران خارجی انجام دهند، آشنایی ایشان با زبان و ادبیات فارسی در قالب تبلیغات است. برخی از این اقدامات جهت تبلیغ زبان فارسی به گردشگران خارجی عبارت‌اند از:

۱. تقدیم بسته‌های فرهنگی (کتابچه، بروشور، کلیپ‌های کوتاه آموزشی و ...) آشنایی با زبان و ادبیات فارسی به گردشگران خارجی در هتل‌های گردشگری، آژانس‌های گردشگری، حمل‌ونقل هوایی بین‌المللی، اماکن تاریخی، تفریحی و زیارتی، موزه‌ها و بیمارستان‌ها و مطب‌هایی که بیماران خارجی به آن‌ها رجوع کنند.

۲. بارگذاری کلیپ‌های کوتاه و یادداشت‌هایی پیرامون آشنایی با زبان و ادبیات فارسی به زبان‌های مختلف دنیا در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مربوط به هتل‌های گردشگری، آژانس‌های گردشگری، موزه‌ها، حمل‌ونقل هوایی بین‌المللی، دستگاه‌های حاکمیتی که مخاطبان خارجی دارند و غیره.

و وظیفه تولید محتوا این موارد مذکور با بنیاد سعدی بوده^{۳۹} و وظیفه انتشار و توزیع آن با دستگاه‌های مذکور خواهد بود.

۴.۵. ثبت جهانی میراث فرهنگی ناملموس در حوزه زبان و ادبیات فارسی

یکی از راه‌های حفظ، تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در سطح جهانی و بین‌المللی ثبت میراث فرهنگی ناملموس^{۴۰} در حوزه زبان و ادبیات فارسی در

^{۳۹} یکی از وظایف بنیاد سعدی «تألیف و تولید کتاب، نرم‌افزار، منابع و وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی زبان و ادبیات فارسی به زبان‌های مختلف جهان و حمایت از تولید این منابع و محصولات» است (بند ۹ از ماده ۲ اساسنامه بنیاد سعدی).

^{۴۰} «اصطلاح میراث فرهنگی ناملموس به رسوم، نمایش‌ها اصطلاحات، دانش، مهارت‌ها، و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها، اطلاق می‌شود که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، همواره ازسوی جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ آن‌ها مجدداً خلق می‌شود و حس هویت و استمرار را برای ایشان به ارمغان می‌آورد و بدین‌ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند» (بند ۱ ذیل ماده ۲ در قانون کنوانسیون حراست از میراث ناملموس فرهنگی).

«کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس»^{۴۱} است. اقداماتی که «پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون» می‌تواند در این خصوص صورت دهد، عبارت‌اند از:

۱. پیوست زبان و ادبیات فارسی در ثبت میراث فرهنگی ناملموس: استفاده از اشعار و متون ادیبانهٔ فارسی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی ناملموس که به ثبت جهانی می‌رسد. در این موضوع به شکل غیرمستقیم به زبان و ادبیات فارسی توجه و اهتمام داده می‌شود. به‌عنوان مثال در ثبت جهانی چوگان به شاهنامه‌خوانی اشاره می‌شود.

۲. ثبت میراث فرهنگی ناملموس در حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی: اختصاص کامل یک ثبت جهانی به میراث فرهنگی ناملموس که ارتباط مستقیم با زبان و ادبیات فارسی دارد؛ به‌عنوان مثال ثبت شخصیت‌های ادبی از جمله حافظ و سعدی و فردوسی یا آثار آن‌ها به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس و همچنین دیگر مصادیق عینی حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی.

۵.۵. تفسیر میراث فرهنگی با تأکید بر ادبیات فارسی

تفسیر فرایندی آرام است که امکان تجسم کردن را به گردشگران می‌دهد و هدف اصلی آن ایجاد انگیزش در مخاطب است. در تولید تفسیر، داده‌های اولیه به اطلاعات تبدیل می‌شود، سپس این اطلاعات به هم ربط داده شده و ترکیب می‌شود و در نتیجه تفسیر جذابی ارائه می‌شود. داستان‌سرایی مرحلهٔ دیگری از تفسیر است که

^{۴۱}. «کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس» در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۲/۰۸/۲۵ هجری شمسی) از سوی یونسکو مصوب شده و تأسیس می‌شود. اهداف این کنوانسیون عبارت‌اند از: ۱. حراست از میراث فرهنگی ناملموس؛ ۲. تضمین احترام به میراث فرهنگی ناملموس جوامع، گروه‌ها و افراد ذی‌ربط؛ ۳. ارتقای آگاهی محلی، ملی و بین‌المللی از اهمیت میراث فرهنگی ناملموس و تضمین درک متقابل از آن؛ ۴. تدارک همکاری و درک بین‌المللی (مادهٔ ۱ قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی). جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴ به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو پیوسته است.

گردشگران را در موقعیتی از برنامه گردش، به‌عنوان حس خلاقانه زندگی قرار می‌دهد و اجزا و ماهیت‌های جدا را در کلی منسجم و درعین‌حال متفاوت نقش می‌دهد. راهنمای گردشگری نقش برجسته‌ای در تفسیر میراث فرهنگی دارد (منصوری و شفیعا، ۱۳۹۸: ۷۷). یکی از اقداماتی که راهنمایان گردشگری می‌توانند جهت حفظ و گسترش زبان فارسی انجام دهند، انتقال محتوای غنی ادبیات فارسی با تفسیر میراث فرهنگی است. راهنمایان گردشگری می‌توانند در تولید تفسیر از میراث فرهنگی به ابعاد ادبیاتی و زبانی آن نیز توجه بیشتری کرده و همچنین اهتمام ویژه‌ای به روایت تفسیر و داستان‌سرایی درخصوص میراث فرهنگی مرتبط با ادبیات فارسی داشته باشند.

۶.۵. کنشگری فعال در راستای حفظ میراث فرهنگی در حوزه زبان فارسی در سایر کشورها

یکی از چالش‌ها درخصوص میراث فرهنگی تمدن ایران فرهنگی در سایر کشورها، تخریب و مرمت‌نکردن آن‌هاست. پیشنهاد می‌شود با مشارکت وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی فرایند «شناسایی، مستندسازی و معرفی» این میراث ازسوی پژوهشگران صورت پذیرد. ابتدا این میراث فرهنگی شناسایی‌شده و دسته‌بندی می‌شود. سپس مستندنگاری این آثار ازطریق عکس و فیلم انجام شود. در مرحله آخر این مستندها در رسانه‌ها و سایت‌ها معرفی گردد. این فرایند موجب می‌شود که کشورها نتوانند به‌راحتی این میراث فرهنگی را تخریب و نابود کنند و دولت‌ها مجاب می‌شوند که از این آثار حفاظت و حراست کنند. همچنین آن میراث فرهنگی که اهمیت و ارزش خیلی بالایی دارند و خطر نابودی‌اش نیز بسیار است، می‌تواند در قالب تعریف یک پروژه ازسوی دستگاه‌های ذی‌ربط مرمت‌شده و مانع از نابودی آن شد.

۶. سطح اقتصادی و مالی

۱.۶. حمایت مالی شرکت‌ها و مؤسسات تجاری

بنیاد سعدی با توجه به شرایط فرهنگی هر کشور و هماهنگی با شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و تجاری می‌تواند ظرفیتی برای تبلیغات آن‌ها فراهم آورد و در مقابل از حمایت مالی آن‌ها نیز برخوردار شود. این موضوع از یک سو موجب افزایش توسعه تجاری و بازرگانی در خارج از مرزهای کشور می‌شود و هم از سوی دیگر موجب افزایش توان اقتصادی بنیاد سعدی جهت توسعه زبان و ادبیات فارسی می‌شود. برخی از این خدمات بازرگانی که بنیاد سعدی ارائه می‌دهد، می‌تواند بدین شرح باشد: ۱. نمایش نام شرکت حامی در شعبه‌های بنیاد سعدی در خارج از کشور؛ ۲. پخش آگهی تبلیغاتی به‌عنوان میان‌برنامه در آموزش مجازی؛ ۳. تبلیغات محصولات شرکت در وب‌گاه و شبکه‌های اجتماعی منتسب به بنیاد سعدی؛ ۴. نام شرکت در کنفرانس‌ها یا سمینارهای به‌عنوان حامی مالی مطرح گردد؛ ۵. در برخی از تجهیزات و امکانات بنیاد سعدی، نشان شرکت حامی به نمایش گذاشته شود.

۲.۶. تشویق‌های مالیاتی

یکی از راه‌های تشویق به مشارکت جهت توسعه زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور استفاده از ظرفیت‌های داخلی با تشویق‌های مالیاتی است. براین اساس بنگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که در راستای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور فعالیتی صورت می‌دهند، از مزایای معافیت مالیاتی برخوردار خواهند شد. نمونه

موفق جهانی این موضوع «بنیاد کره» است که طبق آمار کمک‌های مالی به بنیاد کره در سال ۲۰۱۱، به میزان ۲,۲۲۶,۰۶۵ دلار بوده است.^{۴۲}

۳,۶. هیئت مشاوران اقتصادی بنیاد سعدی

نمونه موفق جهانی شبیه به این طرح در مؤسسه گوته (متعلق به کشور آلمان) است.^{۴۳} در هیئت مشاوران که در این گزارش توصیه به تأسیس آن مطرح می‌شود، نمایندگانی از برخی شرکت‌های تجاری و اقتصادی کشور، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه حضور دارند که پیشنهاد می‌شود مسئولیت تشکیل هیئت مشاوران اقتصادی با بنیاد سعدی باشد. این هیئت با مشارکت یکدیگر طرح‌های مشترک سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که سود مشترک دارد را پیش خواهند برد. در واقع این طرح سه رکن دارد: اقتصاد، فرهنگ و سیاست که از هریک نمایندگانی در این هیئت حضور دارند تا پروژه‌های مشترک را پیش ببرند.

۴,۶. درآمدزایی از طریق فروش محصولات و ارائه خدمات

یکی از راه‌های افزایش توان اقتصادی بنیاد سعدی توجه بیشتر به سیاست‌های درآمدزایی از طریق فروش محصولات (کتاب، نرم‌افزار و ...)، برگزاری دوره‌های آموزشی و آزمون‌ها است. تحقق این امر نیازمند افزایش تمایل به فارسی‌آموزی مخاطبان خارجی و افزایش کیفیت دوره‌های آموزشی است.

در انتهای کار خلاصه‌ای از مجموع چالش‌ها و پیشنهادهاى حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی و فراملی جمهوری اسلامی ایران که بررسی شد، در جدول زیر بیان می‌شود.

^{۴۲}. برداشتی آزاد از گزارش بنیاد سعدی در زمینه مؤسسات جهانی آموزش زبان به خارجیان، ۱۴۰۱.

^{۴۳}. برداشتی آزاد از گزارش بنیاد سعدی در زمینه مؤسسات جهانی آموزش زبان به خارجیان، ۱۴۰۱.

جدول شماره ۱۱: چالش‌ها و پیشنهادهاى حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی و فراملی جمهوری اسلامی ایران

گستره	زمینه	چالش	راهکار
ملی	نگرشی	نگرش مدیران و مسئولان؛ نگرش باستان‌گرایانه افراطی؛ نگرش جدایی‌طلبان؛ نگرش عمومی.	تقویت باور به بین‌المللی‌بودن زبان فارسی؛ توجه بیشتر به ادبیات زبان‌های قومی در ایران.
	سیاست‌گذاری	تعدد نهادها و فقدان سیاست‌گذاری منسجم؛ فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و ارزیابی نکردن برنامه‌ها؛ نبود پیمایش‌های دوره‌ای برای ارزیابی وضعیت زبان و ادبیات در سطح جامعه.	ترسیم نگاهت نهادی در حوزه سیاست‌گذاری زبان و ادبیات فارسی؛ ارزیابی اقدامات نهادهای فعال؛ پیمایش‌های دوره‌ای برای سنجش وضعیت زبان و ادبیات فارسی.
	آموزشی	کیفیت ناکافی روش‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی؛ چالش مربوط به جذب معلمان زبان و ادبیات فارسی؛ شان اجتماعی پایین رشته زبان و ادبیات فارسی در آموزش عالی.	توجه به روش‌های آموزشی نوین در تألیف کتاب‌های درسی ادبیات؛ رشته تخصصی آموزش زبان و ادبیات فارسی؛ تقویت پژوهش‌های علمی در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی؛ ایجاد گرایش‌های جدید در رشته زبان و ادبیات فارسی و ایجاد دروس میان‌رشته مرتبط با زبان و ادبیات فارسی.
	رسانه‌ای	کاستی‌ها در استفاده از زبان و ادبیات فارسی در رسانه‌ها؛ توجه ناکافی به زبان و ادبیات فارسی در معابر شهری؛ استفاده پایین از زبان ادبی در فضای مجازی آشنایی پایین با شاعران و آثار ادبی در سطح جامعه؛ ضعف ادبی ترانه‌ها و اشعار موسیقی‌ها.	ساخت فیلم‌های سینمایی و برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی براساس متون ادبی؛ نظارت بر شیوه به‌کارگیری زبان در رسانه‌ها؛ نشان ادب فارسی برای تقویت نقش‌آفرینی گروه‌های مرجع در استفاده از زبان و ادبیات فارسی؛ جایزه ترویج ادبیات و کتاب‌خوانی ملی؛ طرح رویدادهای خانواده‌محور ادبی؛

برگزاری انواع جشنواره‌های ادبی؛ احیا و حفظ میراث فرهنگی ادبی؛ افزایش جلوه ادبیات فارسی در سطح شهر از طریق نام‌گذاری، نمادسازی تجسمی و دیوارنگاره‌ها؛ طراحی موزه‌ها، بوستان‌ها، تم‌پارک‌ها و دیگر فضاهای ادبی؛ تولید صنایع فرهنگی (نوشت‌افزار، اسباب‌بازی، بازی‌های رومیزی، مد و لباس و ...) با محوریت ادبیات فارسی.			
تقویت زیرساخت‌ها، انجام پژوهش‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری برای به‌کارگیری زبان فارسی در فناوری‌های نوین؛ حمایت از پایگاه‌های داده فارسی، کتابخانه‌ها و دائرةالمعارف‌های برخط؛ ابداع زبان برنامه‌نویسی فارسی؛ حمایت از تولید برنامه‌ها و بازی‌های دیجیتال براساس متون ادبی کلاسیک.	عقب‌ماندگی سیاست‌گذاری زبانی در مقایسه با پیشرفت‌های فناوری؛ ضعف در حوزه برنامه‌نویسی، واقعیت مجازی و هوش مصنوعی.	فناورانه	
تدوین سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور؛ ایجاد کمیسیون تخصصی در شورای عالی انقلاب فرهنگی.	فقدان نقشه راه؛ تامل و هماهنگی پایین دستگاه‌های ذی‌ربط.	سیاست‌گذاری	
استفاده از ظرفیت طلاب جامعه المصطفی العالمیه جهت تدریس زبان فارسی؛ تقویت آموزش مجازی؛ شبکه‌سازی از اساتید و فارغ‌التحصیلان خارجی؛ ساماندهی برگزاری آزمون‌های بین‌المللی زبان فارسی.	کمبود اساتید متخصص؛ جایگاه مبهم آفا (آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان)؛ ناهماهنگی در آزمون استاندارد.	آموزشی	فراملی
برنامه‌های فرهنگی برای افغانستانی‌های ساکن ایران؛ استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای؛	تعامل پایین کشورهای فارسی‌زبان جهت حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی؛ نگاه امنیتی به روابط فرهنگی؛	بین‌الملل	

بهره‌گیری از ظرفیت‌های هنری.	ایران‌هراسی؛ رقبای منطقه‌ای و جهانی در زمینه توسعه زبانی.		
سیاست افزایش پذیرش دانشجویان بین‌المللی؛ نگارش متون علمی به زبان فارسی؛ استفاده از ظرفیت اساتید اعزامی برای فرصت‌های مطالعاتی جهت تدریس زبان فارسی.	ضعف در عملکرد درخصوص تحقق «زبان فارسی به‌عنوان زبان علم»؛ تهدیدهای مربوط به کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور.	دانشگاهی	
ثبت جهانی میراث فرهنگی ناملموس در حوزه زبان و ادبیات فارسی؛ تفسیر میراث فرهنگی با تأکید بر ادبیات فارسی؛ کنشگری فعال در راستای حفظ میراث فرهنگی در حوزه زبان فارسی در سایر کشورها.	بی‌توجهی به ظرفیت‌های گردشگری جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی؛ عدم‌اهتمام به میراث فرهنگی مرتبط با زبان و ادبیات فارسی؛ تخریب و مرمت‌نکردن میراث فرهنگی تمدن ایران فرهنگی در سایر کشورها.	میراث فرهنگی و گردشگری	
طرح حمایت مالی شرکت‌ها و مؤسسات تجاری؛ تشویق‌های مالیاتی؛ ایجاد هیئت مشاوران اقتصادی بنیاد سعدی؛ درآمدزایی از طریق فروش محصولات و ارائه خدمات.	فقدان رویکرد اقتصادی به دیپلماسی زبان فارسی؛ کمبود اعتبارات دولتی این حوزه.	اقتصادی	

منابع

- اداره هماهنگی گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی، گزارش زبان فارسی و سیاست همسایگی؛ بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی زبان فارسی جمهوری اسلامی ایران در حوز، ایران فرهنگی، ۱۴۰۱.
- بنیاد سعدی، گزارش عملکرد ده سال، بنیاد سعدی، ۱۴۰۱.
- پیش‌قدم، رضا؛ فیروزیان پور اصفهانی، ایدا و طباطبایی فارانی، سحر (۱۳۹۳)، آینده‌پژوهی رشت، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در پرتو الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۴، صص ۹۶-۱۲۰.
- تقی‌زاده، حسن (۱۳۹۰)، «تدریس زبان خارجی» در ای زبان پارسی، به کوشش میلاد عظیمی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جهانبخش، جویا (۱۳۸۹) «فروغی و خلاصه شاهنامه»، در مزدک‌نامه ۳، به کوشش جمشید کیان‌فر و پروین استخری، تهران: پروین استخری.
- راستی، علی (۱۴۰۰)، دیپلماسی فرهنگی ایالات‌متحده آمریکا در قبال افغانستان (۲۱۰ تا ۲۲۰ میلادی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- سیفال‌دین، امیرعلی؛ رهبر، امیرحسین؛ نصراف‌فهرانی، علیرضا و صفری، محمد میثم (۱۳۹۱)، زبان فارسی در آینده اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی آینده‌پژوهانه، نشریه مطالعات آینده‌پژوهی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و نوری، حامد (۱۳۹۶)، دیپلماسی عمومی، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- صبوری کزج، جواد (۱۴۰۱)، گفت‌مان دیپلماسی مبادله‌ای آموزشی جمهوری اسلامی ایران (دوران دولت یازدهم و دوازدهم)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- صبوری کزج، جواد و مستمع، رضا (۱۴۰۲)، گزارش ارزیابی وضعیت دیپلماسی زبان فارسی (احصای چالش‌ها و ارائه راهکار سیاستی، مطالعه موردی بنیاد سعدی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قاسمی پیربلوطی، محمدمبین (۱۴۰۲)، گزارش ارزیابی عملکرد ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه (به همراه الزامات تقنینی و ملاحظات سیاست‌گذاری زبانی در جهت پاسداشت زبان فارسی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کروی، مهدی (۱۳۸۲)، فرهنگ و گردشگری، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۱-۴۷.

- کیانی سلمی، صدیقه (۱۳۹۵)، گردشگری ادبی و نقش آن در توسعه مکان‌های ادبی شرقی (نمونه موردی: کاشان)، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی، دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان با مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، ارمنستان.
- معاونت آموزشی و پژوهشی بنیاد سعدی، گزارش مؤسسات جهانی آموزش زبان به خارجیان، ۱۴۰۱.
- مقیسه، محمدحسن (۱۳۹۵)، امین زبان و ادب پارسی: راهکارهای علمی و عملی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) دربارهٔ پویا و گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- منصوری، سید امیر و شفیعا، سعید (۱۳۹۸)، آشنایی با منظر (گردشگری منظر)، تهران: مهکامه.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۸۵)، عقل در تاریخ، ترجمهٔ حمید عنایت، تهران: شفیعی.
- Habsbawm (۱۹۹۰) Nations and Nationalism Since ۱۷۸۰.
- Hoppen, A., Brown, L., Fyall, A. (۲۰۱۴). Literary tourism: Opportunities and challenges for the marketing and branding of destinations? Journal of Destination Marketing & Management ۳, pp. ۳۷-۴۷.
- Şahin, M. M. (۲۰۲۲) Yunus Emre Enstitüsünün Türkçe Öğretimi Kapsamında Ortadoğu'daki Varlığı ve ۲۰۲۰ Faaliyet Raporu'na Göre Ortadoğu Vatandaşlarının Türkçe Öğretim Portalı'na İlgisi. Uluslararası Yabancı Dil Olarak Türkçe Öğretimi Dergisi, ۵(۱), ۵۵-۷۱.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۴) ۲۰۱۴ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۵) ۲۰۱۵ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۶) ۲۰۱۶ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۷) ۲۰۱۷ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۷-۲۰۱۸) ۲۰۱۷-۲۰۱۸ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۱۹) ۲۰۱۹ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۲۰) ۲۰۲۰ Yılı Faaliyet Raporu.
- Yunus Emre Enstitüsü (۲۰۲۱) ۲۰۲۱ Yılı Faaliyet Raporu.

وبگاه

- وبگاه رسمی بنیاد سعدی، <https://saadifoundation.ir/fa>
- وبگاه رسمی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی)، <https://farsi.khamenei.ir/>
- وبگاه رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <https://rc.majlis.ir/fa>
- وبگاه رسمی مؤسسه یونس امره، <https://www.yee.org.tr/>

زبان و ادبیات فارسی، به عنوان یکی از ارکان فرهنگی زندگی ایرانیان است که از یکسو سنگری برای مقابله با امپریالیسم فرهنگی غرب و حفظ فرهنگ بومی ایرانی- اسلامی است و از سوی دیگر، این گنجینه ارزشمند به عنوان میانجی فرهنگی دارای ظرفیت والایی برای تقویت و ترمیم انسجام و یکپارچگی اجتماعی می‌باشد. در این گزارش، سیاستگذاری زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی و فراملی مورد مطالعه قرار گرفته است. نگاهی گذرا به پیشینه سیاستگذاری زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجاریه و طاغوت پهلوی، بررسی اسناد سیاستی و دستگاه‌های ذی‌ربط این حوزه، بیان تجربیات جهانی این حوزه در دو سطح ملی و فراملی، آسیب‌شناسی و ارائه راهکار پیشنهادی برای بهبود وضعیت زبان و ادبیات فارسی در گستره ملی و فراملی از جمله موضوعاتی است که در این گزارش بدان پرداخته شده است

مرکز مدافعتی کشور